

طرح بحث

* مرحله اول * مسأله یابی *

موضوع: آثار و دستاوردهای داخلی و جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران

هدف مورد انتظار: ارتقاء سطح نگرش و تعلق نوجوان نسبت به انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی بر محور تبیین تقابل حق و باطل

<p>مخاطب: نوجوان و جوان دبیرستانی ■ پسر ■ دختر</p>	
<p>ذهن نوجوان بیشتر احساسی و محسوس نگر و فایده‌بین است. او برای قبول و تعلق به هر امر خوبی نیازمند مشاهده و درک محسوس است. از این رو گاه مشاهده برخی مشکلات پیرامون و شنیدن برخی شایعات او را نسبت به اصل انقلاب و نظام سیاسی بدبین می‌کند. از این رو لازم است تا آثار و دستاوردهای داخلی و جهانی انقلاب را برای نوجوان تشریح کرد.</p>	<p>الف: دلایل بروز مشکل در مخاطب (ریشه‌ها و زمینه‌ها)</p>
<p>بیشتر مخاطبان ما اطلاع دقیقی از تاریخ، ماهیت، آثار و دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران ندارند و عمده شنیده‌های آن‌ها، کلیشه‌ای و تکراری است. از این رو لازم است تا از طرق جذاب، اطلاعات خوبی را در اختیار دانش‌آموز و مخاطب قرار داد.</p>	<p>ب: نگرش مخاطب به موضوع</p>
<p>فرصت زمانی: مناسبت‌ها، ماه رمضان، محرم، ایام امتحان و فرصت مکانی: مسجد یا نماز خانه، حیاط مدرسه، باغ و نقاط مثبت شخصیت مخاطب:</p> <p>۱. دوست دارد مقتدر و قوی باشد. ۲. دوست دارد محبوب باشد. ۳. میل به آرامش. ۴. میل به نشاط و شادابی. ۵. عواطف و احساسات قوی دارد. ۶. لذت طلب است. ۷. کمال طلب است. ۸. علاقه به هیجان‌ات. ۹. دوست دارد دیگران به او اعتماد کنند. ۱۰. دوست دارد دیگران به او توجه کنند و شخصیت دهند. ۱۱. زیبایی‌ها را دوست دارد. ۱۲. دوست دارد پاک باشد. ۱۳. نوگرا است. ۱۴. گذشت و ایثار خوبی دارد. ۱۵. میل کمک به دیگران. ۱۶. به شدت تحت تأثیر رفیق است. ۱۷. زودرنج و حساس می‌باشد. ۱۸. ممتاز شدن برایش خیلی مهم است. ۱۹. خانواده‌دوست است. ۲۰. مقام و مدرک برایش خیلی مهم است.</p>	<p>ج: فرصت‌ها و نقاط مثبت شخصیت مخاطب</p>

<p>د: آثار مثبت و منفی موضوع</p>	<p>آثار مثبت: ۱. بالا بردن بصیرت؛ ۲. بالا بردن احساس تعلق خاطر به انقلاب و نظام؛ ۳. تحلیل بالا از آثار و دستاوردهای انقلاب.</p>	<p>آثار منفی: ۱. کلیشه‌ای شدن؛ ۲. یک طرفه قضاوت کردن؛ ۳. عدم توجه به مشکلات و برخی از بد عمل کردن‌ها؛ ۴. بزرگ‌نمایی در ذهن مخاطب در مورد آثار انقلاب و عدم توانایی تطبیق با برخی کاستی‌های موجود.</p>
<p>۵: آسیب‌شناسی بحث (شبهات - موانع و مشکلات)</p>	<p>۱. کلیشه‌ای بحث کردن + تکرار مکررات + عدم استناد و ارائه‌ی شواهد؛ ۲. احساس بحث کردن و عدم ارائه‌ی مستندات و دلایل و شواهد عینی و محسوس یا اظهارات خارجی‌ها؛ ۳. مطلق‌انگاری انقلاب و عدم توجه دادن به برخی ضعف‌ها و بد عمل کردن‌ها (دفاع بد بهترین راه مبارزه است)؛ ۴. یک سویه بودن مباحث؛ فقط مربی حرف بزند و دانش‌آموز فقط شنونده باشد.</p>	
<p>و: اولویت‌بندی و اصول حاکم بر بحث و منابع تکمیلی</p>	<p>ایجاد فضای گفتگوهای دو سویه؛ پرسش‌گری + انتقاد کردن = کرسی آزاداندیشی توجه به آثار و دستاوردهای علمی (انرژی هسته‌ای + ماهواره + عرصه نظامی + لیزر و ...) توجه به آثار و دستاوردهای سیاسی (مبارزه با استبداد و استعمار و ...) توجه به آثار و دستاوردهای فرهنگی (بیداری اسلامی و ...) استفاده از روش مقایسه‌ای میان: الف. ایران اسلامی با قبل از انقلاب ب. ایران اسلامی با کشورهای جهان سوم ج. رشد فزاینده انقلاب با کل دوره ۵۰۰ ساله غرب</p> <p>منابع: ۱. عصر امام خمینی، حاجتی، قم: بوستان کتاب. ۲. بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، منوچهر محمدی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵. ۳. زمینه‌ها، عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، رهیافت فرهنگی، دفتر نشر معارف چاپ اول این کتاب را در ۲۸۰ صفحه، قطع وزیری، شمارگان ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۸۰۰ تومان روانه بازار کرده است.</p>	
<p>ز: انتخاب زاویه دید</p>	<p>محتوایی: ← استدلالی □ علمی □ تعبدی □ عاطفی □ تلفیقی ■ روشی: ← آرایه ← ادبی □ محاوره‌ای □ خطابی □ تمایلی □ تلفیقی ■ ← القاء ← مستقیم ■ غیر مستقیم ■</p> <p>توضیحات: مهم‌ترین مسأله، ایجاد فضایی مناسب برای محاوره، گفتگو، بحث آزاد میان دانش‌آموزان است تا؛ ۱. هم مطالب خود را مورد سنجش قرار دهند. ۲. هم جرأت اظهار نظر پیدا کنند. ۳. از نظرات و تفکرات دوستان دیگر خود مطلع شوند. ۴. قدرت تحلیل و سنجش به‌دست آورند. ۵. به اشکالات خود پی ببرند. ۶. احساس آزادی و تعلق خاطر پیدا کنند.</p>	

طرح بحث

* مرحله دوم * طرح مسأله *

موضوع: آثار و دستاوردهای داخلی و جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران

هدف مورد انتظار: ارتقاء سطح نگرش و تعلق نوجوان نسبت به انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی بر محور تبیین تقابل حق و باطل

توضیح چگونگی ارتباط با مسأله‌یابی و مطالب قبل و بعد و علت انتخاب قالبها		موضوع	
	<p>شروع با یک پرسش یا یک داستان ارائه گزارشی از زندگی ادواردو آنیلی (ایتالیایی) پرسش: چرا و چگونه آنیلی به اسلام علاقه‌مند شد و به ایران آمد؟ درخواست از شاگردان تا به تحلیل زندگی آنیلی بپردازند.</p>	<p>شروع‌ها و ایجاد انگیزه قصه‌گویی خاطره شعر نثر ادبی دعا طنز ابهام سؤال تعریف مطلب ضرورت مطلب</p>	مقدمه
	<p>صدها مثل آنیلی در جهان غرب وجود دارد مثل: رژه گارودی متفکر بزرگ مارکسیسم که بعدها مسلمان شد. ایران و انقلاب ظرفیت عظیم معنوی و الهی برای بشر ماشین‌زده‌ی غرب به‌وجود آورد. در عصر ضدیت با دین و خدا و معنویت، که فیلسوفان غرب فریاد خدا مرده است را سر می‌دادند، پیرمردی فریاد خداخواهی سرداد و فطرت انسان‌های طالب معنویت و هویت و حقیقت را بیدار کرد. الف. بازگشت دین به عرصه‌ی مناسبات جهانی (فرهنگی - سیاسی) بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی بود. انسان‌های غربی و شرقی امروز، تشنه‌ی معنویت اصیل و حلقه‌ی وصل به خدا هستند و این اسلام است که می‌تواند دل‌های مردمان را بیدار، متصل و خدایی کند. ب. دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان به‌خصوص مردم فلسطین از آثار انقلاب در جهان اسلام است و الهام‌بخشی ایران در بیداری اسلامی از دیگر آثار آن است.</p>	<p>سؤال بیان موضوع نظریه‌پردازی تقسیم و تنظیم انتخاب قالب مناسب انواعی درد و درمان تنوعی بارش فکری</p>	طرح مسأله

<p>حل مسأله (اقتناع اندیشه)</p>	<p>جواب سؤال نقد و بررسی تجزیه و تحلیل موضوع ساختار شکنی ذهنی ارایه آمار و ارقام استدلال و برهان تعلیل و توجیه استناد و تأکید انتخاب قالب مناسب مقایسه‌ای تشبیهی تقریر و تحریر ایجاد تنوع با (حکایت، طنز، شعر، خاطره، دعا، معما، اجرای مسابقه و...) نقطه اوج محتوایی</p>	<p>ج: عصر داخلی خارج ساختن ایران از یک کشور عقب مانده، تحت سلطه، بیگانه پرست و تبدیل آن به یک کشور آزاد، مستقل، الهام بخش در سطح جهان؛ بازسازی زیرساخت‌های کشور علی‌رغم جنگ‌های تحمیلی داخلی و خارجی و تحریم‌های فراوان، از دستاوردهای بزرگ انقلاب و نظام است. ۱. دستیابی به علوم جهانی ۲. ارتقاء رتبه علمی ایران در جهان ۳. زمینه‌سازی برای بروز و پرورش استعداد جوانان ایرانی ۴. یافتن هویتی مستقل، آزاد و بارور برای انسان ایرانی ۵. ارائه آمار از راه‌سازی، جاده‌سازی، توسعه دانشگاه‌ها، رفاه اقتصادی، کثرت جمعیت و ... نکته: مطالب ملموس و عینی بیان شود، نه انتزاعی و کلی و آماری صرف.</p>	
<p>خاتمه و جمع بندی</p>	<p>گاهی لازم گاهی غیر لازم</p>	<p>۱. گاهی لازم است ابتدا انتقادات را پذیرفت و سپس به نحو آرام و منطقی و حتی غیرمستقیم پاسخ گفت. ۲. از موضوع یک انسان بدون قصد و غرضی و حتی خارج از مجموعه انقلاب وارد شوید. ۳. خود را به جای یک انسان غربی بگذارید تا دانش آموزان به شبهات شما پاسخ دهند.</p>	
<p>تکلیف</p>	<p>حیطه شناختی حیطه عاطفی حیطه رفتاری</p>		
<p>توضیحات</p>		<p>هنگام اجرای برنامه باید این نکات رعایت شود. (تحریک احساس) ۱. گرفتن حس مورد نظر. ۲. هماهنگی لحن با محتوا و حس مورد نظر ۳. هماهنگی لحن و محتوا و حس با حرکات دست و چهره و چشم و ... ۴. رعایت اوج و فرود صدایی. ۵. رعایت و تنظیم سرعت و فرصت. ۶. گره زدن با مخاطب.</p>	

درسنامه آثار داخلی و جهانی انقلاب اسلامی

دستاوردهای داخلی انقلاب اسلامی

خدمات و فعالیت‌های نظام جمهوری اسلامی در ابعاد داخلی، از گستره‌ی بسیار وسیعی برخوردار است که می‌توان در چند حوزه آنها را تقسیم‌بندی کرد:

۱. خدمات و دستاوردهای نظام در حوزه‌ی فرهنگی، علمی و اجتماعی

۲. خدمات و دستاوردهای نظام در حوزه سیاسی

۳. خدمات نظام در حوزه اقتصادی

از آنجا که برشمردن همه‌ی فعالیت‌ها و خدمات انجام شده در طول ۲۵ سال حیات جمهوری اسلامی از حوصله‌ی مجموعه‌ی حاضر خارج است. در عین حال نگاهی گذرا به برخی از حوزه‌ها صورت گرفته است.

۲. خدمات و دستاوردهای نظام در حوزه‌ی فرهنگی، علمی و اجتماعی

به موازات توسعه در بخش‌های اقتصادی، در حوزه فرهنگی، علمی و اجتماعی نیز اقدامات شایسته‌ای پس از پیروزی انقلاب صورت گرفته است که در این مقاله با رعایت شرط اختصار، به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱/۱. گسترش نرخ سواد و دانش آموختن

نرخ باسواد جمعیت ۶ ساله و بالاتر کشور از ۲۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۹/۵ درصد سال ۱۳۷۵ و به بیش از ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است. همچنین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (سال تحصیلی ۵۶ - ۵۷) در کل کشور ۷/۷۴۵/۸۲۵ نفر دانش‌آموز وجود داشت که این رقم در سال تحصیلی ۸۰ - ۷۹ به ۱۸/۳۱۴ میلیون نفر افزایش یافته است.

موفقیت و دستیابی هر ساله‌ی دانش‌آموزان ایرانی به مقامات جهانی در المپیادهای علمی در رشته‌های مختلفی همچون فیزیک، ریاضی، شیمی و کامپیوتر در رقابت با کشورهای پیشرفته علمی یکی دیگر از شواهد رشد و توسعه علمی کشور در سال‌های پس از انقلاب است.

۱/۲. توسعه و گسترش مراکز آموزش عالی

رشد کمی دانشجویان کشور یکی دیگر از شاخص‌های توسعه علمی در سال‌های پس از انقلاب است. در حالی که تعداد دانشجویان دانشگاه‌های کشور قبل از انقلاب از مرز ۱۵۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد، امروزه این تعداد به حدود دو میلیون و پانصد هزار نفر بالغ شده است. تعداد دانشگاه‌ها و دانشکده‌های گروه پزشکی از ۱۱ واحد در سال ۵۸ - ۵۷، به ۳۸ واحد در سال ۷۶ - ۷۵ افزایش یافت. همچنین تعداد پزشکان از ۱۳۰۰۰ به ۴۹۰۰۰ نفر، تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در گروه پزشکی از ۲۵۵۸۸ به ۸۶۰۵۹ نفر رسیده است. تعداد پزشکان متخصص از ۷۰۰۰ نفر در سال ۵۵، به حدود ۱۷۰۰۰ نفر در سال ۷۵ افزایش یافته است. هم‌اکنون به طور متوسط، برای هر ۵۴۰ نفر یک تخت بیمارستان و برای هر ۸۰ هزار نفر یک مؤسسه درمانی فعال در کشور وجود دارد. تعداد فارغ‌التحصیلان مراکز آموزش عالی از ۱۳۵ هزار نفر در مقطع زمانی سال ۱۳۵۷، به حدود ۲/۴ میلیون نفر در مقطع زمانی سال ۱۳۸۰ رسیده است.

۱/۳. پیشرفت کمی و کیفی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی

تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های برون مرزی، مثل شبکه‌ی سحر، جام جم و صبا، العالم به زبان عربی، پرس تی وی به زبان انگلیسی

۱/۴. گسترش مراکز هنری و فرهنگی.

۱/۵. توسعه و رشد علمی مانند فن آوری هسته‌ای، سلول‌های بنیادی جنینی.

۱/۶. گسترش تأمین اجتماعی و انواع بیمه‌های حمایتی.

۱/۷. توسعه سینما

سینمای ایران به اذعان تمامی صاحب‌نظران، قبل از انقلاب به هیچ‌وجه در دنیا مطرح نبود و به حساب نمی‌آمد؛ لیکن امروزه به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین، صاحب‌سبک‌ترین و جزو چند سینمای مطرح جهان است و در صنعت دوبلاژ نیز جزو سه کشور اول دنیا محسوب می‌شود.

۱/۹. به وجود آمدن محیط نسبی خوب جهت رشد کمالات اخلاقی؛

۱/۱۰. زدودن اغلب مظاهر فساد از عرصه‌ی جامعه؛

۱/۱۱. ارتقای نسبی سطح آگاهی‌های عمومی؛

۱/۱۲. ریشه‌کنی بی‌سوادی؛

۱/۱۳. افزایش امنیت اجتماعی و قضایی در بسیاری از موارد؛

۱/۱۴. رواج گونه‌های مختلف ادبیات انسان‌ساز، اخلاق‌مدار، آموزنده، انقلابی و دینی؛

۱/۱۵. افزایش و رشد مطبوعات و نشریات مفید و سازنده؛

۱/۱۶. اسلامی کردن اغلب مقررات مدنی، جزائی و اقتصادی؛

۱/۱۷. گسترش و احیای تفکر دینی در اقشار مختلف فرهنگی و در اغلب سطوح اجتماعی؛

۱/۱۸. افزایش هماهنگی بین تعهد و تخصص در جامعه متخصصان کشور؛

۱/۱۹. همکاری ثمربخش استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه؛

۱/۲۰. مردمی شدن قوای مسلح و ایجاد بسیج؛

۱/۲۱. تلاش در جهت معرفی و تعمیم الگوی زن مسلمان.

۳. دستاوردهای سیاسی

انقلاب اسلامی در حوزه‌ی سیاسی، تأثیرات و تحولات بسیار مثبتی را بر جای گذاشته است. اگر چه این آثار و نتایج مثبت در پشت ابرهای جنجال‌های سیاسی و تبلیغات رسانه‌های بیگانه پنهان مانده است، اما قابل رد و نفی نیستند. انسان‌ها همواره قدر نعمت را در فقدان آن بیشتر درک می‌کنند؛ اما در عین حال یادآوری و تذکر آن می‌تواند همان نتیجه را به ارمغان آورد. امام عظیم الشان و به تبع ایشان، مقام معظم رهبری، همواره چنین مشی‌ای داشته‌اند. در این رابطه ثمرات، پیامدها و آثار انقلاب را تحول در نهادهای سیاسی - اجتماعی، آزادی، استقلال، گسترش مشارکت سیاسی و جایگزینی ارزش‌های اسلامی و... می‌دانستند.

۲/۱. ریشه‌کنی نظام استبدادی شاهنشاهی

۲/۲. استقلال سیاسی و قطع سلطه و مداخله‌ی ابرقدرت‌ها در سرنوشت کشور

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال سیاسی آن است. این در حالی است که رژیم طاغوت به‌هیچ وجه از استقلال در تمامی سطوح برخوردار نبود. علاوه بر این، نظام جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای دنیا، مستقل‌ترین کشور محسوب می‌شود. سیاست نه شرقی نه غربی، ایران اسلامی را که در دوران معاصر همواره تحت نفوذ قدرت‌های استعماری و بیگانه بوده است، به یک کشور غیر قابل نفوذ و کاملاً مستقل تبدیل کرده است.

۲/۳. تدوین قانون اساسی مبتنی بر اسلام

قانون اساسی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. اهمیت این دستاورد از این جهت است که نحوه تعامل مردم و دولت، حقوق شهروندی و نقش مؤثر مردم در اداره‌ی حکومت در آن به طور واضح و کامل دیده شده است.

۲/۴. تحول در نهادهای سیاسی - اجتماعی

در رابطه با تحول در نهادهای سیاسی - اجتماعی، حضرت امام بیشترین تأکید را بر پیدایش دولت خدمتگزار به عنوان دستاورد عمده‌ی انقلاب اسلامی داشتند. به نظر امام، ایجاد دولت مردمی که مظهر اتحاد و همدلی ملت به شمار می‌آید، از برکات انقلاب محسوب می‌شود.

۲/۵. تبیین نظریه ولایت فقیه در عرصه نظام‌سازی دینی و ایجاد نظام مردم‌سالاری دینی

از آنجایی که اساس نظام بر مبنای ولایت فقیه استوار شده است و با توجه به ویژگی‌ها و مختصات ولی فقیه، نظام جمهوری اسلامی از قابلیت‌هایی برخوردار است که سایر نظام‌های سیاسی فاقد آن هستند. از همین رو امام راحل همواره تأکید داشتند که از ولایت فقیه پشتیبانی کنید تا به نظام آسیبی نرسد.

۲/۶. آزادی از یوغ استعمار

امام راحل آزادی بیان، قلم، فکر و اندیشه را از دستاوردهای مهم انقلاب می‌دانستند. در یک قضاوت منصفانه نیز در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا، آزادی در ابعاد مختلف از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است.

۲/۷. مشارکت سیاسی، رشد سیاسی و آگاهی‌های عمومی و حضور آنها در صحنه‌های مختلف

یکی دیگر از ثمرات انقلاب، مشارکت سیاسی آحاد ملت در تمامی مسائل کشور است. مردم ایران پس از انقلاب، تمام نهادهای سیاسی را به طور مستقیم تعیین می‌کنند و شرکت آزادانه مردم در انتخابات و نرخ مشارکتی که مردم در انتخابات مختلف داشته‌اند، بیانگر اهمیت و جایگاه این مسئله در نظام جمهوری اسلامی و شناسایی نقش مردم به عنوان سرچشمه قدرت است.

۲/۸. افزایش امنیت و قدرت نظامی ایران

در حیطه نظامی نیز درحالی که قبل از انقلاب تقریباً تمام تسلیحات نظامی کشور از خارج وارد می‌شد، هم‌اکنون نه تنها این نسبت تقریباً معکوس شده است، بلکه ایران در زمره‌ی یکی از تولیدکنندگان درجه دوم تسلیحات نظامی در جهان قرار گرفته است و تولیدات خود را به بیش از ۳۷ کشور جهان صادر می‌کند.

از نظر صنایع دفاعی، آنچه که قبل از انقلاب تولید می‌شد، صرفاً سلاح و مهمات سبک بود که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تولید فشنگ‌های سبک و نیمه‌سنگین تیربار ژ ۳، اسلحه ژ ۳ و فشنگ سلاح‌های کمری محدود می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب، شرایط متحول شد و تحولات چشم‌گیری خصوصاً در مقطع جنگ تحمیلی پدید آمد. جنگ، واقعیت‌هایی را تحمیل می‌کرد که نتیجه مواجهه‌ی با آنها، شکل‌گیری صنایع دفاعی بود. بسیاری از سلاح‌هایی که قبل از انقلاب نه تولید می‌شد و نه اجازه‌ی تولید آن را می‌دادند، از رهگذر جنگ و تحریم اقتصادی و با مهندسی معکوس در داخل کشور تولید شد و هر قدر فشارها بیشتر شد، خودباوری صنعت دفاعی، بیشتر متبلور شد. هم‌اکنون جمهوری اسلامی از بزرگ‌ترین توان و قدرت بازدارندگی موشکی منطقه برخوردار است که از یک طرف بومی و از سوی دیگر، تحت اختیار نیروهای داخلی قرار دارد و با هزینه‌ای اندک فراهم شده است.

صنایع و توان موشکی ایران، در شرایطی شکل گرفت و تکامل یافت که امنیت ملی جمهوری اسلامی در معرض تهدید قرار گرفته بود. درواقع، از همان زمانی که موشک‌های رژیم بعث به سوی شهرهای ایران سرازیر شد، این تفکر در متخصصان صنایع دفاعی کشور پدید آمد که باید به خواسته‌ی به حق مردم برای شکل‌دهی صنعت بسیار پیچیده‌ی موشک‌سازی پاسخ گویند.

۲/۹. گسترش گروه‌ها و احزاب سیاسی

۲/۱۰. برابری همه آحاد ملت (مسئول و غیرمسئول) در برابر قانون

تنظیم سیاست خارجی و ارتباط با دیگر دولت‌ها بر اساس اصول اسلامی عزت، حکمت، مصلحت و سیاست نه شرقی، نه غربی، گسترش پیام انسانی و آزادی‌بخش انقلاب و حمایت از مظلومان در عرصه‌ی بین‌المللی،

۱. دستاوردها و خدمات اقتصادی

با وجودی که ملموس‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های نظام جمهوری اسلامی در حوزه اقتصادی است، اما نظام تبلیغاتی کشور نتوانست آن را به طور شایسته‌ای برای افکار عمومی منعکس نماید. رجوع به آمار و ارقام این فعالیت‌ها، مؤید این نکته است:

۳/۱. نفت

صنعت نفت ایران نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با تحول عظیمی همراه بوده است. زیرا اکنون ایران اسلامی مالک منابع نفتی خود بوده و کارشناسان ایرانی مدیریت اجرایی عملیات صنعت نفت در کلیه‌ی بخش‌ها اعم از اکتشاف، حفاری، بهره‌برداری، صادرات، پالایش و انتقال را برعهده دارند.

این در حالی است که این صنعت پیش از انقلاب کاملاً وابسته بود. از طرف دیگر فعالیت‌های اکتشافی صنعت نفت بعد از پیروزی انقلاب با جهش چشمگیر همراه بوده است. طی یک دوره ۲۰ ساله (۵۷ تا ۷۶) حداقل ۵۰ میلیارد بشکه نفت اکتشاف شد. جالب اینکه کلیه فعالیت‌های عملیات اکتشافی نیز توسط متخصصان داخلی صورت گرفته است.

۳/۲. گاز

حجم ذخایر گاز طبیعی شناسایی شده‌ی ایران در ابتدای سال ۱۳۸۱ حدود ۲۶/۶ تریلیون متر برآورد شد که این میزان معادل ۱۷ درصد از کل ذخایر جهان و ۴۷/۷ درصد از ذخایر منطقه‌ی خاورمیانه است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فقط پنج شهر از نعمت گاز برخوردار بود که این رقم در پایان سال ۸۰ به ۳۹۲ شهر افزایش یافته است و متجاوز از ۳۳/۵ میلیون نفر از جمعیت کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. در واقع سهم گاز طبیعی از سبد انرژی کشور به بیش از ۴۳ درصد رسیده است.

۳/۳. پتروشیمی

میزان تولیدات پتروشیمی در سال ۵۷، ۴/۷ میلیون تن بود که با وجود تخریب آن توسط رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی، تاکنون بالغ بر ۱۲/۵ میلیون تن ظرفیت تولید ایجاد شده است. با اتمام ۱۶ طرح جدید تولیدات پتروشیمی، درآمد کشور از این طریق از ۱/۶ میلیارد دلار در سال ۸۰ به بیش از ۷ میلیارد دلار در سال ۸۴ می‌رسد.

۳/۴. فن‌آوری و انرژی هسته‌ای

جمهوری اسلامی علی‌رغم تحریم‌های شدید آمریکا و فشار به کشورهای دیگر برای عدم همکاری در پروژه‌ی هسته‌ای ایران، توانست چرخه‌ی سوخت هسته‌ای را با دست‌انداختن داخلی به نقطه قابل ملاحظه‌ای برساند تا جایی که تعجب جهانیان را برانگیزد. در این ارتباط نظام جمهوری اسلامی توانست با کشف و استخراج اورانیوم طبیعی در یزد و فناوری آن در اردکان یزد و سپس تبدیل آن به سه ماده‌ی هگزافلوراید اورانیوم، اکسید اورانیوم و تترافلوراید اورانیوم در پایگاه هسته‌ای اصفهان، بزرگ‌ترین گام‌های چرخه سوخت هسته‌ای را بردارد. سپس با تأسیس پایگاه در نطنز، از طریق به کارگیری دستگاه‌های سانتریفوژ به غنی‌سازی اورانیوم دست یابد. این امر ایران را به ردیف دهمین کشور دارای فن‌آوری هسته‌ای ارتقا داده است. علاوه بر این، طراحی راکتور آب سنگین در اراک و به مرحله‌ی نهایی رسیدن نیروگاه اتمی در بوشهر، گام‌های دیگری بود که نشان داد مدیریت انقلابی می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را به یک کشور پیشرفته تبدیل کند.

۳/۵. برق

برق‌رسانی را می‌توان یکی از افتخارآمیزترین فعالیت‌های اقتصادی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی قلمداد کرد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج فعالیت‌های رژیم طاغوت، فقط ۳/۱ میلیون مشترک برق (اعم از خانگی، عمومی، صنعتی و کشاورزی)

وجود داشت؛ در حالی که این رقم در سال ۱۳۷۸ به ۱۴/۸۷۵ میلیون مشترک و در سال ۱۳۸۰ به ۱۶/۳۴۵ میلیون افزایش یافت. نکته حائز اهمیت در برقرسانی، دارا شدن بسیاری از روستاهای کشور و دورترین نقاط از نعمت برق است.

۳/۶. آب

در سال ۱۳۵۷ میزان تولید آب ۱/۵ میلیارد متر مکعب و تعداد انشعاب ۲/۷ میلیون بود؛ اما این رقم در سال ۱۳۷۷ به ۳/۹۷۶ میلیارد متر مکعب و ۷ میلیون فقره انشعاب افزایش یافت. آمارها در پایان سال نشان می‌دهد که انشعاب آب ۶۵۰ شهر را تحت پوشش قرار داده است. یعنی ۴۳ میلیون نفر از آب شهری و روستایی بهره‌مند شدند.

۳/۷. توسعه مخابرات و تلفن

آمار دقیق تلفن‌های کشور در سال ۱۳۵۷، ۸۵۰ هزار شماره بود؛ در حالی که این رقم در مرداد ماه سال ۸۲ بالغ بر ۱۳/۵۹۹ میلیون شماره رسید و تا پایان برنامه سوم توسعه به ۱۶ میلیون افزایش خواهد یافت. تولید تجهیزات مخابراتی تا پیش از انقلاب صرفاً محدود به تولید سوییچ‌های الکترونیکی EMD و دستگاه‌های مخابراتی رومیزی و برخی دستگاه‌های مخابراتی بود؛ اما پس از انقلاب به خصوص از سال ۶۸ به بعد تغییرات شگرفی در تکنولوژی تولید تجهیزات مخابراتی صورت گرفت. شبکه فیبر نوری یکی از مهم‌ترین این تحولات است. در کنار توسعه و گسترش تلفن‌های واگذار شده، تعداد تلفن همراه تا مرداد سال ۱۳۸۲ به ۲/۵۲۱/۶۴۹ خط رسید. این تعداد تا پایان برنامه سوم توسعه به ۱۰ میلیون شماره افزایش خواهد یافت. علاوه بر موارد فوق، راه‌اندازی شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اتصال به بزرگراه‌های اطلاعاتی از جمله اینترنت نیز از خدمات انقلاب در بخش مخابرات کشور می‌باشد.

۳/۸. تحولات در بخش راه و ترابری

به اعتقاد کارشناسان، پیشرفت در صنعت حمل و نقل کشور، انقلابی در این بخش محسوب می‌شود. زیرا در ۲۵ سال پیش از پیروزی انقلاب ۹۰ هزار کیلومتر راه آسفالتی و شوسه روستایی و ۷۶ هزار کیلومتر جاده و راه اصلی و فرعی در شهرهای مختلف احداث شد؛ در حالی که در سال ۵۷ مجموع راه‌های اصلی و فرعی کشور حدود ۳۶ هزار کیلومتر بود. در شبکه ریلی کشور نیز در حال حاضر ۶۱۰۰ کیلومتر شبکه اصلی و بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر شبکه فرعی راه آهن وجود دارد. در واقع به همت متخصصین داخلی، سالانه ۶۰۰ کیلومتر راه آهن احداث می‌شود که در آینده نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر قابل افزایش است. در بخش حمل و نقل هوایی نیز توسعه‌ی قابل ملاحظه صورت گرفت. در سال ۸۱ بالغ بر ۲۰ میلیون و دویست هزار نفر از طریق فرودگاه‌های کشور جابجا شده‌اند. دستیابی متخصصین داخلی به توانایی پیشرفته‌ترین سطح تعمیر اساسی (اورهال) هواپیماهای پهن پیکر یکی از موارد پیشرفت در صنعت هواپیمایی است. ساخت هواپیماهای ایران ۱۴۰ با هزینه هر فروند ۸/۵ میلیون دلار و توانایی ساخت ۱۲ فروند در هر سال، نمونه‌ی چشمگیری از پیشرفت‌های به عمل آمده پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. ساخت هواپیماهای آموزشی، بالگرد و هواپیماهای بدون سرنشین از جمله هواپیماهای ۴ نفره‌ی فجر ۳ از دیگر عملکردهای سازمان صنایع هواپیمایی است. تأسیس فرودگاه‌ها در نقاط دور افتاده و محروم کشور از امتیازات کشور پس از پیروزی انقلاب است.

۳/۹. بخش صنعت

به اعتقاد صاحب‌نظران، خط مشی‌های صنعتی به کار گرفته در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در بردارنده‌ی افزایش سهم ارزش افزوده‌ی صنعتی در اقتصاد کشور از طریق بازدهی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، ارتقای نقش طراحی و مهندسی در تولیدات، افزایش صادرات، ارتقای بهره‌وری و افزایش سهم داده‌های داخلی در تولیدات، به همراه فعال نمودن بخش خصوصی بوده است. امروز دامنه‌ی ظرفیت‌های ایجاد شده یا بازسازی و نوسازی شده و تنوع محصولات جدید تا حدی است که در بسیاری از محصولات نه تنها نیاز داخلی کشور برطرف شده، بلکه ظرفیت صادراتی نیز به وجود آمده است. با رشد صنایع واسطه‌ای، وابستگی صنعت به منابع خارج تا حد زیادی کاهش یافت. بذل توجه به طراحی و ساخت قطعات و اجزای ماشین‌آلات و تجهیزات در کشور باعث شد تا صنایع زیربنایی چون پالایشگاه‌ها، صنایع شیمیایی، صنایع سیمان، نیروگاه و تأسیسات برقی توسط کارشناسان و متخصصین ایرانی طراحی و توسط واحدهای صنعتی داخلی تولید شود.

۳/۱۰. میانگین رشد اقتصادی

دستیابی به میانگین رشد اقتصادی بیش از چهار درصد در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وجود فشارهای خارجی، تحریم، جنگ تحمیلی، تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، یک موفقیت چشمگیر به حساب می‌آید، با وجود آنکه برخی کارشناسان برای کشور در حال توسعه‌ای همچون ایران، تحصیل رشد اقتصادی سالانه بیش از شش درصد را برای یک دوره بیست ساله ضروری قلمداد می‌کنند تا آثار عقب افتادگی‌های گذشته جبران و مسیر توسعه هموار شود. رشد اقتصادی ایران در نخستین برنامه‌ی پنج ساله‌ی توسعه‌ی اقتصادی به حدود هشت درصد و در برنامه دوم به پنج درصد رسید. انتظار می‌رود که در برنامه سوم توسعه و در اولین برنامه‌ی چهار ساله از چشم‌انداز بیست ساله‌ی مقام معظم رهبری، میانگین رشد اقتصادی شش درصدی تحقق پیدا کند. البته باید توجه داشت که با وجود پیشرفت‌های حاصله در عرصه‌های مختلف علوم و فناوری، کشاورزی، صنعت، خدمات و... برنامه‌ی اصلاح ساختار اقتصادی کشور که از اواسط دهه‌ی ۷۰ به بعد بیش از گذشته مورد توجه بوده، همچنان با موانع جدی رو به رو است که باید با تدبیری کارشناسی شده به رفع آن‌ها همت گمارد. از جمله‌ی آن‌ها، وابستگی شدید اقتصادی ملی به نفت و صادرات آن است. در بخش‌های مدیریتی و تصحیح زیرساخت‌های کلان اقتصادی نیز باید بیش از پیش کوشا بود. دستیابی به آرمان‌های انقلاب به ویژه در بخش اقتصادی، تنها در سایه عزم و بسیج ملی برای جهش صادرات غیرنفتی تحقق می‌یابد که تضمین کننده توسعه‌ی پایدار و حیات اقتصادی و عدالت اجتماعی است.

۳/۱۱. کشاورزی

در زمینه‌ی تولید محصولات کشاورزی نیز تحولات قابل توجهی پدید آمد. بخش کشاورزی در حال حاضر تأمین کننده یک چهارم تولید ناخالص داخلی، نزدیک به یک سوم اشتغال و چهار پنجم نیاز غذایی و یک سوم ارزش صادرات غیرنفتی است. کشاورزی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علی‌رغم همه‌ی تنگنانهایی که وجود داشت؛ رشد و توسعه پیدا کرد. در سال ۷۷ - ۷۶ بالغ بر ۱۱/۹ میلیون تن گندم و ۳/۳ میلیون تن جو، ۲/۷ میلیون تن شلتوک برنج، ۳/۴ میلیون تن سیب زمینی و ۱/۲ میلیون پیاز تولید شد. این در حالی است که پیش از انقلاب در سال ۵۶ تنها ۱/۱ میلیون تن شلتوک برنج، ۹۰۰ هزار تن جو، ۵/۱ میلیون تن گندم، ۷۵۰ هزار تن سیب زمینی و ۵۰۰ هزار تن پیاز تولید می‌شد.

۳/۱۲. جمعیت

جمعیت ایران در سال ۵۶ بالغ بر ۳۴/۷ میلیون نفر بود. این رقم در سال ۸۲ به ۶۵/۶۵۷ میلیون نفر رسید که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به این افزایش جمعیت پاسخگو باشد. اگر فقط میزان خوراک، پوشاک، مسکن، مدرسه، بیمارستان و حمل و نقل را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که چه خدمات گسترده‌ای انجام شده است. این در حالی است که درآمد نفت در سال ۵۶ با جمعیت ۳۴ میلیون بالغ بر ۲۰/۹ میلیارد دلار بود که این رقم با توجه به کاهش ارزش دلار در بازارهای جهانی در سال ۸۱ به ۱۹/۳ میلیارد دلار تقلیل یافته است. یعنی با درآمدی کمتر و جمعیتی بیشتر، نظام توانست توفیقات بزرگی در اداره‌ی امور مردم و کشور کسب کند. خصوصاً اینکه سطح زندگی مردم از نظر بهره‌گیری از امکانات و رفاه اجتماعی، تحول چشمگیری یافته است.

۳/۱۳. توزیع درآمد

مطابق آخرین آمارهای مربوط به توزیع درآمد در سال‌های ۵۶ و ۵۷، ده درصد از ثروتمندترین مردمان ایران نسبت به ده درصد فقیرترین آنها به ترتیب ۳۲/۱۶ برابر و ۲۴/۶۰ برابر اختلاف درآمد داشتند که شکاف بسیار بالایی را نشان می‌داد. اما این رقم با اقدامات انجام شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ۲۰/۶۰ برابر در سال کاهش یافته است. با اینکه پس از انقلاب شکاف درآمدی ثروتمندترین فرد با فقیرترین، ۱۱/۵ برابر کمتر شده است و البته این موضوع یک توفیق برای انقلاب محسوب می‌شود؛ اما از سوی دیگر بیانگر این است که هنوز هم شکاف طبقاتی و درآمدی وجود دارد. متأسفانه بعد از گذشت ۲۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وجود مشکلات متعدد، هنوز وضعیت توزیع درآمد در کشور مناسب نیست و فشار عمده‌ی این توزیع ناعادلانه‌ی درآمد در قالب فقر - که بارها مقام معظم رهبری مسئولان را به مبارزه با آن فرا خوانده‌اند - به دوش قشر حقوق بگیر و مستضعف جامعه وارد می‌شود.

آثار جهانی انقلاب اسلامی ایران

الف: آثار عمومی و کلی

۱) بیداری فطرت‌ها

در هر نقطه‌ای از عالم، ملت‌هایی که پیام انقلاب اسلامی ایران را شنیدند، به آن علاقه‌مند شدند؛ چون با فطرت آن‌ها سازگار است؛ چون به دنبال احیای ارزش‌های انسانی و حفظ کرامت انسان‌هاست. رهبر انقلاب راجع به شعارها و آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی می‌فرماید: «ملت‌ها هر جایی که جمهوری اسلامی را می‌شناسند، به جمهوری اسلامی علاقه‌مندند، طرفدار جمهوری اسلامی‌اند، شعارهای جمهوری اسلامی برای آن‌ها دلنشین است.»^۱

۲) ارائه‌ی الگوی مبارزه به ملت‌ها

انقلاب اسلامی ملت ایران موجب شد ملت‌های جهان پی به قدرت خود ببرند و بفهمند که سرنوشت آن‌ها را جز خودشان، کسی رقم نمی‌زند: رهبر انقلاب اسلامی، امام خامنه‌ای نیز راجع به احیای دل‌های ملت‌ها توسط اسلام می‌فرماید: «پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، امیدی در دل ملت‌ها و مبارزان مسلمان در همه جای عالم پدید آورد. دل‌های مرده را زنده کرد و هرچه علیه اسلام و بلکه علیه مطلق دین، تبلیغ، فعالیت و تلاش شده بود، آن‌ها را از ذهن و عمل ملت‌های مبارز در سراسر دنیا زدود و از بین برد. لذاست که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اطراف عالم، نهضت‌های انقلابی پدید آمد، یا اگر هم قبلاً بود، اوج گرفت و شتاب پیدا کرد.»^۲

۳) گسترش موج بیداری در جهان

«حرکت نظام جمهوری اسلامی، راه‌های تازه‌ای در مقابل ملت‌ها باز کرده است یک فصل تازه‌ای در دنیا شروع شده است. اینکه امروز دارد اتفاق می‌افتد، بی‌سابقه است؛ این دیگر نظیر ندارد. واقعاً تاریخ منطقه و به تبع آن تاریخ دنیا ورق خورده است. موج بعدی این کار در مناطق خیلی دوردست‌تر هم وجود دارد و چنین چیزی پیش خواهد آمد.»^۳

۴) آینده‌ی روشن

همان‌طور که با پیروزی انقلاب اسلامی، موج اول اسلام‌گرایی و سپس با شکست مارکسیسم، موج دوم اسلام‌گرایی به پاشد، اینک نیز یأس از لیبرال دموکراسی غرب و مبارزه با اقتصاد کاپیتالیستی (که نماد آن، جنبش وال استریت در آمریکاست)، منجر به اقبال روزافزون جهانیان به اسلام خواهد شد که این همان موج سوم اسلام‌گرایی خواهد بود.

«ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه‌ی روشن است و وعده‌ی خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه‌ی معظمه و کعبه‌ی آمال محرومان و حکومت مستضعفان.»^۴

۵) حاکمیت جهانی اسلام

امروز، جبهه‌ی حق، از همیشه قوی‌تر است. در هیچ مقطعی از تاریخ سابقه ندارد. این دوران، دوران قدرت‌نمایی حق و نابودی

۱. بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع مردم گیلان غرب، ۱۳۹۰/۷/۲۳.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار میهمانان خارجی، ۱۳۷۱/۱۱/۱۸.

۳. بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۰.

۴. صحیفه‌ی امام (ع)، ج ۱۷، ص ۴۸۰.

باطل است: «پرچم اسلام ان شاء الله همه‌ی این منطقه را نجات خواهد داد. امروز ما داریم مشاهده می‌کنیم که روزبه‌روز نهضت اسلامی در این منطقه‌ی عظیم اسلامی خاورمیانه رو به گسترش است؛ دشمن در حال انزواست، در حال عقب‌نشینی است و حرکت اسلامی علی‌رغم حرکتی که دشمن برای خاموش کردن آن می‌کند، در راه پیشروی است. من تردیدی ندارم که آینده، متعلق به اسلام است، آینده در قلمرو اسلام است»^۱.

ب: آثار انقلاب اسلامی در کشورهای جهان اسلام

به دنبال وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک فضای در حال گسترش اصول‌گرایی اسلامی سراسر جهان اسلام را فراگرفت. تعدادی از حرکت‌های اسلامی پدید آمدند و تعدادی دیگر که از قبل وجود داشتند اما منفعل بودند، فعال و انقلابی شدند. برخی از منابع درباره‌ی بازتاب انقلاب اسلامی بر حرکت‌های انقلابی در کشورهای عربی چنین نوشته‌اند: ۱. در لبنان، که بیش از هر کشور دیگری تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته، جنبش‌های شیعی «امل»، «امل اسلامی» و «حزب الله» و گروه سنی «جنبش توحید اسلامی» تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدید آمده یا فعال گردیدند.

۲. در عراق، فعالیت «حزب الدعوه اسلامی» که از حمایت آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر برخوردار بود، بر اثر وقوع انقلاب اسلامی شدت گرفت. به علاوه در سال ۱۳۶۱ «مجلس اعلا‌ی انقلاب اسلامی عراق» با هدف مبارزه با حکومت صدام حسین پدید آمد که نقش انقلاب اسلامی در این امر آشکار بود.

۳. در عربستان سعودی، وقوع انقلاب اسلامی انگیزه‌ی خوبی به اخوان المسلمین داد تا به رژیم سعودی حمله کنند. آنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران تحت رهبری جهیمان‌العتیبهی مسجدالحرام را اشغال کردند. «سازمان انقلاب اسلامی در شبه جزیره عربستان» که گروهی شیعی بود و رهبری شورش‌های عاشورای ۱۹۷۹ در استان قطیف عربستان را برعهده داشت، نیز تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد نمود.

۴ و ۵. همچنین در بحرین، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» که به گفته حکومت بحرین به یک کودتای نافرجام در ۱۹۸۱ دست زد و در کویت، یک جنبش اسلامی از جمله گروه «حزب الله کویت» به وجود آمدند.

۶ و ۷. در دو کشور دیگر یعنی قطر و امارات عربی متحده، حرکت‌ها سازماندهی شده نبود، ولی به شکل اعتراضات اجتماعی بروز کرد.

۸. در مصر، توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه گسترش یافت که نمونه‌ی آن ترور انورسادات در اکتبر ۱۹۸۱ توسط «سازمان الجهاد» بود. «جنبش اخوان المسلمین» مصر نیز در دوره‌ی سادات به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت. همچنین تأثیر انقلاب ایران بر ناآرامی دانشگاه‌های این کشور و شهرهای قاهره، السیوط و الفیوم تأیید شده است.

۹. در الجزایر، «جبهه نجات اسلامی» پدید آمد و از موضوع آزادی‌های سیاسی که شاذلی بن جدید (به دلیل شرایط موجود) مشوق آن بود، بهره گرفت.

۱۰. در تونس یک حرکت اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران پدید آمد که مهم‌ترین تجسم آن جنبش گرایش اسلامی بود که بعداً به جنبش نهضت تغییر نام داد.

۱۱. در مراکش نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی حرکت‌های اسلامی رشد کردند.

۱۲ و ۱۳. نهایتاً در سوریه و در میان فلسطینی‌ها نیز شاهد تأثیربخشی انقلاب اسلامی بوده‌ایم. در سوریه، «اخوان المسلمین» تحت تأثیر انقلاب اسلامی فعالیت خود را گسترش داد؛ هر چند بعداً به دلیل گسترش روابط ایران و سوریه به انتقاد از ایران پرداخت. در میان فلسطینی‌ها، در حال حاضر دو گروه اصلی «جهاد اسلامی» و «سازمان مقاومت اسلامی» یا حماس حضور دارند که هر دو در سال‌های دهه ۱۹۸۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند در این میان، جهاد اسلامی آشکارا از انقلاب اسلامی دفاع می‌کند و خواستار الگو گرفتن فلسطینی‌ها از حرکت مردم ایران است.

انقلاب اسلامی به جز کشورهای عربی، در سایر مناطق و کشورها از جمله آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه نیز بازتاب

یافته است:

در افغانستان، تأثیربخشی انقلاب اسلامی، به دلیل اشتراک فرهنگی و زبانی، حتی پیش از پیروزی این انقلاب آغاز شد و در مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی نمود یافت. پس از پیروزی انقلاب ایران و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی نیز گروه‌های شیعه (هشت گانه) و سنی (هفت گانه) که اغلب نام اسلام را حمل می‌کردند، یعنی مجاهدین افغانی، از انقلاب اسلامی الهام می‌گرفتند و بدون شک تأکید این گروه‌ها بر اسلام، تحت تأثیر این انقلاب صورت گرفته بود.

در پاکستان، پیروزی انقلاب ایران باعث ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعی و پیدایش «نهضت اجرای فقه جعفری» شد، که از افق مشابهی با انقلاب اسلامی برخوردار است. اکثر جمعیت اهل تسنن پاکستان نیز انقلاب اسلامی ایران را به دیده احترام می‌نگرند؛ لذا خود را در چنبره‌ی فرقه‌هایی مانند «سپاه صحابه» گرفتار نکرده‌اند. در عین حال مسئله‌ی فرقه‌گرایی در پاکستان عاملی در جلوگیری از تأثیربخشی بیشتر انقلاب اسلامی در این کشور بوده است.

در کشمیر، که آن را به دلایل فرهنگی - تاریخی ایران صغیر خوانده‌اند، نیز شعارهای انقلاب اسلامی در ناآرامی‌ها به چشم می‌خورد. به ویژه اهالی کشمیر آزاد به شدت طرفدار انقلاب اسلامی‌اند.

در آسیای مرکزی از جمله کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و غیره حرکت‌هایی تحت تأثیر انقلاب اسلامی پدید آمدند؛ هر چند حضور چریک‌های وهابی ناشی از تأثیربخشی حرکت طالبان نیز دیده شده است.

در قفقاز، چه قفقاز تحت حاکمیت روسیه - جمهوری‌های مسلمان‌نشین این کشور مانند چچن، داغستان، بالکاریا و اوستیای شمالی که سابقه مبارزه طولانی با روس‌ها داشته‌اند - و چه قفقاز جنوبی - جمهوری آذربایجان - نیز بازتاب انقلاب اسلامی وجود داشته است. در کشور اخیراً این حرکت در حزب اسلامی جمهوری آذربایجان تجلی یافت.

در نهایت، ترکیه‌ی لائیک با پیروزی‌های پیایی احزاب اسلام‌گرا - هر چند میانه‌رو - در انتخابات پارلمانی، در صورتی که این تحولات بتواند نظامیان را کنترل و محدود کند، احتمالاً دچار یک دگردیسی سیاسی خواهد شد.

طرح بحث

* مرحله اول * مسأله یابی *

موضوع: نقش نوجوان در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

هدف مورد انتظار: ارتقاء سطح نگرش و تعلق نوجوان نسبت به انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی بر محور تبیین تقابل حق و باطل

نقش نوجوان در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی	
مخاطب: نوجوان و جوان دبیرستانی	پسر ■ دختر ■
<p>انقلاب اسلامی ایران تحولی بزرگ در عرصه‌ی بین‌المللی و داخلی بود. آرمان‌های انقلاب در سطحی فراتر از تربیت فردی و اجتماعی انسان ایرانی بود. لذا تربیت متناسب با آن تحقق نیافت، درحالی‌که نیازمند یک تربیت اساسی متناسب با آن آرمان‌ها است. همچنین این انقلاب و آرمان‌های آن، متفاوت از نگاه اندیشمندان بزرگ جهان است. از این رو بسیاری از افراد داخلی و خارجی این آرمان‌ها را برنمی‌تابند و مضافاً اینکه ما کارهای فاخر و در خور توجه در راستای جلب توجه نوجوانان در تعلق به آرمان‌های انقلاب، به‌وجود نیاورده‌ایم.</p>	الف: دلایل بروز مشکل در مخاطب (ریشه‌ها و زمینه‌ها)
<p>امروزه دیدگاه نوجوانان ما نسبت به آرمان‌های انقلاب متفاوت است به همین جهت در یک دسته‌ی مشخص قرار نمی‌گیرند. به‌طور کلی حداقل سه دسته‌اند: الف. آرمان‌گرا؛ ب. بی‌تفاوت؛ ج. مخالف. به‌نظر می‌رسد اکثر اعضای فعال انجمن اسلامی دارای سطحی از آرمان‌گرایی هستند که می‌بایست بیشتر شود. اما این اعضا با مشاهده‌ی برخی از مشکلات اقتصادی و بی‌عدالتی‌ها و شاید تحت تأثیر القانات دشمنان خارجی و داخلی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی و حتی پیامک‌های تلفن همراه یا شایعات عمومی، نسبت به آرمان‌ها و اهداف انقلاب کمی دلسرد شوند.</p>	ب: نگرش مخاطب به موضوع

<p>ج: فرصت‌ها و نقاط مثبت شخصیت مخاطب</p>	<p>فرصت زمانی: مناسبت‌ها، ماه رمضان، محرم، ایام امتحان و فرصت مکانی: مسجد یا نماز خانه، حیاط مدرسه، باغ و نقاط مثبت شخصیت مخاطب:</p> <p>۱. دوست دارد مقتدر و قوی باشد. ۲. دوست دارد محبوب باشد. ۳. میل به آرامش. ۴. میل به نشاط و شادابی. ۵. عواطف و احساسات قوی دارد. ۶. لذت طلب است. ۷. کمال طلب است. ۸. علاقه به هیجان‌ات. ۹. دوست دارد دیگران به او اعتماد کنند. ۱۰. دوست دارد دیگران به او توجه کنند و شخصیت دهند. ۱۱. زیبایی‌ها را دوست دارد. ۱۲. دوست دارد پاک باشد. ۱۳. نوگرا است. ۱۴. گذشت و ایثار خوبی دارد. ۱۵. میل کمک به دیگران. ۱۶. به شدت تحت تأثیر رفیق است. ۱۷. زودرنج و حساس می‌باشد. ۱۸. ممتاز شدن برایش خیلی مهم است. ۱۹. خانواده‌دوست است. ۲۰. مقام و مدرک برایش خیلی مهم است.</p>
<p>د: آثار مثبت و منفی موضوع</p>	<p>آثار مثبت: این موضوع نقش بسیار زیادی در نقش‌آفرینی و آینده انقلاب و فرد دارد؛ ۱. ایجاد بصیرت در مخاطب؛ ۲. ایجاد تعلق خاطر به انقلاب در مخاطب؛ ۳. ایجاد انگیزه‌ی حرکت و اقدام در مسیر آرمان‌های انقلاب.</p> <p>آثار منفی: - برداشت تعارض‌آمیز میان توجه به آرمان‌های انقلاب و آرمان‌ها و برنامه‌های فردی - عدم تلقی صحیح از آرمان‌های انقلاب و مسیر رسیدن به آن با وضعیت موجود. - عدم توانایی در ایجاد تناسب و اولویت‌بندی میان آرمان‌های انقلاب اسلامی و برخی ضعف‌های موجود.</p>
<p>ه: آسیب‌شناسی بحث (شبهات - موانع و مشکلات)</p>	<p>آسیب‌های موجود: ۱. مشاهده برخی بی‌عدالتی‌ها، مانند اختلاس سه هزار میلیاردی؛ ۲. القائات دشمنان از طریق ماهواره‌ها و شبکه‌های مجازی در ناکارآمدی نظام؛ ۳. اختلافات میان مسئولان؛ ۴. فراموش شدن شعارهای انقلاب و رفاه‌طلبی مسئولان؛ ۵. ترس از حمله‌ی نظامی غرب و اسرائیل؛ ۶. ترس از آینده‌ی شغلی خود و اطرافیان؛ ۷. عدم توجیه مخاطب نسبت به آرمان‌ها، از طریق رسانه، کتاب، مطبوعات، ماهواره، شبکه‌های مجازی و ۸. البته بد توجیه کردن، بد سخن گفتن، تحکمی طرح کردن آن و عدم توجه به شبهات ذهنی مخاطب، موجب رنجش خاطر مخاطب می‌شود.</p>

۱. توجه به «اعتماد به نفس»، «نگاه خوشبینانه به آینده» و «امید» در مخاطب.
۲. بیان دستاوردهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی انقلاب نسبت به دویست سال اخیر ایران که نتیجه‌ی عمل به آرمان‌ها و تحقق آن‌ها بوده است.
۳. توجه دادن مخاطب به مشکلات در سر راه تحقق آرمان‌ها (پیچیدگی شرایط اجتماعی + تعارض منافع + تضاد عملکردها)
۴. توجه به نقش نوجوانان در تحقق آرمان‌های انقلاب = اصل خودانگیختگی + هویت‌بیداری و احساس نقش‌آفرین بودن در مسیر انقلاب.

منابع:

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، جلد ۲۴.
۲. عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن.
۳. منوچهر محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: امیر کبیر.
۴. جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۵. علامه مصباح یزدی، «انقلاب اسلامی، جهشی در تحولات سیاسی تاریخ» با ۴۸۵ صفحه در قطع وزیری، مؤسسه امام خمینی.
۶. آیت‌الله مصباح یزدی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، بر اساس سلسله سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله مصباح یزدی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران تنظیم شده است. این مجموعه به همت حجت‌الاسلام آقای قاسم شبان‌نیا تدوین و نگارش یافته و توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در قطع وزیری و جلد شومیز، با ۲۸۸ صفحه در تابستان ۱۳۸۶ چاپ و منتشر شده است.
۷. مقام معظم رهبری، معارف انقلاب اسلامی.

- محتوایی: ← استدلالی □ علمی □ تعبدی □ عاطفی □ تلفیقی ■
- روشی: ← آرایه ← ادبی □ محاوره‌ای □ خطابی □ تمایلی □ تلفیقی ■
- ← القاء ← مستقیم ■ غیر مستقیم ■
- توضیحات: مهم‌ترین مسأله ایجاد فضایی مناسب برای محاوره، گفتگو، بحث آزاد میان دانش‌آموزان است تا؛ ۱. هم مطالب خود را مورد سنجش قرار دهند ۲. هم جرأت اظهار نظر پیدا کنند ۳. از نظرات و تفکرات دوستان دیگر خود مطلع شوند ۴. قدرت تحلیل و سنجش به‌دست آورند ۵. به اشکالات خود پی ببرند ۶. احساس آزادی و تعلق خاطر پیدا کنند.

طرح بحث

* مرحله دوم * طرح مسأله *

موضوع: نقش نوجوان در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

هدف مورد انتظار: ارتقاء سطح نگرش و تعلق نوجوان نسبت به انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی بر محور تبیین تقابل حق و باطل

توضیح چگونگی ارتباط با مسأله‌یابی و مطالب قبل و بعد و علت انتخاب قالب‌ها		موضوع	
<p>طرح یک سؤال و ایجاد فضای گفتگو و تفکر آزاد و انتقادی در کلاس تا مخاطب بتواند آنچه را در دل و ذهنش می‌گذرد با خیالی آسوده بیان کند. مربی یک طراح سؤال خوب و مدیر خوبی برای جلسات است، نه کسی که فقط اطلاعات انتقال می‌دهد.</p>	<p>طرح یک پرسش دقیق، کاربردی و جذاب به نظر شما مردم ایران چرا انقلاب کردند؟ به عبارت دیگر چرا انقلاب اسلامی ایران مهم است و ابرقدرت‌ها این همه با آن بد هستند؟ با کلامی روشن‌تر: راز و ریشه اصلی تحریم‌ها، دشمنی‌ها و کارشکنی غربی‌ها علیه ایران چیست؟</p>	<p>شروع‌ها و ایجاد انگیزه قصه‌گویی خاطره شعر نثر ادبی دعا طنز ابهام سؤال تعریف مطلب ضرورت مطلب</p>	مقدمه
<p>نقش مربی باید همان مربی باشد، نه ارائه دهنده اطلاعات. شاگرد و مخاطب را باید تربیت کرد مشکل نوجوان و جوان ما هم‌اکنون کمبود اطلاعات نیست، بلکه نداشتن تحلیل مناسب است. تحلیل هم آموزش صرف نیست، بلکه کسب مهارت است. مهارت تحلیل را به مخاطب باید داد. «ماه‌گیری نشان بده نه ماهی را»</p>	<p>روش تقسیم + تعریف + تحلیل پاسخ‌های احتمالی دانش‌آموزان و مخاطبان: ۱. به خاطر اسلام‌خواهی ملت ایران ۲. به خاطر عدالت‌خواهی ملت ایران ۳. به خاطر ظلم‌ستیزی ملت ایران ۴. ایران الگوی مستضعفان ۵. ایران زیربار زور نمی‌رود ۶. به خاطر انرژی هسته‌ای و ده‌ها پاسخ دیگر که می‌توانند به این پرسش‌ها بدهند مربی باید نکات کلیدی را که با آرمان‌های انقلاب تطبیق می‌کند در گوشه‌ی تابلو (تخته سیاه) یادداشت کند که براساس آن‌ها به تحلیل و تفسیر آرمان‌های انقلاب بپردازد جمع‌بندی: ۱. اسلام‌خواهی ۲. عدالت‌طلبی ۳. ظلم‌ستیزی ۴. صلح جهانی ۵. گسترش ایمان و معنویت ۶. دفاع از دین ۷. پیشرفت و توسعه ایران ۸. معرفی ارزش‌های الهی - انسانی ۹. الگو برای ملت‌های مستضعف جهان</p>	<p>سؤال بیان موضوع نظریه‌پردازی تقسیم و تنظیم انتخاب قالب مناسب انواعی درد و درمان تنوعی بارش فکری</p>	طرح مسأله

حل مسأله (افتتاح اندیشه)	<p>جواب سؤال نقد و بررسی تجزیه و تحلیل موضوع ساختار شکنی ذهنی ارایه آمار و ارقام استدلال و برهان تعلیل و توجیه استناد و تأکید انتخاب قالب مناسب مقایسه‌ای تشبیهی تقریر و تحریر ایجاد تنوع با حکایت، طنز، شعر، خاطره، دعا، معما، اجرای مسابقه و... نقطه اوج محتوایی</p>	<p>اگر آرمان‌های انقلاب این آرمان‌ها است یک پرسش دیگری مطرح می‌شود: آیا من به عنوان یک دانش‌آموز باید نسبت به این آرمان‌ها بی‌تفاوت باشم، دغدغه‌مند باشم یا برای تحقق آن‌ها اقدام کنم؟ پاسخ: نوجوانی می‌تواند در سرنوشت کشور فعال و مؤثر باشد که: ۱. آرمان‌های کشور و انقلابش را بشناسد (آگاهی داشته باشد). ۲. با آن آرمان‌ها ارتباط معنوی و همبستگی روحی داشته باشد (انگیزش داشته باشد). ۳. برای تحقق آن آرمان‌ها، اهل قلم و عمل باشد و زمینه‌های تحقق آرمان‌ها را فراهم سازد. پرسش: چه دانش‌آموزی می‌تواند در تحقق آرمان‌ها مؤثر باشد: ۱. اهل علم، بینش و بصیرت باشد. ۲. اهل تهذیب، ایمان و معنویت باشد. ۳. اهل تحرک، پویایی و ورزش باشد.</p>
خاتمه و جمع‌بندی	<p>گاهی لازم گاهی غیر لازم</p>	<p>۱. حتماً جلسات گروهی اداره شود. ۲. مدیریت خوب بسیار مهم است. ۳. گاهی لازم است که تحمل بالایی برای شنیدن حرف‌های بی‌حساب و کتاب داشته باشیم. ۴. گاهی لازم است که از روانشناسی افراد و ذهن‌خوانی افراد استفاده کنیم. ۵. گاهی لازم است که پاسخ‌های مخاطب را تازه و جدی تلقی کنیم و در سطح کلاس از آن‌ها دفاع کنیم.</p>
تکلیف	<p>حیطه شناختی حیطه عاطفی حیطه رفتاری</p>	<p>علم تهذیب ورزش</p>
توضیحات		<p>هنگام اجرای برنامه باید این نکات رعایت شود. (تحریک احساس) ۱. گرفتن حس مورد نظر. ۲. هماهنگی لحن با محتوا و حس مورد نظر ۳. هماهنگی لحن و محتوا و حس با حرکات دست و چهره و چشم و ... ۴. رعایت اوج و فرود صدایی. ۵. رعایت و تنظیم سرعت و فرصت. ۶. گره زدن با مخاطب.</p>

درسنامه نقش نوجوان در تعلق به آرمان‌های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران یکی از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های سیاسی در زمان حاضر به شمار می‌رود. در زمانی که تصور می‌شد مذهب و ارزش‌های مذهبی در حال فراموشی هستند و توانایی برانگیختن مردم بر ضد حکومت‌های فاسد را از دست داده‌اند و مردم هم اقبال به ارزش‌های مادی را جایگزین ارزش‌های دینی و متعالی کرده‌اند، در خاورمیانه انقلابی مذهبی به وقوع پیوست که دانشمندان حوزه‌ی سیاست و سیاستمداران کهنه‌کار را با شگفتی عظیمی مواجه کرد و نظریه‌پردازان انقلاب را مجبور کرد به تجدید نظر در تئوری‌های خود کرد.

بدون تردید انقلاب ما ماهیت اسلامی دارد. با نگاهی به ریشه‌ها، شعارها و رهبری این انقلاب، روشن می‌شود اهداف این انقلاب همان اهداف کلی اسلام و همان اهداف انقلاب صدر اسلام به رهبری پیغمبر اکرم است. از این رو این انقلاب با هیچ انقلابی از انقلاب‌های قرون اخیر مانند انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب فرهنگی چین قابل قیاس نیست و تنها با انقلاب صدر اسلام قابل مقایسه است. اگر اهداف آن انقلاب‌ها را نیز دارد، در قالب و شکل اسلامی دارد. آرمان‌های انقلاب اسلامی را از خلال شعارهای مردم در دوران پیروزی و پیام‌های رهبران سیاسی و فکری به خصوص رهبری منحصر به فرد امام خمینی (ره) با استفاده از روش تحلیل محتوا می‌توان شناخت. مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب در حوزه‌های سیاست، اجتماع، فرهنگی و اقتصادی عبارتند از:

الف. آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی

آرمان‌های فرهنگی - تربیتی، عمده‌ترین حوزه‌ی تأملات نظری انقلابی‌ها را تشکیل می‌دهد و از این حیث انقلاب اسلامی، کاملاً متأثر از رهیافت فرهنگی اسلام است، آنجا که اسلام خود را دین انسان‌ساز معرفی می‌نماید. بر همین اساس امام (ره) «تربیت انسان صالح» را در رأس برنامه‌های انقلابی‌اش قرار داده، صریحاً اظهار می‌دارد:

«آنقدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آنقدر مضر نیست و آنقدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است»^۱ شهید مطهری، در تبیین این بعد از انقلاب اسلامی بیان داشته‌اند: معنویت از ارکان واقعی این انقلاب بوده و مایه حیات انسان می‌باشد، لذا تحقق یک جامعه اسلامی که در آن ارزش‌های الهی نمود تام دارند، به پرورش انسان‌هایی منوط است که به آداب و ارزش‌های اسلامی مزین باشند.^۲ به تعبیر دیگر «حکومت صالحان» از این حیث حکومتی است که در آن افراد به ایمان الهی تمسک جسته، تهذیب نفسانی را پیشه خود ساخته و به طور کامل ارزش‌های الهی را بر مملکت وجودی خویش مسلط ساخته‌اند به گونه‌ای که در آن از خودبینی و غول سرکش «منیت» هیچ‌گونه خبری نیست.

مطلب فوق از این حیث قابل توجه می‌نماید که در بینش‌های غیر الهی، امر خطیر پرورش انسان‌ها به فراموشی سپرده می‌شود و معمولاً مسائل اقتصادی، سیاسی و... به غلط در کانون تحلیل‌ها و حرکات انقلابی قرار می‌گیرند؛ در حالی که امام خمینی (ره) اصل اولیه را بر تحول افراد گذارده، صراحتاً می‌فرماید:

«تمام عبادات وسیله است... که آنچه بالقوه است و لب انسان است به فعلیت برسد و انسان بشود... یک انسان الهی بشود».^۳ از این رو مهم‌ترین آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا؛

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۰۳.

۲. ر. ک: مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، ص ۶۰ و ۱۷۲ و ۱۷۴.

۳. امام خمینی، تفسیر سوره مبارکه حمد، ص ۵ - ۷۴.

۲. ایجاد استقلال فرهنگی و خودباوری و پرهیز از غرب‌زدگی و شرق‌گرایی (نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی).
۳. مبارزه با مظاهر فساد و تباهی؛
۴. ایجاد هویت اصیل اسلامی - ایرانی برای مردم و مشارکت دادن آن‌ها در سرنوشت خویش؛
۵. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی؛ آموزش و پرورش و تربیت رایگان برای همه و در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تا سرحد خودکفایی کشور؛ تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛
۶. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای عموم مردم در زمینه‌های مادی و معنوی؛
۷. ایجاد نظام اداری صحیح اسلامی و حذف تشکیلات غیر ضروری؛
۸. تأمین حقوق همه جانبه‌ی افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم مردم و تساوی همه در برابر قانون؛
۹. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم؛
۱۰. تدوین قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی بر اساس موازین اسلامی؛
۱۱. برقراری حقوق مساوی برای مردم بدون توجه به قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان؛
۱۲. برخورداری تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره؛
۱۳. آزادی‌های اجتماعی از جمله آزادی کار و حق دادخواهی برای هر فرد؛^۱
۱۴. از بین بردن مراکز و مظاهر فساد در جامعه، برچیدن سفره‌ی ارتشا و تملق، احیای مفاهیم دینی همچون جهاد و شهادت.

ب. آرمان‌های سیاسی

مهم‌ترین آرمان‌های سیاسی انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱. براندازی نظام سلطنتی و ایجاد حکومتی دینی و مستقل بر پایه معارف ناب اسلامی و ولایت فقیه؛
۲. اداره‌ی امور کشور بر اساس ولایت، شورا، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر؛
۳. ایجاد آزادی و استقلال سیاسی و نفی هرگونه ستم‌گری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛
۴. ایجاد امنیت داخلی و بین‌المللی برای مردم و جامعه‌ی ایرانی؛
۵. آزادی نشریات، مطبوعات، اجتماعات و راهپیمایی‌ها و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛
۶. اتکا به آرای عمومی در اداره کشور و مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت خویش؛
۷. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛
۸. محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛
۹. تقویت کامل بنیه‌ی دفاع ملی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی نظام اسلامی؛
۱۰. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه به همه‌ی مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان؛
۱۱. ایجاد روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب؛
۱۲. حمایت از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان، در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر.^۲

در واقع آرمان‌های برون مرزی و مسئولیت‌های فراملی انقلاب اسلامی، میل به صدور پیام انقلاب و حمایت همه‌جانبه از ملل مستضعف و مسلمانان جهان و در انداختن طرحی نو در نظام بین‌الملل داشت. در این رابطه بنیانگذار جمهوری اسلامی در نخستین

۱. موارد فوق برگرفته از اصول ۳، ۴، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۲. موارد فوق برگرفته از اصول ۳، ۶، ۷، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

سال پیروزی انقلاب اعلام داشت:

«ملت آزاده‌ی ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آن‌هایی که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم»^۱.

البته ایشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود نظریه یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل را طرح کردند و فرمودند: «و شما ای مستضعفان جهان! و ای کشورهای اسلامی و مسلمان جهان!... به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری آزاد و مستقل به پیش بروید.»

ج. آرمان‌های اقتصادی

هر چند انقلاب اسلامی، انقلابی صرفاً اقتصادی نبوده و به هیچ وجه با الگوهای مارکسیستی قابل تفسیر نمی‌باشد، در عین حال آرمان‌های آن شامل ابعاد اقتصادی نیز می‌شود.

۱. جلوگیری از غارت بیت‌المال توسط خاندان شاهنشاهی و وابستگان آن؛
۲. حفظ ذخایر زیرزمینی؛
۳. تلاش در راه پیشرفت صنعتی و تکنولوژیک کشور از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون، تربیت افراد ماهر و...؛
۴. استقلال و خودکفایی اقتصادی؛
۵. تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی؛
۶. پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه؛
۷. ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت؛
۸. تأمین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده؛
۹. تأمین شرایط برای اشتغال کامل؛
۱۰. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در اداره کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛
۱۱. عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛
۱۲. منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا؛
۱۳. منع اسراف و تبذیر؛
۱۴. جلوگیری از سلطه‌ی اقتصادی بیگانگان بر اقتصاد کشور؛
۱۵. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛
۱۶. عدالت اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی؛
۱۷. رسیدگی به روستاهای کشور و محرومیت‌زدایی از آن‌ها.^۲

جمع‌بندی

انقلاب اسلامی ایران به جهت رویکرد اسلامی‌اش به انسان و جامعه، این نکته را در رأس آرمان‌های خود دارد که هدف نهایی از همه‌ی این اقدامات و تلاش‌ها، زمینه‌سازی و فراهم کردن بستر لازم برای نیل انسان به کمال حقیقی است که اساساً هدف خلقت انسان بوده است، یعنی همان عبادت و تقوی. از آنجا که جامعه‌ی انسانی بدون برخورداری از لوازم و زمینه‌های مناسب، رشد معنوی

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۹.

۲. بعضی از موارد برگرفته از اصول ۳، ۳۱، ۴۳ قانون اساسی است.

هم نمی‌تواند پیدا کند، بنابراین نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مناسب، مقدمه‌ی تعالی معنوی و کمال حقیقی انسان است. در مباحث مربوط به نبوت، به عنوان یکی از اصول اعتقادی اسلام، این بحث مطرح می‌شود که غایت بعثت انبیای الهی، تزکیه انسان و ارائه‌ی نظری و عملی راه تکامل است:

«انسان اگر به همین حد طبیعت بود و بیشتر از این چیزی نبود، دیگر احتیاج به اینکه یک چیزی از عالم غیب برای انسان فرستاده بشود تا انسان را تربیت بکند... نبود... خدای تبارک و تعالی که خالق همه چیز است، این روابط را می‌داند. از این جهت به وحی الهی برای یک عده‌ای از اشخاصی که کمال پیدا کرده‌اند و کمالات معنویه را دنبالش کردند و فهمیدند، روابطی حاصل می‌شود مابین انسان و عالم وحی. به او وحی می‌شود و برای تربیت آن ورق دوم انسان بعث می‌شوند، می‌آیند در بین مردم و مردم را تربیت می‌کنند»^۱.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین و برترین آرمان انقلاب اسلامی ایران، گسترش و تعمیق ارزش‌ها بوده است و اساساً بدون چنین غایتی، نمی‌توان ماهیت انقلاب را اسلامی دانست.

احساس مسئولیت در قبال انقلاب اسلامی

اولویت هدف

۱ - ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه شرق و غرب هستیم. مسؤلان ما باید بدانند که انقلاب را محدود به ایران نیست.

۲ - انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (عج) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت کند و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

۳ - چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی و گرانی کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال خواهد دارد و مردم این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می کنند.

«امام خمینی» ما را اینگونه می خواهد، و انقلابش را این گونه توصیف می کند.^۱

پدران ما مسحور این افق آرمانی دندانهایشان را به هم فشردند و کاسه های سرهانشان را به خدا.

۴ - امروز نیز ملت و کشور ایران به احساس مسئولیت نسل جوان نیازمند است. و جوانان که مسؤلان و برنامه ریزان آینده کشور هستند باید برای ادای این دین این مسئولیت بزرگ، خود را از لحاظ تعمیق ایمان ف تقوا، بصیرت و ارتقای توانائی های علمی و آگاهی ها آماده نمایند.

ما مسؤل بر افراشته ماندن این علم هستیم.

نسبت منظومه ای هدف

احساس مسئولیت نسبت به انقلاب اسلامی مبنایی، در جهت بخشی به تمام مشخصات اخلاقی و رفتاری یک دانش آموز انقلابی معاصر قلمداد می شود.

تبیین هدف

۱ - ریشه ها و لایه های احساس مسئولیت در قبال انقلاب اسلامی

^۱ - موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۵ به بعد.

۱-۱: نیازمندی و انواع آن

وقتی به چیزی نیاز داری، وجود و بقائش، آسیب‌ها و کمبودهایش و متن و حواشی‌اش، برایت مهم می‌شود و در قبال آن احساس مسئولیت می‌کنی؛ مهم این است که این نیازمندی منفعت‌گرایانه باشد یا ارزش‌مدارانه، که در دایره تنگ منفعت‌گیرکرده باشی هر چقدر هم که بلند نظر باشی، باز هم مصداق «همها علفها» هستی.

۱-۱-۱: نیاز منفعت‌گرایانه

نوع، دامنه و عمق نیازمندی انسان پیوند محکمی با ارزشها و آرمانها پیدا می‌کند، جامعه‌ای که افق آرمانهایش، ارزش‌های فرد‌گرایانه دنیای مدرن امروز است سقف نیازمندیهایش نیز در حد بهره‌مندی از لذات و غوطه‌وری در امیال خواهد بود.

برجسته‌ترین هنر شیطانی تمدن غرب که اوج آن را در رسانه‌های متکثر شاهدیم «نیازسازی» حول محور مادیات می‌باشد. تبلیغات بارزگانی تلوزیون، از رقم‌های فوق‌تصور مردم طبقه متوسط به پایین گرفته، تا ماشین‌های پر از پول و باران سکه‌های طلا و بهار آزادی که از بالای صفحه شیشه‌ای جادوی خانگی به پایین می‌ریزد و ... تنها گوشه‌ای از این نیازسازی مادی است که شیطان در پیش پای ما نهاده.

جمله مشهوری است که اگر می‌خواهید ایرانی را فریب دهید باید به او گویند: «می‌خواهی که زود پولدار شوی؟»

این جمله دست و پای جماعت ایرانی را شل می‌کند و اراده‌اش را می‌شکند بعد از این می‌توانی روشهایی پیشنهاد کنی تا این فریب‌رنگ و لعبی واقعی به خود بگیرد؛ و چه آسان می‌شود میان این جمله با تبلیغات تلوزیون خودمان پیوند برقرار کرد. که یعنی ما هنوز هم بازبچه‌دستان استعمارگرانیم که انقلابمان هنوز فرهنگی نشده است.

۲-۱-۱: نیاز ارزشمندان

انقلاب اضطرار به وجود حجت (عج) را برای ما به وجود آورد.

انقلاب اسلامی نیاز، برقراری عدالت را برای ما موجه ساخت.

انقلاب اسلامی، ایرانی تحقیر شده، متهم، سگ‌پاسبان یهود بودن را تبدیل کرد به مردمی با هویت که الگوی دیگران شد و دست کثیف سلطه‌گران را پس زد و روی پای خودش ایستاد.

ما به انقلاب نیاز داریم تا همچنان عزیز و سربلند باقی بمانیم.

«هر گاه ملتی برگردد، سیر کارها عوض خواهند شد و اگر جامعه‌ای از سیر حق منحرف شود، فیض پیروزمندی نیز دگرگون خواهد شد و این از سنن تغییر ناپذیر الهی است»^۲

۲ - جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص، ص ۲۵.

۲ - ۱ - شناخت

۱ - ۲ - ۱: **شناخت انقلاب:** جهل و ناآگاهی ریشه ای ترین عامل بی تفاوتی و بی مسئولیتی است. به اعتراف بسیاری از تحلیلگران و صاحب نظران غربی انقلاب اسلامی یکی از ناشناخته ترین پدیده های اجتماعی دوران معاصر به شمار می آید و فهم، تحلیل و یا حتی پیش بینی آن مسئله ای نیست که بتوان با استناد به نظریات موجود در حوزه تحلیل اجتماعی یه آن رسید به طور مثال

سازمان سیا بعد از ارزیابی خود از وضعیت جامعه ایران در **مرداد ۵۷**، اعلام نموده که ایران در وضع انقلابی و یا حتی ما قبل انقلابی قرار ندارد!

همین سازمان اطلاعاتی در ارزیابی خود در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۸ مصادف با (۵۷/۷/۶) اعلام کرد؛ انتظار می رود شاه تا ۱۰ سال دیگر به طور فعال زمام قدرت را در دست داشته باشد.^۳

این نحوه تحلیل از واقعیت جامعه ایران که برآمده از نظریات اجتماعی است درست چند ماه قبل از وقوع انقلاب اسلامی آنهم توسط مشهورترین سازمان اطلاعاتی دنیا صورت می گیرد.

سرعت پیروزی انقلاب الهی و اسلامی ایران و رهبری بی نظیر امام، آمریکا و قدرتهای استکباری و صهیونستی را به شدت آشفته و غافل گیر نمود و غربی ها بارها بر غیر مترقبه بودن تحولات ایران و عدم توانایی در شناخت و درک حقیقت انقلاب اذعان نمودند. البته باید گفت برای آنان که از معنویت انقلاب اسلامی بی خبر بوده و در بررسی و تحلیل انقلابها به معیارهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی استناد می جستند، علل و جوهره پیروزی انقلاب اسلامی مجهول و پنهان باشد.

توجه داشته باشید که نهضت های سابق، نهضت هایی بود که یا سیاسی بود یا نیمه اسلامی، نهضت امروز تمام اسلامی است، **نهضت امروز برای خداست**، همه فریاد می زنند اسلام، این رمز است که ما را پیروز کرد و شما هم این رمز را حفظ کنید.^۴

رمز پیروزی ما با توجه به خدای تبارک و تعالی و پاسداری از اسلام بود، ... این توجه به اسلام را حفظ کنید.^۵

خلاصه اینکه انقلاب نعمتی بود که خدا به ما ارزانی داشت تا آزاد باشیم، تا عزیز باشیم تا زمینه ساز ظهور باشیم.

۲ - ۲ - ۱: شناخت خود:

^۳ - ر، ک: حاجتی میر احمد رضا، مقاله تحلیل گران سیاسی و انقلاب اسلامی، باشگاه اندیشه www.bashgah.net.

^۴ - موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۴.

^۵ - همان ج ۵ ص ۲۱۳.

خود اجتماعی یک دانش آموز انجمنی ترکیبی است از هویت مکتبی (تشیع)، ملی (ایرانی)، صنفی (عضو انجمن بودن) مقام معظم رهبری در تبیین شناخت خود اجتماعی یک دانش آموز انجمنی این گونه می گوید:

«هر انجمن اسلامی و هر فرد شما یک پرچمدار هویت اسلامی و ایرانی است». هر فردی از افراد انجمنهای اسلامی کسی است که در نگهداشت این پرچم که یک علامت سرافرازی است سهیم است. آرزوی ما این است که همه جوانان کشور و همه دانش آموزان، هر کدام پرچمی از همین پرچمها را بلند کنند. او که او را از دیگر همسالانش متمایز خواهد ساخت.

۳ - ۲ - ۱: شناخت نقش:

ترکیب ویژگی های گفته شده در تبیین شخصیت اجتماعی یک دانش آموز انجمنی فهرستی از این نقشهایی را در قبال انقلاب بر عهده داریم در برابر ما می گشاید. پیامد این شناخت درست و صحیح از هر سه مؤلفه (انقلاب)، (خود اجتماعی) و (نقشها) در به وجود آوردن روحیه و احساس مسئولیت در ما مؤثر خواهد بود.

مقام معظم رهبری در تبیین نقش هر عضو انجمن (به مثابه پرچم دار هویت اسلامی و ایرانی) چنین می گوید:

شما و اعضاء انجمن اسلامی با پرچمی که بلند می کنید باید به دلهای مردم، ضعیف و روحهای بی شهامت و بی شجاعت، شهامت، شجاعت و جرأت بدهید و به سمت خودتان دعوت کنید. البته اگر کسی که پرچم در دست اوست، اگر دستش بلرزد، کار خراب خواهد شد. اگر خودش مردم شود، دیگران را هم خراب می کند. خودتان را محکم کنید. استحکام شما هم با مغز است هم دل، هم با اندیشیدن و فکر کردن و مطالعه زیاد کردن و یاد گرفتن، هم با ارتباط قلبی با خدا.^۶

حتماً داستان آن جوان عیاش و بی تفاوتی را که ارثی زیاد از پدرش برده بود شنیده اید که روزها و شبها، مال و منال بزحمت بدست آمده پدر را به تاراج رفیق بازی و قمار می گذاشت و فکر هم نمی کرد که روزی تمام خواهد شد. اساساً طبیعت انسان این گونه است که اگر چیزی را بزحمت و مشقت بدست نیاورده باشد تعهدی در قبال حفظ و بقاء آن ندارد. خطر این بی توجهی در قبال انقلاب به مراتب بیشتر است از دست دادن مال و اموال و سلامتی و ...

از این روبه نظر می رسد (همانطور که در بخش عوامل و ایده ها خواهد آمد) باید تدبیری جست تا تمامی ملت بخصوص جوانان سهمی در حفظ و بقاء انقلاب داشته باشند. از تلاشهای علمی تا سیاسی تا اقتصادی تا هنری تا خدماتی باید، راهی اندیشد که مردم را درگیر حفظ انقلاب نماید. باید افق تلاشهای مردم را از سطح کنونی که صرفاً فردی است و یا به انگیزه کسب پایگاه اجتماعی، بالاتر برد. باید همه مردم موفقیت خود را در گرو موفقیت انقلاب احساس نمایند و قدم اول نیز تربیت نسل جوان خواهد بود.

^۶ - ر، ک، افقهای آرمانی، بیانات در دیدار اعضای انجمنهای اسلامی دانش آموزان ۱۳۸۱/۶/۲۶.

^۷ - ر، ک: افق های آرمانی مجموعه بیانات رهبری در دیدار با انجمنهای اسلامی دانش آموزان، ص ۷۵

۴-۱- ایمان به خدا

یکی از بارزترین صفات مؤمنین، اهتمامی است که در ایشان نسبت به امور سایر مسلمین وجود دارد. در آیات قرآن و روایات شریف یکی از شاخص ترین روحیات رسول اکرم (ص) «نگرانی» نسبت به مردم و امت اسلامی است.

«لقد جاء کم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم»^۸

«و لعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم تومنوا بهذا الحداسفا»^۹

«طاهّا- ما انزلنا علیک القرآن لتشقی»^{۱۰}

این توصیفات قرآنی از خلیات و روحیات رسول اکرم (ص) برگرفته از ارتباط معنوی و ایمانی به خدای متعال است بدون شک ایمان راستین به خدای متعال در روحیات و اخلاقیات ما اثر خواهد گذاشت حسن خلق، خیرخواهی، اهتمام به همسایه و ارحام جزو ویژگی هایی شمرده شده که از مؤمنین انتظار می رود. و هر که در این سلوک الی الله اوج بیشتری بگیرد طبعاً دردمندی مضاعفی نسبت به جامعه و هم نوعان خود پیدا خواهد کرد.

جمع بندی

احساس مسئولیت در قیال انقلاب اسلامی ریشه در نیاز ارزش مدارانه مابه انقلاب و شناخت و آگاهی ما از واقعیت و ماهیت انقلاب و نقشی که به عنوان یک انجمنی در آن داریم، و زحمتی که برای بقاء و پیشبرد آن کشیده ایم و میزان ایمانی که به خدای متعال داریم بدس می آید.

نکته ای که در این بین توجه به آن ضروری است اینکه متعالی ترین ریشه این احساس مسئولیت همان ایمان به خداست که حتی اگر نیاز و یا شناخت و یا تلاشی هم در راه تحصیل آن نداشته باشیم باز هم نسبت به آن تعلق خاطر داریم و احساس مسئولیت می کنیم. از طرف دیگر نیاز نیز سطحی ترین لایه و ریشه احساس ساز به شمار می آید و مسئله مهم و قابل توجه اینکه که باید با تدبیری این سطح را عمق بخشید و در نهایت ایمان به خداوند را خاستگاه تمامی گرایشات و تعلقات خود قرار دهیم به طوری که «حب لله و بغض فی الله» ملاک جهت گیری ریز و درشت ما به حساب آید و ما را بر مدار خود به موضع گیری وا دارد.

« اینقدر نگویند انقلاب برای ما چکار کرده است؛ شما برای انقلاب چه کرده اید؟

۲ - قلمرو احساس مسئولیت در برابر انقلاب

^۸ - سوره توبه آیه ۱۲۸

^۹ - سوره کهف آیه ۶

^{۱۰} - ر، ک: صحیفه نور،

نکته اول اینکه^{۱۱} امت اسلامی بر اساس تعبیرات قرآنی، گروهی است تشکیل شده از انسانهای هدفمند، دارای سرنوشت ، دارای فهم و رفتار و تحت رهبری رسول و ولی.

به وجود آمدن این ویژگی ها، جامعه ایرانی پیش از انقلاب را تبدیل کرد به بخشی از امت اسلامی که اهداف^{۱۲} والایی را می جست و آموذ فهم و شعور اجتماعی پیدا کرد که تحت سرپرستی ولی خدا قرار بگیرد. اما اینکه سر نوشتش چه خواهد شد وابسته است به اینکه عمل اجتماعی مطلوب و در راستای اهدافی داشته باشد.

و اما نکته دوم، ما بر اساس همان دریافتی که از ویژگی های امت اسلامی داریم داشته و جغرافیای احساس مسئولیت را گسترش می دهیم یعنی یک دانش آموز باید نسبت به اهداف جامعه خود، سطح فهم و بینش جامعه خود، اعمال و رفتارهای جامعه خود (چه در حوزه فرهنگی چه اقتصادی و چه سیاسی)، امام و رسول جامعه خود و سرنوشت آن احساس مسئولیت کند. ریشه این احساس مسئولیت هم در مواردی که پیش از این در باب ریشه ها و لایه ها ذکر کردیم.

۱-۲: احساس مسئولیت در برابر اهداف انقلاب اسلامی

انقلاب بر پا شد تا:

۱ - دین خدا که همان اسلام است عالم گیر شود. « لنری المعالم عن دینک»

۲ - صلاح و درستی در زمین آشکار شود. « نظهر الاصلاح فی بلاء ک»

۳ - بندگان مظلومت از شر ستمگران رها شوند « این المظلومون من عبادک»

۴ - حدود و قوانین معطل دین تو اجرا شود. « تقام المطله من حدودک»^{۱۳}

اینها اهداف کلان و نهایی انقلاب ما است که باید نسبت به تحقق آنها احساس مسئولیت کنیم.

نکته: کوچک دیدن هدف اولین تأثیرش را در اراده تحقق هدف خواهد گذاشت، اهداف کوچک، اراده های کوچک می طلبد و اهداف بزرگ، روح وسیع و همت هایی عالی و اراده های پولادین می خواهد.

۲-۲: احساس مسئولیت در قبال سطح فهم و بینش جامعه انقلابی

جامعه ای که از جهل (در مقابل عقل) رنج می برد حتی اگر پر باشد از انسانهای به اصطلاح فرهیخته ای که مداک و مدارج علمی شان دهان پر کن است، آینده و سرنوشت خوشی نخواهد داشت.

^{۱۱} - ر ، ک: جزوه شناخت جایگاه جامعه و ... بخش تأملات مفهومی

^{۱۲} - ر ، ک: جزوه شناخت جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی ... بخش نهضت اسلامی ایران

^{۱۳} - نهج البلاغه ، خطبه ۱۳۱

در روایات شریف واژه جهل در برابر واژه عقل (یعنی خرد ورزی) و نه واژه علم قرار گرفته^{۱۴}، اگر چه علم آموزی مقدمه عقل ورزی است اما عین آن نمی باشد. بخصوص اگر ساختار علم با مدیریت و برنامه ریزی غیر الهی پایه ریزی شده باشد.

احساس مسئولیت در قبال افزایش یا کاهش سطح فهم و خرد اجتماعی و تحت تأثیر فضای موجود نبودن و اکتفا کردن به سواد آموزی یکی از مهم ترین عرصه های احساس مسئولیت می باشد.

۳-۲: احساس مسئولیت در قبال رفتار جامعه انقلابی

علامه طباطبایی در المیزان^{۱۵} و شهید مطهری^{۱۶} در فلسفه تاریخ، آیه شریفه «منهم امه مقتصده»^{۱۷} را دلیلی دانسته اند بر اینکه امتها دارای عمل و رفتار اجتماعی می باشند. عمل اجتماعی در واقع برابری عمل تک افراد یا گروه ها است که برداشتی کلی از آن شده به عنوان مثال ما در اقتصاد تعبیری داریم با عنوان «تولید ناخالص ملی» این تعبیر حاکی از ارزش مجموع کالاهای تولیدی یا خدماتی است که در بخشهای مختلف اندازه گیری شده، مثلاً در بخش کشاورزی مجموع تولیدات کشاورزی (چه اصلی و چه فراوری) در طی یک سال چقدر ارزش گذاری می شود (مثلاً ۱۰۰ میلیارد تومان) که نسبت به سال قبل مثلاً ۱۰٪ رشد داشته، این رشد برآمده از تلاش تک تک کشاورزان می باشد که می توان مجموع آنرا در قالبی کمی سنجید به همین نسبت می توان عمل یا رفتار سیاسی و عمل یا رفتار فرهنگی مردم را نیز سنجید نوع رفتار برآمده از فرهنگ دینی در جامعه به چه صورت است آیا ارزشهای دینی در جامعه انقلابی ما نهادینه شده اند؟ آیا جامعه ما در قبال شریعت و قوانین الهی مانند حجاب، خمس، امر به معروف و نهی از منکر و ... تبعیت بیشتری پیدا کرده یا به دنبال گریزگاه هایی برای فرار از مناسک شرعی است؟ در حوزه سیاست نیز آیا رفتار سیاسی جامعه ما بر اساس و یا نزدیک به آنچه از آموزه های دینی بر می آید می باشد یا متأثر از فضای تبلیغات و ...؟ احساس مسئولیت در قبال عمل و رفتار جامعه انقلابی در قلمرو احساس مسئولیت ما می گنجد.

۴-۲: احساس مسئولیت در قبال ولی امت انقلابی

نگرانی و دغدغه خاطر هر جوان انقلابی نسبت به امام و ولی امر خود بدیهی ترین مصداق احساس مسئولیت می باشد، ریشه این احساس خطر نیز در پذیرش ولایت الهی و محبتی است که نسبت به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) در دل شیعیان گذارده شده است.^{۱۸}

^{۱۴} - ر، ک: محمد بن یعقوب، فهرست اصول کافی ج ۱ کتاب العقل و الجهل

^{۱۵} - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۵ و ۶، ص ۳۹.

^{۱۶} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۱۵، ص ۷۷۵.

^{۱۷} - مانده ۶۶.

^{۱۸} - ر.ک. ابراهیمی، محسن، شناخت اندیشه حکومت اسلامی، ص

امام امت اسلامی با ارزش ترین دارایی آن محسوب می شود و تعلق خاطر به او طبیعی ترین احساس است و ما پای این احساس سر هم می دهیم.

۵-۲: احساس مسئولیت در قبال سرنوشت امت اسلامی

بر اساس آیه شریفه «و لکل امتم اجل»^{۱۹} و توضیحات پیشینی در جزوه شناخت جایگاه جامعه، مشخص گردید که هر امت و جامعه دینی یا غیر دینی بر اساس سنتهای الهی زمان مند در نظر گرفته شده و مدت و عمری بی پایان نخواهد داشت. لازمه پذیرش زمانمند بودن این است که هر قوم و امتی با سرانجام و سرنوشتی مواجه خواهد بود و امت ها بر اساس هدف گیری، پذیرش امام الهی یا طاغوتی، رفتار و سطح فهم شان و در نهایت امر یا به سعادت و فوز و فلاح خواهند رسید یا شقی و خاسر خواهند بود.

نگرانی از عاقبت سوء امت یکی دیگر از مصادیق قلمرو احساس مسئولیت به حساب می آید.

۳ - آثار و پیامدهای حس مسئولیت در قبال انقلاب

در نسبتی که میان ریشه ها و لایه های احساس مسئولیت با قلمرو این احساس برقرار می شود می توان به آثار و پیامدهای طبیعی آن دست یافت از اینرو به نظر می رسد موارد زیر جزو طبیعی ترین آثار احساس مسئولیت به شمار آید.

۱ - ۲-۲: اقدام به موقع، مراقبت آگاهانه و همراهی

طبیعی است که اقدام به موقع و آگاهانه، مراقبت و هوشیاری صحیح و هوشمندانه و همراهی مسئولانه یکی از آثار احساس مسئولیت در قبال انقلاب اسلامی به شمار می آید. وقتی دغدغه و دل مشغولی چیزی تو را فرا گرفت همیشه در کنارش حاضری، با دقت از او مراقبت خواهی کرد در شرایط متفاوت (سخت و آسان) همراهش خواهی بود.

۲ - ۲-۲: تلاش، مشقت، سازندگی و پایداری

فعالیت همراه با تحمل سختی ها (روحیه حماسی) برای حفظ و بقاء انقلاب، و خدمت به آرمانهای امت اسلامی.

۳ - ۲-۲: دلبستگی، مدارا و مهرورزی

دلبستگی اثری است که از انس با انقلاب بدست می آید، حالا این انس ریشه اش هر چه باشد سرانجامش مبارک است. بافت و خیز انقلاب باید مدارا کرد و از کوره در نرفت تا به دام افراط و تفریط نیفتاد.

مهرورزی و حب هم ریشه پذیرش است و هم اثر احساس مسئولیت، وقتی نگران کسی هستی به کارهایی رو می آوری که به سعادت و آرامش او بینجامد، و این یعنی مهر ورزیدن.

۴- شاخصه های احساس مسئولیت در قبال انقلاب

احساس مسئولیت یک روحیه است یک اخلاق است، خیلی ها در دنیا هستند که از این ویژگی برخوردارند اصولاً آدمهای با احساس مسئولیتی هستند که البته ویژگی خوبی هم هست اما باید به یک نکته توجه داشت که با چه ملاک ها و شاخصه هایی می توان ارزشمندی دینی این روحیه را سنجید. به عبارت بهتر، دین نسبت به جهت گیری روحی و اخلاقی افراد نظر خاص دارد، هر تمایلی نباید در دل بوجود بیاید، هر خلقی، هر صفتی شایسته و نیکو نیست و یا هر صفت ارزش مندی لزوماً قابل تقدیر نیست. بعضی ها ذاتاً آدم های تو سری خوری هستند این حقارت شخصیتی اسمش تواضع نیست، به آدم خجالتی با حیا نمی گویند اگر چه شاید در برونداد خارجی وجه تشابهاتی نیز یافت شود. اما به هر حال باید برای روحيات نیز شاخص ارائه کرد. به نظر می رسد موارد زیر شاخص های کلی مورد نظر در این بخش باشد.

۴-۱: بصیرت و آگاهی

« قل هذه سبيلي ادعوا على بصيره انا و من اتبعني »

۴-۲: کرامت نفس

« واستخف قومه فاطعوه انهم كانوا قوما فاسقين »

قوم فرعون از این رو او را پرستش می کردند که انسانهای خفیف و ذلیلی شده بودند این ذلت اگر چه آدم را به حرکت وا می دارد اما از هیچ ریشه ای برخوردار نیست.

۴-۳: فریضه دانستن احساس مسئولیت در مقابل احساس داوطلبانه

۴-۴: عکس العمل دینی و انقلابی نشان دادن

«واذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا ... »

عوامل تحقق بخش

۱- ایمان به خدا و تقویت پیوند با اهل بیت (علیهم السلام)

امام در طول جریان نهضت و دفاع مقدس و پس از آن تا پایان عمر شریفشان اسلام، قیام برای خدا و تعظیم شعائر الهی را هدف اصلی و آرمانی انقلاب خود معرفی کرده اند.^{۲۰}

رمز پیروزی نهضت را نیز همین دانسته و در بیانات متعددی تبعیت از خدا را عامل پیروزی معرفی کرده اند. البته باید دانست که اسلام و ایمانی که امام از آن دم می زند اسلام ناب محمدی است و نه آمریکایی و ارتجاعی.

۲۰- ر.ک. موسوی خمینی، روح الله، صحیف نور، ج ۲۲ (پیام به ملت ایران «دعوت به قیام خدا»)

امروز بعضی ها سعی می کنند راه انقلاب را از راه بندگی خدا جدا کنند و خدا پرستی را در عزلت گزینی و جدایی دین از سیاست تفسیر و تعبیر می کنند؛^{۲۱} این طایفه همان کج اندیشانی هستند که به اشتباه خود را متدین می نامند، دلیل این مدعا، نیز هم آوازی این عده با کسانی است که لیبرال مسلکانه دم از فردی بودن ارتباط شخص با خدا می زنند و حوزه مدیریت اجتماع را غیر دینی می خواهند، البته اگر بر اساس قرائت این دو دسته متدین باشید هیچ نسبتی با انقلاب پیدا نخواهید کرد.

۲- بصیرت و آگاهی از ماهیت، هدف و آرمانهای انقلاب و نقش خود (به عنوان یک دانش آموز انجمنی معاصر)^{۲۲}

۳- سهم داشتن در تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب^{۲۳}

حضور در مناطق محروم و تلاش برای رفع محرومیت و ...

۴- نگاه جهانی و انسانی پیدا کردن^{۲۴}

موانع تحقق احساس مسئولیت در قبال انقلاب

۱ - اعتیاد به زندگی مجازی و رسانه ای و دوری از فعالیت های گروهی.

۲ - سود انگاری و منفعت گرایی که این هم از لوازم فرد گرایی است.^{۲۵}

۳ - توجیه گری و فرار از مسئولیت پذیری اجتماعی.^{۲۶}

۴ - برخی ویژگی های فردی که جزو موانع آسیب زای کلی به شمار آید مثل تنبلی و کسلی.^{۲۷}

۵ - گناه و دوری از یاد خدا.

قرآن کریم در اشاره به تاثیر بی ایمانی در رفتار انسانی می فرماید:

«بدهکاران در پاسخ این سوال که چه چیز شما را به دوزخ آورده است می گویند: نماز نمی گذاردیم، بینوایان را غذا نمی

دادیم، با هرزه در ابان هرزه گی می کردیم و روز جزا را دروغ می شمردیم»^{۲۸}

۲۱ - ر.ک. موسوی خمینی، روح الله، صحیف نور، ج ۲۱ ص ۹۱

۲۲ - ر.ک. افق های آرمانی، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با انجمنهای اسلامی دانش آموزان. فصل دوم به بعد

۲۳ - همان

۲۴ - ر.ک. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲ ص ۲۲۲/ج ۱۱ ص ۲۶۶/ج ۱۵ ص ۷۵

۲۵ - ر.ک. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۰ ص ۱۲۹/ج ۱۹ ص ۵۰

۲۶ - ر.ک. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱ ص ۹۱/ج ۲۱ ص ۹۳

۲۷ - ر.ک. بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران امام رضا (ع) عید سعید غدیر ۱۳۸۰ /۱۲/۱۲ www.Farsi.Khameneei.Ir

۲۸ - مدثر آیات ۴۳-۴۶ / ترجمه

ایده‌ها

۱ - تشکیل کمیته دانش آموزی «رصد تحولات دنیای اسلام».

تجربه نشان داده است ارائه هدفمند اطلاعات نقش مهمی در ایجاد حساسیت و یا حساسیت زدایی از فضای عمومی جامعه خواهد داشت نمونه عینی این واقعیت را می توان در رویکردی که رسانه های دنیای استکبار در پیش گرفته اند نظاره کرد. در حال حاضر و با توجه به ضعف دستگاههای خبری موجود در پوشش اخبار جهان اسلام، جامعه ما دچار نوعی بی خبری و به دنبال آن بی تفاوتی نسبت به وقایع و اتفاقات دنیای اسلام می باشد از این رو به نظر می رسد هر مرکز اتحادیه ای در هر نقطه از کشور دست به کار طراحی مدلی جهت رصد، پیگیری و تحلیل این وقایع باشد و با تعریف خروجی های دانش آموزی زمینه ها و زمزمه های حساسیت آفرینی را بوجود آورد.

۲ - اقتدار بخشی به حکومت و زمینه سازی برای اصلاح آن و حتی محدود نمودن آن، آنجا که هنوز تا تحقق حکومت صالحان فاصله است، گاه در قالب حرکت‌های توده ای قابل پیگیری است و گاه با ایجاد نهاد قابل تحقق، در فضای کنونی بویژه با تحولاتی که در متن جوامع جدید رخ داده نباید از ظرفیت و توانایی جریانهای توده ای و مردم نهاد غافل بود.

از سوی دیگر مجازی شدن ارتباطات آسیبی است که سلامت اجتماعی انقلاب ما در گرو برخوردی حکیمانه با آن می باشد به نظر می رسد زمینه سازی جهت بوجود آوردن تحرکات و جریانهای اجتماعی در مقابله با زندگی مجازی موثر می باشد.

از این رو ایده «زندگی واقعی» که نقطه مقابل «زندگی مجازی» است پیشنهاد می شود.

انقلاب اسلامی

شناخت جایگاه تاریخی اصول ارزشی، دستاوردها و چالش‌ها در پی ریزی تمدن نوین اسلامی

اهمیت و اولویت هدف

فهم جایگاه و موقعیت تاریخی انقلاب اسلامی (به عنوان بزرگترین و پرده‌دارترین انقلاب عالم) مهم است چون:

۱- انقلاب اسلامی ماهیت جامعه ایرانی را، از زندگی گروهی انسانهای بی‌هدفی که نهایت همت و عمل‌شان سیر کردن شکمشان بود و پیدا کردن سرپناهی، به امت^{۲۹} اسلامی تبدیل کرد.

۲- انقلاب اسلامی به ایران و ایرانی این فرصت را بخشید تا دستش را از دست انسانهای فاسدی مه‌ناموسش را به اجنبی می‌فروختند، خارج کند و دست در دست بندگان صالح خدا قرار دهد تا او را به سر منزل مقصود برسانند.

۳- انقلاب اسلامی ما را در مسیر تحقق ظهور منجی موعود قرار داد و امام این مسیر پر آسب را چنان بر ما شهر و شیرین کرد که با فقهه مستانه به استقبال جان فشانی در راهش می‌رفتیم.

فهم انقلاب و جایگاه آن مهم است چون مردم ما را او مسلمانان عالم را و تمام بشریت را آنقدر به ظهور حق نزدیک ساخت که شواهد آن را به وضوح می‌توان دید.

ساده لوحی است اگر گمان بریم طمع آب و نان و رفاه و حتی در بهترین تصویرها برقراری عدالت اجتماعی، آرمان نهایی ما است. اگر چه تحصیل این امور در این محقق است انشاء الله.

تصحیح نگرش نسبت به انقلاب اسلامی و آرمانهای رهبری آن، افق بلند و وسیعی را در برابر ما می‌گشاید که در آن درگیر سیاست بازیهای اهل دنیا شدن و فریب وعده‌های تبلیغاتی را خوردن و سرگرم بودن به چرب و شیرین دنیا جایی ندارد.

چه خوب فهمیده بود آن سردار زنده یاد وقتی بسیجی خسته جان را به حرکت می‌خواند که: تنها وقتی توانستی پرچم توحید را در افق عالم در خاک فرو ببری روز خستگی از تن بدر کردن توست.

۴- نهضت اسلام و مردم ایران آزاد کردن قطعه از فدک فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است از دست طاغوت تا در ادامه با اقتدار بخشی به خود و حمایت از سایر نهضت‌های آزادی بخش مستضعفین، زمینه ظهور و برپایی تمدن بزرگ اسلامی را که بر پایه نظریه «دین در مقام تدبیر دنیا است» جامه عمل ببوشاند.

۲۹ - ر.ک، شناخت جایگاه جامعه و ...، جزوه پیشینی

تبیین هدف

تقابل تاریخی حق و باطل

الف) جبهه باطل

۱. نظام سلطه و سرمایه

شناخت ابعاد تمدن غرب، مبانی، ابزارها و ساختارهای برآمده از این فرهنگ مهاجم و سلطه جو به طور تفصیلی در جزوه مربوطه ذکر شده است اما ارائه تحلیلی کوتاه و رویکرد خالی از فایده نیست.

۱-۱. مبانی^{۳۰} تجربه گرایی: کاروان تمدن غرب، از قرن هفدهم میلادی، با طلایه داری دانشمندی چون، هابرماس، هیوم، بارکلی و ... گام به گام به سوی حس گرایی نزدیک تر شد. این ایده اصرار دارد که عقل بدون یاری حواس، هیچ گونه ندارد و تنها راه معرفت توسل به تجربه های حسی است.

۲. سکولاریسم: مهم ترین پیامد ایده فوق حذف خدا و معارف وحیانی از زندگی به دلیل تجربه ناپذیری بود. و طبیعی است که این پیامد چه تاثیری در حوزه روابط انسان با خود، طبیعت، دیگران و جامعه خواهد داشت.

۳. نسبییت گرایی: چاه عمیقی که تمدن غرب به خاطر حذف ماوراء به آن افتاد بی ارزشی هنجارها و حقوق والای دینی و اخلاقی بود بدیهی است تا وقتی تجربه حسی ملاک علمی بودن و عینی بودن باشد دیگر جایی برای قبول و اثبات ارزشها باقی نخواهد ماند در نتیجه ارزشها و امور اخلاقی تنها به خواست شخصی افراد قابلیت پذیرش را خواهند داشت.

۴. لذت گرایی: وقتی در محیطی زندگی می کنید که هیچ هنجار یا ارزش عام و مقبول اخلاقی وجود ندارد پس طبیعی است که به دنبال شادمانه زیستن و لذت طلبی و کام جویی برآیید اومانیزم یعنی برتری یافتن فرد و خواستهها، امیال و تمایلات نفسانی بر هر مقوله دیگری.

۵. فردگرایی: این مرحله را می توان قله اندیشه !!! غرب به شمار آورد در این دیدگاه، تمایلات انسانی برآمده از لذت جویی و بی اعتنایی به ارزشها جایگاهی تعیین کننده در معادلات فردی و اجتماعی دارند حتی عقل نیز در این وادی صرفاً خادمی است برای بهره مندی بهتر و بیشتر.

۶. لیبرالیسم: چون در جهان، هیچ حقیقت اخلاقی وجود ندارد، ارزشهای انسانی، جز بر پایه تمایلات افراد، قابل توصیف نیست. پس چاره ای نیست جز اینکه افراد هر کدام آزادانه و برابر به دنبال تامین خواستهها و امیال خود باشند و هیچ چیزی جز خواسته های دیگران نباید آنها را محدود نماید.

۲-۱. رویکردها:

۳۰ - ر.ک. مبانی فرهنگ غرب، نگاه ویژه، مجسمه حورا، شماره ۵

تمام حقیقت و ماهیت غرب را می توان در این ۶ مولفه خلاصه نمود. با این تبیین کافی است تمامی اتفاقاتی را که در جهان در حال وقوع است و گوشه ارتباطی نیز با تمدن غرب دارد را به نظاره بنشینیم. اگر تمامی مولفه های ذکر شده را در یک کمیته اجتماعی تحلیل نماییم خواهیم گفت لذت طلبی با سه مولفه خود یعنی (پول، قدرت و شهوت) هیچ گاه در درهای جغرافیایی غرب محصور نماند. جذب ثروت سرمایه، استفاده از بازارهای نقاط دیگر جهان، به کارگیری نیروی انسانی ارزان در سایر مناطق، اهدافی بودند که پای سلطه گران و مستعمران را به اقصی نقاط عالم کشانید. در این بین ملت‌هایی که از توش و توان کافی در مواجهه با این تهاجم برخاسته از تمدن غرب برخوردار نبودند به استضعاف کشیده شده و خفت سلطه پذیری را تحمل نمودند.

۱-۲-۱. رویکرد استعماری:

قوه قهریه و استفاده از نیروی نظامی و اشغالگر اولین رویکرد غرب در مواجهه با سایر ملت‌ها بود. طبعاً قدرت نظامی برخاسته از توانمندی های تکنولوژیک این فرصت را در اختیار این دولت‌ها قرار داد، تاریخ سیاسی ایران (بخصوص پس از قاجاریه) پر است از سرفرواد آوردن پادشاهان و امرا در برابر ایران و فرماندهان نه چندان عالی رتبه غربی.

اوج این خفت در حق مصونیتی است که دولت‌های اشغالگر ایران برای سربازان خود قرار می دادند که اگر سرباز جزئی به شاه ایران و عالم ایرانی توهین و تحقیری می کرد ما حق دفاع از خود و محکوم نمودن او را نداشتیم.

۱-۲-۲. رویکرد نو استعماری:

در ایامی که پادشاهان ایرانی به جهت لذت طلبی و شادکامی در غرب، خاک ایران را می فروختند، دولت مردان استعمارگر رویکردی نو در رویه استعماری خود اتخاذ کردند. در این روش تقلیل هزینه های حضور نظامیان (که تمامی آنان از ملت‌های تحت سلطه بر می آمد) و حساسیت زدایی از فضای عمومی کشورهای تحت سلطه که در برخی موارد همچون عراق مردم را وادار به قیام و کسب استقلال سیاسی نموده بود عوامل اصلی این تغییر استراتژیک به شمار می رفت.

تربیت و پرورش غربی قشر جوان جامعه تحت سلطه بسترسازی‌های مناسب جهت حکام و پادشاهان کشورها در جوامع غربی، تحقیر و بی‌ارزش شمردن آداب و رسوم و هنجارهای بومی مردم و القای خود باختگی و بی‌هویتی ملت‌ها، مهم‌ترین روش‌های نظام نو استعماری در ارتباط با مستعمرات به شمار می‌آید.

۲. استبداد:

۱-۲-۱. بی‌هویتی:

هر چند حکمرانی پادشاهان در تاریخ ایران قرین ظلمها و بی‌عدالتی‌ها و تجاوزها و حق‌کشی‌ها است، اما هر چه بود شاه خود را پدر رعایا می دانست و این احساس پدر بودن به او ویژگی‌های خاصی می بخشید. در آثار تاریخی موجود فرزندان پادشاهان تنها با وجود شرایط خاصی صلاحیت احراز ولایت عهدی را دارا می شدند. جنگاوری، شجاعت، تدبیر، کیاست و ... جزو ویژگی‌های مطلوب ولیعهد به شمار می‌آمد. (اگر چه در نهایت باز این ملت بودند که تحت فشار قرار

داشتند). اما هر چه از دوران پادشاهی گذشت و هر چه قدرت و ثروت بیشتر به کام پادشاهان نشست و هر چه سلطه گران نفوذ بیشتری پیدا می کردند از آن ویژگیهای مطلوب کاسته شد و بر استبداد و دیکتاتوری افزوده شد. و این نتیجه طبیعی بی هویتی پادشاهان و دور ماندن از اصول تربیتی حاکمان و امرای به حساب می آمد. اوج این بی هویتی از دورانی است که پهلوی ها بر سر کار آمدند پهلوی اول هیچ چیز قابل توجهی نداشت جز زورگویی پس برای حکومت باید زور می گفت. پهلوی دوم نیز هیچ چیز بارزی نداشت جز بی عرضگی، پس برای سرپوش گذاشتن برای حقارت باز باید زور می گفت.

۲-۲ همراهی با سلطه گران:

هم کاسه شدن پهلوی دوم با استعمار گران تازه نفسی چون آمریکا جلوه تاریک و کثیفی از استبداد را به نمایش گذاشت. از کودتای ۲۸ مرداد گرفته تا تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و حذف قرآن از متن مقدس هنگام قسم خوردن نمایندگان، تا برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله و ارجاع ایران به دوران قبل از اسلام و قطع پیوندهای اسلامی میان همسایگان جغرافیایی مسلمان، تا نفوذ مارکسیست و الحاد دولتی و ترویج بی بند و باری درباری و دولتی و، حق توحش را هم برای آمریکایی ها تصویب کردند که اگر سرباز مست آمریکایی ناموس شیعه ایرانی را در تصادف مضروب و مجروح ساخت، از ایرانی خسارت سپر و بوق و لکه دار شدن ماشین آمریکایی را بگیرند که چرا ایرانی وحشی! جلوی ماشین ایستاده است.

۲-۳. تحقیر ملت: ۳۱

شیعه ایرانی غیرتمند، متهم بود به محبوس بودن و همپالگی با یهودیان؛ ژاندارم منطقه ای که پر است از ثروت خدادادی و منابع لایزال طبیعی اما خود از آن هیچ بهره ای نمی برد. شکاف طبقاتی و فقر اقتصادی و وابستگی و عدم تحرک کمرش را اشکسته بود. همه اینها وقتی سنگینی می آید که بفهمیم ایرانی جماعت مثل هندی ها یا چینی ها باری به هر جهت نیست، ایرانی جماعت را نمی شود با جماعت عربی خلیج مقایسه کرد که طور دیگری است.

ما ملتی بودیم با غرور و نخوت که در بدترین شرایط شاه مان باز از خودمان بود و نگذاشتیم دیگران بر ما شاهی کنند در حالی که در کشورهای همسایه، کلام انگلیسی و پرتغالی و آمریکایی سالهاست حکومت کرده و می کنند.

ب) جبهه حق:

جنبش بیداری اسلامی

۱. تاریخچه

از حدود نیمه دوم قرن سیزدهم قمری و نوزدهم مسیحی به بعد یک جنبش اصلاحی در جهان اسلام آغاز شد. این جنبش شامل: ایران، مصر، سوریه و لبنان و شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان می شود. در این کشورها کم و بیش داعیه دارانی پیدا شدند و اندیشه های اصلاحی مطرح شد. صورت گرفت. این جنبش ها به دنبال یک رکود چند قرنی صورت گرفت و تا حدی عکس العمل هجوم استعمار سیاسی و اقتصادی و فرهنگی غرب بود و نوعی بیدار سازی و تجدید حیات در جهان اسلام به شمار می آید.^{۳۲}

سلسله جنبان نهضت های اصلاحی صد ساله اخیر سید جمال الدین اسد آبادی است.^{۳۳} شیخ محمد عبده شاگرد و مرید سید جمال دومین شخصیتی است که نامش به عنوان مصلح جهان تسنن بخصوص در جامعه عرب برده می شود.^{۳۴} سومین قهرمان اصلاح در جهان سنی عرب شیخ عبدالرحمن کواکبی است که با یک واسطه از پیروان سید جمال به شمار می رود.^{۳۵}

اگر چه این سیر همچنان ادامه یافت اما دیگر از آن نبوغ، جدیت و تاثیر گذاری بهره نبود. به نظر می رسد تحلیلی که شهید مطهری در تبیین علت افول جریان های اصلاحی اهل سنت بیان می کند پسندیده ترین توصیف باشد. «عامل عمده ای که سبب شد نهضت اسلامی که از سید جمال شروع شد از جلوه و رونق بیفتد، گرایش شدید مدعیان اصلاح به سوی وهابگیری و گرفتار شدن آنها در دایره تنگ اندیشه های محدود این مسلک سکفی است.^{۳۶}

۲. ریشه ها^{۳۷}

عوامل و ریشه هایی که جنبش بیداری جهان اسلام را رقم زد می توان در موارد زیر طرح نمود:

۱. استبداد بی حد و حصر حکام و پادشاهان.
۲. استعمار خارجی و تسلط روز افزون آنان بر جان و مال و ناموس مسلمین.
۳. حاکم شدن خرافات و سنت های جاهلی و دور شدن مردم از اصول فطری و اولیه زندگی دینی خود.
۴. یکی از عواملی که عالمان دینی و مجاهد را بر انگیخت.
۴. جهالت و بی خبری و عقب افتادگی و کسالت جامعه اسلامی در مقابل پیشرفتهای چشم گیر دنیای غرب.

^{۳۲} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴ ص ۲۹

^{۳۳} - ر.ک. همان ص ۳۰

^{۳۴} - ر.ک. همان ص ۴۷

^{۳۵} - ر.ک. همان ص ۵۰

^{۳۶} - ر.ک. همان ص ۵۵

^{۳۷} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲۴ بخش نهضت های اسلامی در صد سال اخیر

که بیش از همه روشنفکران دینی جامعه را به تحرک وا می داشت.

عوامل فوق، تمامی سطوح و لایه های جامعه مسلمین را تحت تاثیر قرار داده و ضرب آهنگ حرکت و بیداری را تسریع نمود.

۳. نمودها (حرکت اصلاحی تشیع)

۳-۱. نهضت تنباکو

فرآیند تحقیق^{۳۸}

قرارداد تالбот: روحیه وطن فروشی ناصر الدین شاه قاجار قراردادی را رقم زد که از آن با عنوان قرارداد تالбот نام می برند. بر اساس این معاهده، خرید و فروش کل توتون و تنباکوی ایران در داخل و خارج کشور به مدت ۵ سال به تالбот انگلیسی واگذار شد و در عوض صاحب امتیاز (تالбот) متعهد گردید یک چهارم سود شرکت را پس از کسر ۵ درصد از آن و خارج نمودن مخارج به دولت ایران بپردازد.

آغاز فعالیت: پس از احداث اولین ساختمان شرکت هزاران زن و مرد فرنگی در قالب کارکنان شرکت به ایران وارد شدند. نفوذ در بازار اقتصادی مسلمین، استفاده از دختران برای افزایش فروش، استفاده از مسلمانان به عنوان نوکر و ایجاد رقاص خانه فرنگی و صرف مشروبات الکلی زمینه های نارضایتی عمومی را پایه ریزی کرد.

آغاز مقاومت: گسترش شرکت انگلیسی تالбот به طور مستقیم یا غیر مستقیم وضعیت اقتصادی ۲۰٪ جمعیت هشت میلیونی آن روز ایران را تحت تاثیر قرار داد و طبعاً مردم خسته از گرفتاریها و ظلم حکام و استعمار گران به دامن علما و مراجع پناهنده شدند. نهضت از فارس شروع شد و با سرکوب شدن مردم توسط دولت به تبریز تهران و اصفهان و مشهد نیز کشیده شد. اما یک نهایت محتمل داشت و آنهم سرکوب شدید مردن توسط دولت و افزایش اختیارات شرکت انگلیسی.

تیر آخر: اگر چه تمامی مردم و علمای ایران خواستار تحقق این واقعه بودند اما سید جمال الدین مهم ترین نقش را در آن میان بر عهده داشت. وی با ارسال نامه ای به میرزای شیرازی نقش تعیین کننده ای در صدور فتوای میرزای شیرازی بازی نمود.

بسم الله الرحمن الرحيم، اليوم استعمال هر گونه توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان (عج) می باشد.

۳-۲. نهضت مشروط

فرآیند تحقیق^{۳۹}

^{۳۸} - نصری، محسن، ایران؛ دیروز، امروز، فردا ص ۶۱ تا ۶۳

^{۳۹} - ابوالحسنی، علی، کارنامه شیخ فضل الله نوری پرسش ها و پاسخ خا، ص ۱۳ تا ۱۸

۱. استقرار سلطنت ناصر الدین شاه و افزایش استبداد و وابستگی بخصوص در اواخر آن دوره.

۲. وضعیت اسفبار ایران، روحانیان و روشنفکران دینی را به تلاش در جهت تغییر وضعیت موجود وا داشت.

دعوت از مردم خسته حال و منتظر اصلاح، نهضت فراگیری را بوجود آورد که از مرزهای عدالت خواهی و تاسیس دارالعداله گذشت و به سرنگونی دولت استبدادی و برپایی ساختاری جدید منجر گردید.

۴. در این برهه دو جریان شکل گرفت: اول جریان روشنفکری متأثر از انقلاب های اجتماعی مغرب زمین بخصوص فرانسه و دوم جریان روحانیونی بود که به دنبال هماهنگ سازی قوانین اسلامی بودند.

۵. نفوذ استعمار، جریان اصلی عدالت خواهی را از مسیر خود منحرف ساخت و روحانیت اصیل شیعه را از عرصه مدیریت اجتماعی بیرون نمود و در نهایت بزرگ مردی چون شیخ فضل الله نوری را بر سر دار آورد.

اگر چه جنبش ها و نهضت هایی که در جهان تشیع ظهور و بروز نمود عمدتاً رویکرد اصلاحی نداشت و بیشتر تحت تاثیر ظلم حاکمان و استعمار گران بوجود می آمد (همچون نهضت جنگل میرزا کوچک خان، مجاهدت تنگستانی ها، عشایر بختیاری و قشقایی و ...) اما این بدین معنا نیست که مصلحین بزرگ جهان را نادیده انگاریم، آیت الله بروجردی، علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطا، علامه سید محسن عاملی، علامه سید شرف الدین عاملی و بالخصوص علامه نائینی از این دست به حساب می آیند.^{۴۰}

۳-۳. نهضت اسلامی مردم ایران

۱. بر اساس مدل تحلیلی، توضیح داده شده در عوامل محرک تاریخ^{۴۱} در صورتی که پنج مولفه «مردم، هدف، ایدئولوژی، ولی و سازمان» با یکدیگر ترکیب یافته و در کنار هم قرار می گیرند می توان امید داشت که رخداد اجتماعی وسیع و عمیقی به وقوع خواهد پیوست.

۲. با توجه به تحولاتی که در جامعه ایرانی رخ داد و پیوستگی پنج عامل فوق با یکدیگر نهضت اسلامی مردم ایران که از آن با عنوان انقلاب اسلامی یاد می کنیم شکل گرفت.

۳. در مقام تطبیق پنج عامل ذکر شده با تحولات جامعه انقلابی ایران خواهیم گفت:

۳-۳-۱. مردم:

انقلاب اسلامی نماد تکامل و بلوغ جامعه ایرانی می باشد به این معنا که جامعه ایرانی هم در روح خود (احساس وابستگی به ائمه هدی و تنفر از دشمنان خدا بخصوص مستکبرین) هم در اندیشه و فکر خود (قدرت فهم و بینش برآمده از ارتباط

^{۴۰} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴ ص ۶۲

^{۴۱} - ر.ک. شناخت جایگاه جامعه عوامل محرک اجتماعی و تاریخی جامعه، جزوه پیشینی

با معارف و حیاتی و دینی) و هم در عمل و رفتار خود (کادر سازی و توجه به فعالیت های گسترده تشکیلاتی و شبکه ای) به درجه ای از هوشمندی و هوشیاری مطلوب رسید.^{۴۲}

۲-۳-۳. هدف

شهید مطهری چند ماه مانده به پیروزی انقلاب اسلامی در مجموعه ای از سخنرانی ها و مصاحبه ها در مقام تبیین اهداف نهضت اسلامی مردم ایران با استناد به فرمایشات حضرت امیر در نهج البلاغه چنین می گوید:

«این نهضت چه هدفی را تعقیب می کند و چه می خواهد؟ آیا دموکراسی می خواهد؟ آیا برای دفاع از آنچه امروز حقوق بشر نامیده می شود به پا خاسته؟ ... و یا غیر اینها. هدفهای کلی در چهار جمله حضرت امیر بیان شده است.

۱- نرد المعالم من دینک: نشانه های محو شده راه و دین خدا را که همان اسلام است بازگردانیم.

۲- نظهر الاصلاح فی بلادک: سرزمین های خدا را اصلاح و آباد نماییم.

۳- یامن المظلومون من عبادک: بندگان مظلوم خدا را از شر ستمگران برهانیم.

۴- تقام المعطله من حدودک: قانون های نقض شده خدا را به پا داریم.

عمومیت بکار رفته در تعابیر وسعت دامنه و عمق هدف گذاری نهضت اسلامی را روشن می کند. دین خدا را اعلان نماییم، سرزمینهای خدا را (تمام جهان) آباد کنیم، بندگان خدا را (تمام بشریت) از ظلم به خود و ظلم طاغوت ها آزاد کنیم و حدود الهی را اجرا نماییم.

۳-۳-۳. ایدئولوژی: ۴۳

پایه و اساس این نهضت تمسک به اندیشه سیاسی اسلام و پذیرش این نظریه است که

«دین در مقام تدبیر دنیا» از قدرت و توانمندی ویژه و برتری برخوردار است که او را از سایر رقبای نظری اش ممتاز خواهد ساخت.

نظریه ولایت مطلقه فقیه نیز که بر همین اساس استوار است روش کلی و جامعی در مقام تدبیر دنیا در اختیار ما قرار می دهد.

۴-۳-۳. ولی و حاکم اسلامی: ۴۴

^{۴۲} - ر.ک. جزوه انقلاب اسلامی، تالیف فرهنگستان علوم قرآنی ص ۷۸ تا ۸۰

^{۴۳} - ر.ک. شناخت اندیشه امامت و حکومت در ولایت فقیه، جزوه پیشینی

^{۴۴} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴ ص ۱۳۳

شهید مطهری در مقام توصیف رهبری نهضت اسلامی این گونه می گوید:^{۴۵}

من در امام خمینی چهار مرتبه از ایمان را دیدم.

ایمان به هدف: دنیا جمع شود نمی توانند او را از هدفش منحرف کنند.

ایمان به راهی که برای رسیدن به هدف انتخاب کرده: امکان ندارد از راهی که انتخاب کرده منحرف شود.

ایمان به مردم: احدی به اندازه ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد به طوری که به وضوح می گوید من مردم را بهتر از شما می شناسم.

ایمان به خدا: که به صراحت می گوید این ما نیستیم که نهضت بر پا کرده ایم این دست خداست.

۵-۳-۳. سازمان دهی و مدیریت:

مهم ترین ویژگی مدیریتی امام خمینی در راهبری این نهضت، تکیه بر توده ها و روحانیت به عنوان مرجع دینی مردم بود. بدون شک اگر امام نیز می خواست همچون سید جمال با تکیه بر نخبگان و تلاش برای ایجاد تحول در آن ها گام بردارد موفق نبود. در حقیقت امام به چند نکته اساسی پی برد اول نیرو سازی و کادر سازی دوم نفوذ در دل جامعه و بوجود آوردن حساسیت های اجتماعی و سوم پرهیز از رفتارهای خشونت آمیز و فیزیکی که طعناً همراهی مردم را بخصوص در آغاز نهضت که سلطه دستگاه های اطلاعاتی شاه بی حد و حصر بود به همراه نداشت.

ج) جمع بندی

ضرب عوامل پیش گفته در هم در کنار حوادث و اتفاقات عینی تحضض بخش انقلاب همچون اقدامات دربار در زمینه طرح لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، انقلاب سیاه (سفید)، حادثه فیضیه، قیام ۱۵ خرداد، کاپیتولاسیون و تبعید امام، قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۷ مردم قم و به دنبال آن تبریز و یزد و مشهد و ... به طور کلی حوادث سال ۱۳۵۷ از حادثه ۱۷ شهریور تا حوادث مشهد موج اعتصابات و ... پیروزی را رقم زد که از آن به انفجار نور تعبیر می کنند. این انقلاب بزرگترین تحول تاریخی بود که در قرون و اعصار اخیر به وقع پیوست. روح الهی و اهداف متعالی آن چنان ساختار و برنامه ریزی های تمدن مادی و الحادی را بر هم زد که توان فهم و تقابل با آن را از سوی استراتیست های غربی گرفت. همفکری، همدلی و همراهی امام و امت در تمسک به آرمانهای معنوی که با زبان امام از متن زلال شریعت گرفته می شد ما را در بستر سازی ظهور منجی قرار داد.^{۴۶}

^{۴۵} - تبیین ویژگیها و شخصیت جامع و کامل حضرا امام و مقام معظم رهبری از واجبات است.

^{۴۶} - موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۸ ص ۱۱ و ۱۲

دستاوردها و کارآمدی

دستاوردهای انقلاب اسلامی ناظر به تحولات و تاثیراتی است که انقلاب اسلامی در دو بخش ملی و فراملی بر جای گذاشته است در این فرض دو حوزه فرهنگی و سیاسی جزو دستاوردهای انقلاب به شمار می آیند.

حوزه فرهنگی:

۱. بزرگی توصیف حقیقت و ماهیت انقلاب اسلامی اینگونه گفتند که: انقلاب اسلامی آزاد کردن قطعه ای از فدک فاطمه الزهرا (س) از دست طواغیت جابر و سلطه گر می باشد. این نکته نیز با استفاده از روایتی است که در آن امام موسی کاظم (ع) فدک فاطمه (سلام الله علیها) را نه آن تکه زمین خیبری بلکه محدوده جغرافیای جهان اسلام در زمان خلافت طاغوت عباسی دانستند.^{۴۷}

در واقع مردم ایران با انقلاب خود قسمتی از جغرافیای پهناور جهان اسلام را توانست از سلطه مستکبران خارج کرده و به دامن پر مهر اسلام برساند. این نهضت شروعی^{۴۸} است بر قیام تمامی مستضعفین سر تا سر عالم برای خارج نمودن سلطه گران و قطع نمودن دست چپاول گر آنان در تمام دنیا. همانی که امروز بارقه های ظهور و حضورش را در سرتاسر نقاط جهان اسلام از لبنان و فلسطین گرفته تا بوسنی و هرزگوین می توان مشاهده نمود.

۲. دومین دستاورد فرهنگی انقلاب اسلامی توسعه و عمق بخشیدن به جبهه حق در برابر جبهه باطل بود مرکزیتی که ایران توسط این انقلاب در دنیای اسلام یافت و مرجعیتی که در حمایت معنوی و مالی از سایر نهضت های آزادی بخش مستضعفین نمود دامنه وسیع و عمیق جبهه حق را نمودار گشته است.

۳. انسان سازی و خود باوری نیز از بارزترین دستاوردهای انقلاب اسلامی به شمار می آید.^{۴۹}

حوزه اقتصاد:

شاید این توهم وجود داشته باشد که حتی اگر در ایران انقلابی نیز رخ نمی داد باز هم کشور ما همچون سایر کشورهای همسایه که تا پیش از آن در فقر و عقب ماندگی به سر می بردند مدرن می شد و پیشرفت می کرد. به تصور برخی پیشرفت و تمدن ارمغانی است که غرب به تمامی ملتها و دولتها چه با انقلاب و چه بی انقلاب، خواهد بخشید. این تصور از آن رو باطل است که بر اساس یک ضرب المثل مشهور انگلیسی ما هیچ وقت نباید کشوری مقتدر و پیشرفته می شدیم.^{۵۰} چون این سیاستی است که سالها در مورد کشور ما به اجرا گذاشته شده است.

^{۴۷} - خسروی، موسی، زندگانی حضرت امام موسی کاظم (ص) ص ۱۲۹ تا ۱۳۰

^{۴۸} - موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۸ ص ۲۵۰

^{۴۹} - ر.ک. بیانات رهبری در دیدار فرماندهان سپاه ۶۰/۱۰/۱ و خطبه های نماز جمعه تهران ۸۲/۱۱/۲۴

^{۵۰} - «اگر می خواهید ایران را غارت کنید مردمش را گرسنه نگهدارید»

واقعیت این است که ایران و ایرانی اگر بخواهد پیشرفت کند باید از دوستی و همراهی کشورهای به اصطلاح توسعه یافته و پیشرفته پرهیز نماید.

حوزه سیاست:

استقلال و آزادی بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی به شمار می آید. اینکه ما برای کشور خودمان در تهران تصمیم می گیریم ولو تصمیم های اشتباه، تا اینکه دیگران برای ما در کاخ سفید و الیزه و سرخ و سبز بزرگترین نعمتی است که انقلاب به ما ارزانی داشته است.

چالش ها و آسیب ها

الف) آسیب های ملی

حفظ یک انقلاب از معرض انواع آسیب هایی که در قبال دگرگونی و تغییر حکومت انجامیده همیشه جزو ابتدایی ترین و پر سرو صدا ترین مراحل نهضت ها به شمار می آید. اما نکته مهم، توجه به این واقعیت است که تثبیت بلند مدت اهداف و آرمانها و حرکت بر طبق اصول و آرمانهای اولیه نیروهای انقلابی کاری فرسایشی و عمدتاً همراه با تلفات و ضایعات فراوانی است. همانطور که در مورد انقلاب خودمان شاهدیم آسیب هایی که به طور معمول در این بخش رخ می دهد در دو بخش اجتماعی (به معنای آسیب هایی که مردم انقلابی را تحت تاثیر قرار می دهد) و ساختاری (به معنای چالشهایی که نهادها و ساختارهای مدیریتی را متزلزل می کند) قابل بررسی است.

۱. آسیب های اجتماع

۱-۱. آسیب های خواص

- قدرت طلبی و تلاش برای حفظ پست و مقام^{۵۱}

- زندگی اشرافی و اترافی^{۵۲}

- دست کشیدن از آرمانها و اهداف^{۵۳}

- اختلاف و از دست دادن وحدت کلمه^{۵۴}

^{۵۱} - مصباح یزدی، محمد تقی، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخی، ص ۲۲۶

^{۵۲} - ر.ک. بیانات رهبری ۷۰/۵/۲۳ در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمع عزاداران سالگرد رحلت امام. صحیفه نور ج ۲۰ ص ۲۲۲ (۶۷/۴/۱۳)

^{۵۳} - ر.ک. بیانات رهبری در ۷۹/۳/۱۴ در جمع عزاداران سالگرد رحلت امام. صحیفه نور ج ۲۰ ص ۲۲۲ (۶۷/۴/۱۳)

^{۵۴} - مصباح یزدی، محمد تقی، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخی ص ۴۱۵ تا ۴۱۹

- تمایل به بیگانگان^{۵۵}

- تفکر جدایی دین از سیاست (بخصوص در نخبگان علمی)^{۵۶}

۲-۱. آسیب های عمومی

- ضعف ایمان و سستی در انجام دستورات الهی^{۵۷}

- جهل به حقایق و معارف دین^{۵۸}

- ابهام از آینده انقلاب^{۵۹}

۳-۱. آسیب های گروه ها

بر اساس یک دسته بندی کلی می توان گروه های شکل گرفته در حاشیه یا متن انقلاب اسلامی را به سه دسته کلی؛
- گروه های غیر همسو (که در آغاز نهضت همراهی کردند اما با توجه به تفاوت هایی که در مبانی و روش ها داشتند از همان ابتدا خط تفاوت واضحی در قبال نهضت داشتند مثل گروه های چپ، پیمانی ها، ملی گراها و گروه هایی از این دست)

- گروه های همسو (جریان هایی که امام، هدف امام و روش امام را در جریان نهضت و در ادامه آن را پذیرفتند)

آسیب هایی که این طیف را تهدید می کند عمدتاً دو دسته است:

۱- تند روی (گروه طبرزدی و ...)

۲- انحراف در مبانی (مجاهدین انقلاب اسلامی، جریان موسوم به اصلاح طلب و ...)

- منفعت طلبان (طیف سرمایه دار مدرن که به دنبال حفظ منافع خود دست به تاسیس گروه ها و جریان های اجتماعی و سیاسی می زنند قطعاً طیف بازاری سنتی که حافظ، مدافع و همراه نظام است از این دسته بندی ها جداست)
عمدتاً می توان طیف کارگزاران را در این قسم قرار داد.

۲. آسیب های ساختاری

^{۵۵} - مطهری، مرتضی مجموعه آثار ج ۲۴ ص ۸۵

^{۵۶} - مصباح یزدی، محمد تقی، انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخی ص ۲۵۲

^{۵۷} - همان ص ۲۲۶

^{۵۸} - همان

^{۵۹} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲۴ ص ۸۵

اگر انقلاب اسلامی نتواند نهادهای اجتماعی را که عمدتاً تجسم سازمانی و توسعه ای دارند، و در سه قالب کلی اقتصاد، فرهنگ و سیاست قرار می گیرند، به وضع اعتدال و سلامت برساند، بعید نیست سرنوشتی همچون شوروی سابق (از جهت اقتصادی) و یا سایر کشورهای بلوک شرق (از جهت سیاسی) که مبتلا به انقلاب های رنگین شدند پیدا کند.

۲-۱. آسیب های اقتصادی:

مهم ترین آسیب اقتصادی که دولت و ملت و آینده آرمانی ما را تهدید می کند، **وابستگی به نفت** و منابع نفتی است. ما تا وقتی که نفت داریم نمی توانیم روی پای خودمان بایستیم حتی فرهنگمان نیز وابسته خواهد بود.

از طرف دیگر به دلیل ضعف در فرآوری نفت به محصولات قابل استفاده و وابستگی تکنولوژیک به کشورهای صنعتی همیشه در معرض تهدید و آسیب قرار داریم.^{۶۰}

۲-۲. آسیب های فرهنگی

تصدی گری دولتی^{۶۱} به معنای اینکه دولت ها خود را محق می دانند در تمام امور ریز و درشت فرهنگی کشور حتی نهادهای فرهنگی همچون آموزش و پرورش رسمی، غیر رسمی و ... دخالت کنند. جلوه بارز این آسیب حالتی که نیروی انسانی موجود و بر سر کار را نمی پسندند و یا همسو با اهداف خزی نمی دانند، آن وقت از صدر تا ذیل آموزش و پرورش باید عوض شود تا آقای دولت بتواند بهتر به اهداف حزب جامه عمل بپوشاند.

۲-۳. آسیب های سیاسی

نخبه زدگی^{۶۲} یکی از مهم ترین آفات سازمانهای سیاسی است. اگر چه این واقعیتی طبیعی است که هر کس توانایی و ظرفیت حکم رانی را ندارد، و افراد خاص از این ویژگی برخوردارند، اما چون فرآیند نخبه ژروری در کشور ما سالهاست که از مدار واقعی خود دور شده است و تنها در معرکه هایی چون شکل گیری انقلاب و یا دوران دفاع مقدس آنهم به خاطر خطرات ناشی از حضور در این صحنه ها، به جایگاه اصلی خود بازگشت، پس از پایان صحنه های خطر آفرین دوباره شاهد نخبه پروری به همان شیوه منسوخ پیشین هستیم، آقا زادگی، کسب مدارج علمی دانشگاه های معتبر زیر نظر آقایان، که طبیعتاً وابسته به حضور در کلاسها و دوره های پیش کنکوری است، که هزینه گزافی می طلبد، که باز در اختیار آقازاده ها است، فرآیند نخبه پروری در جامعه ما است.

(ب) آسیب های فراملی

دشمنان خارجی انقلاب به عنوان دسته دوم عوامل آسیب زا و چالش آفرین به شمار می آیند.

۶۰ - ر.ک. نفعات نفت، رضا امیرخانی

۶۱ - همان

۶۲ - ر.ک. نشست نشاء، رضا امیرخانی

رویکرد اتخاذ شده توسط این طیف از معارضان در دو بخش نرم و سخت قابل بررسی است.

۱. تهاجم نرم

۱-۱. فرهنگ

راس پیتز در قالب یک استراتژیست آمریکایی ماهیت تهاجم نرم فرهنگی جدید را اینگونه توصیف می کند:

«چرا بنیاد گرایان اسلامی از ما متنفرند؟ زیرا ما فرهنگ آنان را متزلزل کرده ایم. ما فیل های مهاجم نیستیم و در خیابان های شهرهای آنان رم نکرده ایم. ما موریانه هایی هستیم که تک تک ساختمان های آنان را با ولع خویش فرو خواهیم داد آنان با میلیون ها نکته کوچک در جنگ هستند. مسایل کوچکی مانند: موسیقی راک، لباس جین، غذاهای سریع و فوری، فیلم ها و عروسک باری، برگ های بنده ما هستند».^{۶۳}

۱-۲. اقتصاد

جنگ بی قاعده^{۶۴} شاید تعبیر خوبی باشد برای فشارهای اقتصادی که با عنوان تحریم های اقتصادی سالهاست کشور ما را در بر گرفته است. مبنای اصلی این تحریمها، زیر فشار قرار دادن تحمل و طاقت مردم و ایجاد نارضایتی عمومی نسبت به حاکمیت به شمار می آید.

۱-۳. سیاسی

مدرنیته، سازمان دهی و برنامه ریزی صورت گرفته توسط نظام سلطه در جهت ایجاد فشارهای اقتصادی و تهاجمات نرم فرهنگی را می توان در عنوان تهاجم سیاسی خلاصه نمود. با این حال می توان به طور ویژه رخنه دادن عناصر ضد نظام^{۶۵} در ساختار حکومتی را جزو انواع تهاجمات سیاسی صورت گرفته به شمار آورد.

۲. تهاجم سخت

- اقدامات خشونت آمیز صورت گرفته توسط سازمانهای تروریستی داخل کشور (مجاهدین خلق)

- اقدامات صورت گرفته توسط گروه های مستقر در کشورهای همسایه (پژاک، جند الشیطان)

- درگیری های محدود نظامی در مناطق مرزی در سالهای اخیر بخصوص در نواحی شمال غربی و جنوب شرقی و شرق.

- و در نهایت حمله نظامی به کشور جزو تهدیدات به شمار می آید.

^{۶۳} - مظفری، اکبر، باری، پژوهشی در عروسک آمریکایی باری ص ۱۴۴

^{۶۴} - ر.ک. سخنرانی رئیس سازمان پدافند غیر عامل، ۸۹/۴/۱۵

^{۶۵} - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۲۴

نکته مهم در این بخش توجه به رویکردهای مدرن^{۶۶} نظام سلطه در تهاجمات نظامی است. تغییرات صورت گرفته در ساختار نهادهای نظامی (چون سپاه و ارتش) نیز بر اساس همین رویکردها و ویژگی‌ها است.

جمع بندی

بزرگترین آسیبی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند محدود شدن آن در محدوده مرزهای جغرافیایی و گرفتار شدن در دام آسیب‌های داخلی است که بیشتر از سوی سلطه‌گران و اذنان آنان طرح ریزی می‌شود.

انقلاب ما و انقلابی بودن ما که در گرو روحیات حماسی و جهادی است که امام به ما بخشید حفظ این روحیه لازم تا زمانی که ما را به آن افق آرمانی که ظهور منجی است و این آن هدف نهایی^{۶۷} است که از برپایی انقلاب در سر داشتیم.

^{۶۶} - ر.ک. www.paydary.ir بخش تهاجمات نظامی.

^{۶۷} - موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور ج ۷ ص ۱۰۸.

حضور مسئولانه، حماسی و با کفایت در پیش برد اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی

اولویت هدف:

نقل شده است در ایامی که شهید باکری شهردار ارومیه بود، شبی در مناطق محروم شهر، بر اثر باران و گود بودن منطقه، خانه پیر زنی در معرض آسیب قرار می‌گیرد و آب به داخل خانه اش نفوذ می‌کند، شهید باکری بر خلاف روحیه بسیاری از مسئولین امروزی و یا شاید حتی همان دیروزی، خود به محل می‌رود و دست به کار اصلاح وضع می‌گردد. مسیر آب را از خانه دور می‌کنند، وسایل پیر زن را بیرون می‌آورند زندگی اش را جمع می‌کنند و ... شهید باکری مصداق کامل و الگوی مطلوب یک جوان انقلابی معاصر به شمار می‌آید حضور و بودن در جایی که باید باشد، رفتار مسئولانه و اقدام حماسی که از او سر می‌زند و کفایت و تدبیری که از خود در حل مسئله نشان می‌دهد، در همین مثالی که ذکر کردیم تمام حقیقت و واقعیت کار را توضیح می‌دهد امروز خیلی از مسئولین هستند که از وضعیت حیطة مسئولیت شان بی‌خبرند ندارند! چه برسد به حضور، و یا اگر حضور داشته باشند، فرمالیته و تشریفاتی برای رفع تکلیف است. حضور مسئولانه، حماسی و با کفایت وظیفه‌ای که اگر در خط امام باشیم بر عهده ما است.

نسبت منظومه‌ای هدف:

احساس مسئولیت در قبال آرمانها و اهداف، سطح فهم و بینش، رفتار و عملکرد، رسول و امام و در نهایت سرنوشت امت اسلامی ما را به پذیرش مسئولیت‌هایی وادار می‌کند شاخصه‌های مورد نظر و مطلوب این پذیرش مسئولیت مورد بحث واقع خواهد شد.

تبیین هدف

۱- گونه شناسی حضور مسئولانه در عرصه‌های انقلاب

اگر چه گونه شناسی انقلابی‌ها در جزوه «شناخت جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی و ... و در بخش گروه‌ها ذکر شده است» اما نگاهی دوباره و از سر تأمل و از زاویه‌ای جدید خالی از لطف نیست.

مقام معظم رهبری در تبیین ویژگی عصری انقلاب اسلامی این واقعیت تاریخی را تشبیه می‌کنند به جنگ احد و در یک هشدار معنادار با تبیین علت شکست سپاه اسلام به تطبیق انقلاب اسلامی با آن می‌پردازند.

«صحنه، صحنه روشنی است. عزیزان من! همه دوران زندگی ما، جنگ احد است. اگر خوب حرکت کردیم دشمن شکست خواهد خورد ولی به مجرد اینکه چشممان به غنایم افتاد و دیدیم چهار نفر دارند غنیمت جمع می کنند، ما هم حسودیمان شد، سنگر را رها کردیم و به سمت غنیمت رفتیم...»^{۶۸}

با مبنا قرار دادن این تشبیه می توانیم به دسته بندی و گونه شناسی سپاهیان انقلاب اسلامی بپردازیم.

۱-۱- انقلابی های منفعت طلب

عده و یا جریانی که در عرصه های مهم و خطیر انقلاب حضور دارند اما چون مبنا، ریشه و پایه این حضور (ولو به صورت نا خودآگاه) حفظ منافع و جلب غنائم است در معرکه های بسیار سخت جا می زنند.

«ان الذین تولوا منکم التقی الجمعان انما استزلهم الشیطان ببعض ما کسبوا»

«بدانید همه ما زیر ذره بین مردم در طول صدها سال آینده قرار خواهیم داشت. روی اعمال و کارهای ما قضاوت می کنند، اگر خطا کنیم، بلغزیم و دل به لذت و راحت و شهوت دنیا بدهیم- که این برای انقلاب گران تمام خواهد شد- در پرونده ما در تاریخ ثبت خواهد شد، پیش خدای متعال هم که معلوم است و عرض کردیم که چه قدر هم دشوار است»^{۶۹}

۱-۲- دعوت شده ها

اگر از حرکت کاروان سیدالشهداء خبر داشته باشی و غربت امام حسین (ع) و به حق بودنش را بدانی و باز هم تردید کنی و وقتی دعوت می کنی، مال و اموال را بهانه کنی یا اسب و شمشیر تعارف کنی و یا حتی اگر قبول دعوت هم کنی در بهترین صورت باز هم تا پایان همراه او نمایی و وقتی امیدی از پیروزی را نبینی عقب بکشی. البته این سکه روی دیگری هم دارد که امام حسین (ع) تو را دعوت کند و به خیمه اش بروی و نفس در نفس بنشینید و عاقبت هم بشوی سخنگوی امام و مایه مباهاتش.

وقتی امام امت خود را دعوت می کرد به حضور در صحنه ها عده زیادی می پذیرفتند و با جان و دل همراه می شدند و عده ای نیز با دست آویزی ولو قرآنی «لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» از معرکه می گریختند مهم این است که همیشه عده ای هستند که منتظر دعوت نامه اند و نمی توان امید چندانی به آنها داشت.

۱-۳- آگاه ها

اگر پدر تو یکی از سناتورهای سرشناس کشورش باشد یکی از ما لکان مجموعه عظیم فیات که تنها بخشی از آن کارخانه اتومبیل سازی است و باشگاه یونتوس و دو روزنامه معروف ایتالیایی و سرانه درآمد خانوادگی ات سالی ۶۰ میلیارد دلار برآورد شود (بیش از درآمد سالانه نفتی کشورمان) و تو تنها پسر خانواده باشی (یعنی وارث تمامی ثروت و قدرت و شهرت

^{۶۸} - ر.ک، سروش، علی - بهرامی، محمد رضا، همین جا کربلاست، ص ۶۲.

^{۶۹} - ر.ک. سروش، علی، بهرامی، محمد رضا، همین جا کربلاست، ص ۶۱.

اینکه «دعوت شده ها» را در دوربین نوبت ذکر کردم از این دوست که بودند کسانی که با دعوت امام به میدان آمدند و تا آخر ماندند.

و همه چیزهای دیگری که خیلی ها در خواب هم نمی بینند) علی الظاهر موضوع دیگری باقی نمی ماند که بخواهی به خاطرش قید همه چیز را بزنی. بعد از یک روز پای تلویزیون می نشینی و از واقعیتی آگاه می شوی که تمام مسیر زندگی ات را عوض می کند و می آیی ایران (حتی دعوت هم نکرده اند) و زانو می زنی پیش پای امام روح الله تا آقا دست به سرت بکشد تو را شیعه علی و اولادش کند. این آگاهی تو را به حضور امام رساند و خون مطهرت را در راهش نثار کرد آدم باید خیلی کور باطن باشد که به آگاهی رسیده باشد و وجدانش بیدار شده باشد امام باز هم منکر شود و از حضور و همراهی سرباز زند «و جحدوا بها واستیقنتها انفسهم ...» آگاهی و معرفت آدم را به حضور می خواند و اگر جای دیگری گیر نکرده باشی خواهی رفت.

۴-۱؛ همراهها

«اویس قرنی» جوان مسلمانی که در زمان رسول الله می زیست اما هیچ گاه او را ندید. بار اولی که برای دیدار رسول اکرم از یمن عازم مدینه شد، وقتی رسید که رسول الله در جنگ بودند و چون وعده بازگشت سریع را به مادرش داده بود منتظر بازگشت رسول الله نشد.

او مسلمان شده بدست با برکت امیرالمومنین (ع) است و کسی است که رسول الله او را یار خود می داند. و حضرت امیر در نبرد صفین منتظرش می ماند.

اویس به ظاهر کمترین حضور فیزیکی را در جریان نهضت اسلامی رسول الله در کنار رسول اکرم داشتند اما بیشترین سهم از یادگاری و یادآوری را در اذهان مسلمین و صحابی به خود اختصاص داده است.

همراهی اویس به گونه ای بود که رسول الله را مشتاق دیدار خود ساخته بود و رایحه های دل انگیز بهشتی را به مشام جان حضرت می نشانید.

سر این همراهی را در «ویژگی ها و شاخصه های حضور مطلوب» بیان می کنیم.

۲- ویژگی ها و شاخصه های حضور مطلوب

۱-۲؛ علم و آگاهی

مراد از علم، خصوصیتی از بینش و بصیرت است که «خشیت» و «حذر» را در انسان شکل می دهد.^{۷۰}

خشیت را خوف حاصل از درک هیبت و عظمت معنا کرده اند. که اگر به عظمت و ارزش والای انقلابی که به امانت به دستت سپرده اند پی بردی نگرانی است مضاعف خواهد شد.

۲-۲؛ انگیزه و تصمیم

^{۷۰} - ر، ک، صفایی، علی، وارثان عاشورا ص ۲۵۷

کسب آگاهی یکی از روش های تحریک اراده و ایجاد میل به شمار می آید اما تنها راه نیست گاهی باید آدم را وادار به کاری کرد به طور مستمر تا اینکه تمایل به صورت تدریجی در او پیدا شود.

به هر حال حضور مطلوب در کنار اهداف و آرمانهای انقلاب نیازمند اراده ای پولادین و استوار است. همانطور که در توصیف اصحاب حضرت ولی عصر این گونه آمده است.

كَزْبِرِ الْحَدِيدِ...

۳-۲؛ اقدام موثر

وقتی آگاهی و بصیرت باشد، اراده و انگیزه نیز اوج گرفته باشد باید به اقوام موثر منجر شود اگر مانعی رخ ندهد و عارض نگردد.

به هر حال یکی دیگر از شاخصه های حضور مطلوب در عرصه های انقلابی اقوام موثر قلمداد می شود.

۳- جغرافیای مسئولیت پذیری

حیطه و میدان عمل و حضور مسئولانه یک دانش آموز انقلابی معاصر همه ابعاد و زوایای امت اسلامی را پوشش می دهد پیش از این در تاملات مفهومی شناخت جایگاه جامعه، امت اسلامی را ترکیبی از اهداف و آرمانها، رفتارها، فهم ها، رسول و سرنوشت دانستیم که احساس مسئولیت در قبال آن را تبیین نمودیم.

۴- عرصه های حضور مسئولانه

۴-۱؛ در عرصه های فرهنگی

۱- فرهنگ را به معنای ذهنیات، اندیشه ها، ایمان ها، باورها، سنت ها، آداب و ذخیره های فکری و ذهنی می دانیم.^{۷۱}

۲- اگر فرض کنیم در کشور محصولات فرهنگی ناسالم وجود داشته باشد رسانه های ناسالم، رفتار ناسالم، ابزار فرهنگی ناسالم، کتاب ناسالم، وسایل هنری ناسالم، که بتواند با خرافات و کج اندیشی ها و کجروی ها عقاید راست و مخدوش کند، این ها فرآورده های ضد انسانی اند، مقابله با آنها باید به انگیزه دفاع از انسانیت صورت بگیرد و همه باید در این زمینه احساس مسئولیت کنند.^{۷۲}

۳- چیزهایی که در فرهنگ عمومی ما ضعیف است، یا جایش کم است یا به قول آقایان احتیاج به دوز بالاتری دارد کدام است؟

^{۷۱} - ر.ک. قدوسی زاده، حسن، نکته های ناب و گزیده بیانات رهبر در جمع دانشجویان، ج ۴ ص ۱۳

^{۷۲} - همان ص ۱۵

یکی انضباط اجتماعی است، یکی اعتماد به نفس ملی و احساس عزت کردن (که من اهل ایرانم) یکی غیرت انزایی ملی است یکی تدین و دین باوری به همان معنای عام خودش و^{۷۳}

۴- مبارزه با روحیه وابستگی^{۷۴}

۴-۲: در عرصه رفتارهای دینی

۱- اسلامی بودن و اسلامی کردن دیگران

شما دو تعهد دارید. یکی اسلامی بودن خودتان یکی اسلامی کردن آنجایی که این انجمن ها در آنجا هستید.^{۷۵}

۲- ایفای نقش الگویی

باید خود شما الگو باشید برای این که بچه ها با عمل شما تربیت بشوند و شما دعوت کنید آنها را با اعمال خودتان به اسلام و اخلاق و اعمال اسلامی^{۷۶}

۳- حضور فعال در مساجد^{۷۷}

۴- تهذیب نفس^{۷۸}

۵- نهی از منکر و مقابله با آلودگی ها و انحرافات^{۷۹}

۴-۳: حضور در عرصه های علمی

۱- علم آموزی^{۸۰}

۲- معرفت و آگاهی بخشی به مخاطبان^{۸۱}

۳- نگاه نقادانه داشتن به علوم و تلاش برای تفکر خلاق و نقد حساب شده

۴-۴ حضور در عرصه های سیاسی

^{۷۳} - همان ص ۱۷ و ۱۸

^{۷۴} - ر.ک. افق های آرمانی، مجموعه سخنان امام درباره انجمنها ج ۱ ص ۱۶

^{۷۵} - ر.ک. افق های آرمانی، مجموعه سخنان امام درباره انجمنها، ج ۱ ص ۱۵/۲۳

^{۷۶} - همان ص ۱۹

^{۷۷} - همان ص ۲۳

^{۷۸} - همان ج ۲ ص ۵۷

^{۷۹} - همان ص ۹۰ تا ۹۲

^{۸۰} - همان ص ۸۵ تا ۸۶

^{۸۱} - همان ص ۸۸

سیاست را مفهومی عام بگیریم که از شخص ولی فقیه تا مدیر مدرسه را شامل می شود بر این اساس عرصه حضور و وظیفه یک دانش آموز انجمنی از قرار زیر می باشد.

۱. نظارت و ارشاد

«در عین حال با کمال دقت باید ناظر احوال افرادی که مشغول کار در وزارتخانه ها، در ارتش، در هر جا، و ادارات هستند، لکن کار آنها فقط ارشاد است و اگر ارشاد آنها به جایی نرسید باید اطلاع دهند.^{۸۲}»

۲- خنثی کردن توطئه ها^{۸۳} و کج روی ها

۳- معاضدت و همراهی با ولی جامعه دینی.

۴- دشمن شناسی^{۸۴} و استکبار ستیزی^{۸۵}

۵- تلاش در جهت اقتدار بخشی به نظام اسلامی

۶- شرکت در انتخابات ها^{۸۶}

۵-۴: حضور مسئولانه در عرصه های ورزشی سالم

به عنوان یکی از وظایف جوان مسلمان انقلابی^{۸۷}

۶-۴: حضور مسئولانه در عرصه های هنری

«عده ای هنر را تجملاتی و تشریفاتی و مثل زعفران روی قاب پلو به حساب می آورند: ولی بنده اینطور عقیده ندارم. من برای هنر نقش واقعی، جدی و اساسی قائل ام. امروز هم بیشترین ضربه ای که دارد در دنیا به ما می خورد از کارکرد هنر است.^{۸۸}»

«سازمان سیا بخش هنری دارد و در عرصه های متفاوت هنری اینها مشغول فعالیت جدی هستند چه در عرصه فیلم سازی چه در موسیقی چه رمان»^{۸۹}

^{۸۲} - همان ج ۱ ص ۲۵

^{۸۳} - همان ص ۲۴

^{۸۴} - همان ج ۲ ص ۱۵۵

^{۸۵} - همان ص ۱۳۴

^{۸۶} - همان ص ۵۸

^{۸۷} - همان ص ۵۷

^{۸۸} - ر.ک. قدوسی زاده، حسن، نکته های ناب (بیانات رهبر در جمع دانشجویان) ج ۲ ص ۸۹

^{۸۹} - همان ص ۱۰۰

۱- مهم جریان و یا جریانهای تولید کننده هنر مدرن و بدست آوردن و ترویج نگاه نقادانه نسبت به آن.

۲- شناخت و ترویج هنر دینی، انقلابی

۳- مجهز شدن به ابزارهای هنری جهت موجود در عمق بخشیدن به انگاره های دینی

۴-۷: حضور مسئولانه در عرصه های اقتصادی

بدون شک مقصود ما فعالیت اقتصادی ثروت زا نمی باشد که این سطح نه مطلوب و نه مورد نیاز امروز جامعه می باشد با توجه به این نکته باید بگوییم اگر اقتصاد را به دو بخش تولید و مصرف تقسیم نماییم حضور مسئولانه در هر دو بخش به این صورت قابل تبیین می باشد.

۴-۷-۱: در بخش مصرف

۱. اهل انفاق بودن

۲. قناعت پیشه بودن

۳. پرهیز از مصرف گرایی

۴-۷-۲: در بخش تولید

کسب تجربیات فعالیت اقتصادی

(ببینید در حال حاضر در برخی مناطق کشور مثل استان یزد در طول تابستان معمول بچه ها در سرکاری مشغول هستند این فعالیت که قطعاً گاه ثروت اندوزانه به آن نداریم و در حد کسب تجربه و مهارت به آن توجه شده بسیار مفید است) بر این اساس می گوییم.

وظیفه یک انجمنی حضور مسئولانه در عرصه های تولیدی اقتصادی به جهت کسب تجربه و مهارت لازم برای اداره آینده کشور می باشد.

۵- مسئولیت پذیری جهادی

«جهاد متقوم بر این دو رکن است؛ یکی اینکه در آن جد و جهد باشد، دیگر این که در مقابل دشمن باشد. اگر کسی بر علیه دولت جد و جهد کند، این جهاد نیست بلکه فتنه و اخلال است»^{۹۰}

^{۹۰} - ر.ک. بیانات رهبر انقلاب در آغاز درس خارج فقه ۷۳/۶/۲۰.

اگر چه در میان حضور مسئولانه و جهادی در واقعیت خارجی تفاوت چندانی وجود ندارد با این حال باید به این نکته توجه داشت که هر کس در هر موقعیتی و مسئولیتی که قرار دارد باید با روحیه جهادی^{۹۱} که آمیخته ای از شور و نشاط و شجاعت و غیرت و سخت کوشی است عهده دار مسئولیت ها شود.

۶- مفهوم شناسی کفایت

کفایت را می توان بر حسب تعبیرات قرآنی و روایی موجود که در توصیف ویژگی های انبیاء آمده این گونه تعریف نمود.

اهلیت و شایستگی «و لقد آتینا ابراهیم رشده من قبل و کنا به عالمین»^{۹۲}

قوه، توانمندی و آگاه «خذالکتاب بقوه»^{۹۳}، «أولی الأیدی والأبصار»^{۹۴}

۷- لوازم و مقدمات

کسب مهارت های لازم به جهت توانمند شدن در تدبیر و راهبری جزو مقدمات و لوازم کفایت به شمار می آید از این رو به ذکر آن دسته از مهارت ها می پردازیم.

۱-۷: خود آگاهی

رحم الله امرء عرف قدره^{۹۵}

در این مهارت هر شخصی باید به درکی صحیح از موارد زیر برسد:

۱- هویت تکوینی و جنسیتی خود را شامل توانمندیها و ظرفیتهای جسمی، روانی و عاطفی است بشناسد و بر اساس آن به مابه التفاوت خود با دیگران برسد.

۲- نقش و جایگاهی که هر فرد بر اساس درکی که از هویت ویژه خود ترسیم کرده را معین نماید.

(به عنوان مثال وقتی در تبیین هویت جنسیتی خود به این نتیجه رسیدیم که زنی با مرد متفاوت است پس طبعاً نقش هایی را که باید بپذیرد نیز متفاوت خواهد شد)

۳- هویت متفاوت، نقشهای متفاوت را در پی خواهد داشت و تفاوت در وظایف و تکالیف را رقم خواهد زد درک این تفاوتها از مهم ترین مهارت های خود آگاهی بشمار می آید.

۹۱ - ر.ک.

۹۲ - انبیا، ۵۱.

۹۳ - مریم، ۲۴.

۹۴ - ص، ۴۵.

۹۵ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱ ص ۱۹۶.

۴- حقوق و امتیازات نیز تابعی است از تکالیف و وظایف در نظام اندیشه دینی حقوقی که به زن تعلق می‌گیرد بر اساس مسئولیتها و تکالیفی است که بر عهده اوست.

۷-۲: مدیریت تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری هم هنر است هم علم، از گردآوری اطلاعات و تحلیل و پردازش آنها به روش علمی مایه می‌گیرد و به شناسایی راه حل‌ها ممکن می‌رسد. انتخاب یکی از راه‌ها نیز اغلب نیازمند به کارگیری احساس و حساسیت‌های انسانی در سنجش نتایج استفاده از روشهای گوناگون حل مسئله است. بنابراین، تصمیم‌گیری موفقیت‌آمیز همان گونه که بر اطلاعات موثق تکیه دارد، بر تشخیص صحیح نیز استوار است.^{۹۶}

۷-۳: برقراری ارتباطات اجتماعی

ارتباط این است که بگذاری مردم تو را بشناسند و درک متقابل با تو پیدا کنند. اگر چنین رابطه‌ای میان تو و دیگران ایجاد شود. به تو توجه خواهند کرد، فرآیند ارتباط، در بر گیرنده مشارکت اندیشه و دریافت تو با دیگران و احساس صداقت با مردم است.^{۹۷}

^{۹۶} - ر.ک. دکتر هشام الطالب، مدیریت و رهبری در تشکلهای اسلامی ص ۱۰۵

مطالب تفصیلی و جزوه‌ها مدیریت گروه همسالان ذکر شده است، سید مهدی موسوی

^{۹۷} - ر.ک. دکتر هشام الطالب، مدیریت و رهبری در تشکلهای اسلامی ص ۲۱۲

این مهارت نیز به طور تفصیلی در جزوه راهبری گروه همسالان به بحث گذاشته می‌شود.

روحیه حماسی و جهادی

۱. اهمیت و اولویت هدف

هر انسانی برای حرکت و رشد به یکسری گرایش ها و روحیه ها نیازمند است. گرایش ها و روحیه ها در واقع موتور محرک و عامل انگیزشی حرکت ها است. بنابراین حرکت ها براساس روحیه ها شکل می گیرد از این رو حرکت ها متفاوتند چون روحیه ها متمایزند. به طور مثال نقش آفرینی یک انسان بزدل کوه فکر غیر از نقش آفرینی انسان جسور بلند پرواز است.

بر این اساس شناخت «روحیه ها» یکی از مهمترین ابعاد تربیتی است که می تواند مسیر حرکت ها و میزان رشد آنها را نشان دهد. قرآن کریم در آیات متعددی روحیه های مختلف افراد و جوامع را نام می برد و به نقش اجتماعی - سیاسی هر یک اشاره می کند.^{۹۸} یکی از این روحیه ها، روحیه حماسی و جهادی است. که در مقابل روحیه هایی چون بی تفاوتی، بی شکل، قاعدین... است. اهل بیت(ع) نیز بر ایجاد این روحیه و حفظ آن تأکید و سفارش نموده اند.

با توجه به شرایط زمانی و مکانی که امروز ما(ایرانیان) در آن قرار داریم. ایجاد و حفظ روحیه حماسی یکی از ضروریات تربیتی است زیرا:

۱. دنیا دار امتحان است و یکی از راه های امتحان بندگان خدا، حضور حماسی و جهادی است..

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ
وَلِيَجْزِيَ اللَّهُ خَيْرًا بِمَا تَعْمَلُونَ^{۹۹}

۲. تقابل حق و باطل از سنت های الهی است که تا ظهور آخرین حجت حق ادامه خواهد داشت. لذا امروز نیز ما در متن این تقابل قرار داریم بخصوص پس از صف آرایی جبهه باطل به رهبری آمریکا، غرب و صهیونیسم و استیلا آنها بر ابزارهای فرهنگی، ارتباطی، علمی و صنعتی برای هدم ارزشها و اصول انسانیت؛ و احیای جبهه حق پس از شکل گیری انقلاب اسلامی ایران به رهبری ولایت فقیه. از این رو براساس رسالت تاریخی ما در این تقابل حساس و سرنوشت ساز، نیازمند روحیه حماسی و روحیه جهادی هستیم. آیا در چنین شرایطی، با هر روحیه ای می توان حرکت کرد؟ آیا حرکت و تلاش در جهت رشد جامعه اسلامی و زمینه سازی برای ظهور آخرین منجی، علی رغم عقب ماندگی چند قرنه ما از جبهه باطل در همه عرصه ها و تنهایی ما در جهان امروز با بی تفاوتی، بی شکلی و نداشتن روحیه حماسی و جهادی ممکن است؟^{۱۰۰}

^{۹۸} ر.ک: صفایی حائری، علی، مسئولیت و سازندگی، قم، لیه القدر، ۱۳۸۸، ص ۲۲۱-۳۳۶.

^{۹۹} توبه/۱۶

^{۱۰۰} امام خمینی(ره) می فرماید:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَالِهِ وَغَيْبَهُ وَلَبَّيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا
وَتَظَاهِرُ الزَّمَانَ عَلَيْنَا^{۱۰۱}

۳. چنانچه روشن است انقلاب فرهنگی ما هنوز به انجام نرسیده و هنوز در میانه راه هستیم و این انقلاب با نهضت تولید علم، نهضت نرم افزاری، جنبش علمی و خیزش فرهنگی میسر است. لذا برای تحقق این بعد انقلاب خصوصا در دهه پیشرفت و عدالت نیازمند انسانهای توانمندی هستیم که بدون در نظر گرفتن موانع داخلی و تحریم های خارجی تحولی بنیادین در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایجاد کنند. و این جز با روحیه حماسی و جهادی محقق نخواهد شد.^{۱۰۲}

۲. جایگاه هدف در نقشه فکری تربیتی

۲/۱. ملت‌هایی که انقلاب می‌کنند و در خطر یا در محیط خطر به سر می‌برند اگر روحیه حماسی و یا روحیه جهادی نداشته باشند انقلابشان ممکن است از مسیر، آرمان‌ها و اهداف اولیه خود منحرف و در مقابله با خطرات، تسلیم شود. از این رو هر تشکل اجتماعی و هر منظومه فکری و تربیتی که در راستای اهداف انقلابی و نظام انقلاب اسلامی ایران شکل می‌گیرد با توجه به اهداف بلند انقلاب و تهدیدات نظامی، اقتصادی و فرهنگی از سوی جبهه باطل لازم است به تقویت روحیه حماسی و جهادی بپردازد. لذا یکی از مهمترین اهداف این منظومه بیان چپستی و ایجاد و تقویت روحیه حماسی و روحیه جهادی باشد.

«مادامی که این ملت، این حالی که الان دارند که توجه به معنویات تا یک حدودی، و این جوانهای ما توجه به معنویات دارند و این تحول عظیم پیدا شده است در آنها که شهادت را با جان و دل می‌خرند، مادامی که این محفوظ است، این جمهوری اسلامی محفوظ است و هیچ کسی نمی‌تواند به او تعدی کند. آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا بشود و شیطان در بین ما راه پیدا کند و راهنمای ما شیطان باشد، آن روز است که ابرقدرتها می‌توانند در ما تأثیر کنند و کشور ما را به تباهی بکشند.» صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۷۷.

مقام معظم رهبری نیز معتقدند:

«عزیزان من! بعضی کسان از اسم جهاد می‌رمند! خیال می‌کنند که تأسیس یک کشور، ایجاد یک تمدن، نظم در زندگی، پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسانها، با جهاد نمی‌سازد و جهاد ضد اینهاست! چه خطایی! چه غلطی! بدون جهاد، هیچ چیز به دست انسان نمی‌آید؛ نه دنیا و نه آخرت. بدون جهاد، در مقابل گرگ بی‌دست و پای بیابان هم نمی‌شود ایستاد؛ چه رسد به گرگهای بسیار بسیار خطرناک دنیای سیاست و دنیای اقتصاد و سرپنجه های خونینی که میلیون ها انسان را دریدند و نابود کردند و خوردند و بردند! مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند سرش را بالا بگیرد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند طعم عزت را ان‌الجهاد باب من؟» بچشد؟ مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند در میان ملت‌های دنیا شأن و موقعیتی پیدا کند همیشه همین طور است و جهاد دری است از درهای بهشت. هم خلد برین الهی؛ یعنی بهشت نشسته. «ابواب الجنه» آخرت، هم راحت در این دنیا؛ یعنی جهاد. در همه کشورها و میان همه ملت‌ها هم این گونه است که اگر قرار باشد جهاد معنای حقیقی به خود بگیرد، بگیرد، باید در آن، موجودهای الگو و انسانهای نماد وجود داشته باشند؛ بدون نماد و بدون الگو نمی‌شود.» بیانات در مراسم صبحگاه لشکر سیدالشهدا(ع) ۱۳۷۷/۷/۲۶.

^{۱۰۱} دعای افتتاح.

^{۱۰۲} مقام معظم رهبری، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲/۲. روحیه حماسی تناسب بسیاری با روحیه نوجوان و جوان دارد لذا استفاده از این روحیه در برنامه های تربیتی و کاری و اجرایی بر جذابیت کار برای نوجوان و جوان می افزاید.

تبیین هدف

۱. مفهوم شناسی

۱/۱. تعریف حماسه

در فرهنگ لغات قاموس آمده است:

«حمس بر وزن فرح یعنی در دین و کار زار، سخت و محکم است، و اسم از این فعل، حمس و احمس است»^{۱۰۳}

ابن اثیر در جلد یک کتابه نهاییه می نویسد: حمس جمع احمس است و آنان طایفه قریش و اولاد آنان و طایفه کنانه و جدیله قیس هستند. آنان حمس نام گرفته اند زیرا در دین خود تحمس یعنی شدت و استواری داشتند. و حماسه، شجاعت است. عادتشان این بود که در مزدلفه وقوف می کردند و در عرفه نمی کردند، و می گفتند: ما اهل خدائیم بنابر این از حرم بیرون نمی شویم. و نیز در حال احرام از در وارد خانه هاشان نمی شدند.

براساس این لغت اهل حماسه دارای دو خصلت ۱. شدت و استواری، ۲. حرکت خلاف عادت هستند. از همین رو است که «پهلوانان نمی میرند» چون شجاعت و مقاومت را با غیرت و آزادگی همراه کرده اند و همیشه پای در آنجایی می گذارند که دیگران را پای رفتن نیست.

استاد شهید مطهری در معنای لغوی حماسه معتقد است:+

«کلمه حماسه به معنی شدت و صلابت است، و گاه به معنی شجاعت و حمیت استعمال می شود.»^{۱۰۴}

بنابراین می توان گفت حماسه، افتخار و نازیدن به چیزی یا موضوعی که یادآوری او هیجان در روح او به وجود آورد و او را به حرکت درآورد و آماده دفاع کند.^{۱۰۵}

۱/۲. روحیه حماسی

^{۱۰۳} مرتضی مطهری، حماسه حسینی، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۶۲۳.

^{۱۰۴} همان، ص ۲۴.

^{۱۰۵} همان، ص ۶۳۵.

شخصیت حماسی آن است که از لحاظ روحی غیرت و حمیت و شجاعت و سلحشوری را تحریک کند و از لحاظ بدنی خون را در عروق به جوش آورد، به بدن نیرو و حرارت و چابکی و چالاکی ببخشد، در واقع حیات تازه به بدن بدهد، به عبارت دیگر روحیه انقلاب و ثوره ایجاد کند، حس مقاومت در مقابل ستم و ستمگر به وجود آورد.^{۱۰۶}

«یک شخصیت حماسی، آن کسی است که در روحش این موج وجود دارد، یک روحیه متموجی از عظمت، غیرت، حمیت، شجاعت، حس دفاع از حقوق و حس عدالتخواهی دارد.»^{۱۰۷}

استاد حاج علی اکبری نیز معتقد است: حماسه یعنی بیرون آمدن از خود، از خود گذشتگی و ایثار با نیت خدمت به خلق و با نیت پیشبرد مقاصد انسانی و الهی.^{۱۰۸}

با توجه به این تأمل مفهومی روشن می شود که روحیه حماسی یک آموزه درکنار سایر آموزه های تربیتی نیست بلکه اصل حاکم و روح غالب بر نظام تربیت اسلامی در بعد اجتماعی است. یعنی کسی می تواند در حوزه جامعه و سیاست مفید واقع شود که روحیه حماسی در وجود او جریان داشته باشد.

۱/۳. جهاد

جهاد در لغت مشتق از ریشه جهد به معنای وسعت قدرت، توان، طاقت، نیرو، نهایت تلاش و مشقت و سخت کوشی است.^{۱۰۹}

جهاد در اصطلاح فقها، گذشتن از جان و مال برای اعتلا و بالا بردن کلمه اسلام و برپا داشتن شعائر اسلام است. از این رو «جهاد به مفهوم وسیع کوشش است و معنی لازم و غیر مفارق آن، جنگ و منازعه نیست، زیرا سعی و کوشش در راه خدا همان طور که با شدت و عنف و جنگ و ستیز انجام می گیرد ممکن است با وسائل مسالمت آمیز، هم، صورت گیرد»^{۱۱۰}

از نظر بسیاری از فقهاء، جهاد به معنای جنگ کردن در راه رشد پیام حق است و شامل کوشش های غیر نظامی نیز می شود. جهاد تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکاری، خواه نظامی باشد، یا اقتصادی، یا فرهنگی و یا سیاسی همه را در بر می گیرد.^{۱۱۱}

^{۱۰۶} همان، ص ۳۶۰.

^{۱۰۷} همان، ص ۳۵.

^{۱۰۸} دوماهنامه خیمه معرفت، ش ۱۴، ص ۲۰۴.

^{۱۰۹} راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۰۸.

^{۱۱۰} مجددی خدوری، جنگ و صلح، ص ۸۵.

^{۱۱۱} مصباح یزدی، محمد تقی، جنگ و جهاد در قرآن، قم، موسسه امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۹؛ صفایی حائری، علی، قیام، قم، لیلۃ القدر، ۱۳۸۲، ص ۱۹.

۱/۴. روحیه جهادی

مجاهد کسی است که هر چه از قدرت و توان و طاقت و نیرو در اختیار دارد، در طبق اخلاص نهد و تا آخرین حد وسع و امکانات خود در طوفان حوادث و بلاها و در سنگلاخ و گردباد شداید و سختی، به مال و جان و دست و زبان، در حمایت از دین حق بکوشد و در راه اعتلای کلمه حق و حیات اسلام ذره‌ای از بذل و ایثار آنچه دارد، دریغ نوزد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^{۱۱۳} ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می‌بخشد؟! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید این برای شما از همه چیز بهتر است اگر بدانید.»

از این رو مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها.»^{۱۱۳}

۲. قلمرو حماسه و جهاد

براساس تعریف ما از جهاد، جهاد فقط مربوط به حوزه جنگ‌های نظامی نیست، بلکه شامل تمام تلاش‌های انسان مؤمن در حفظ، تقویت و پیشبرد جبهه حق در مقابل جبهه باطل است لذا شامل تلاش‌های سیاسی، فکری، دانشگاهی، علمی، فرهنگی، سازندگی، اقتصادی و ... می‌شود.^{۱۱۴} قرآن کریم نیز قیام برای خدا در همه عرصه‌ها را موعظت فرموده است:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ»^{۱۱۵}

مقام معظم رهبری درباره قلمرو جهاد می‌فرماید:

«جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم: مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم؛ همه‌ی اینها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالت، انسان پایش را

^{۱۱۳} . صف، ۱۰ - ۱۱.

^{۱۱۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کشاورزان، ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.

^{۱۱۴} مصباح یزدی، پیشین، ص ۲۰-۲۱.

^{۱۱۵} سبأ، ۴۶.

روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمیگویند. مبارزه آن جایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آنها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند.^{۱۱۶}

«جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود.»^{۱۱۷}

۳. بهترین الگوها

براساس آیات قرآن کریم، انبیا الهی و پیروان راستین آنها همچون اصحاب کهف از بهترین الگوهای روحیه حماسی هستند. به طور مثال حضرت ابراهیم(ع) شاهد بسیار روشنی برای این مقصود است. قرآن در آیات ۵۱ تا ۶۹ سوره می‌فرماید:

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ^{۱۱۸}... قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ^{۱۱۹}

این سنت جاودان ابراهیم و ملت اوست؛ بنابراین پس از ابراهیم، ملت او عهده‌دار قیام علیه طاغوت و اشرار هستند.

«و من یرغب عن مله ابراهیم الا من سفه نفسه و لقد اصطفیناه فی الدنیا و انه فی الآخرة لمن الصالحین»^{۱۲۰}

حضرت اسماعیل نیز از دیگر الگوهای روحیه حماسی است.

همچنین جوانی حضرت موسی وقایع زندگی او نمونه زیبایی از روحیه حماسی است.^{۱۲۱}

در میان انسان‌های مؤمن، اصحاب کهف نیز از جایگاه بسیار مهمی برخوردارند به طوری که قرآن از آنها با عنوان جوانان یاد می‌کند:

^{۱۱۶} دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب ۸۳/۸/۲۰.

^{۱۱۷} دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب به مناسبت عید فطر، ۱۳۸۷/۰۷/۰۱.

^{۱۱۸} انبیا/۵۱.

^{۱۱۹} انبیا/۶۰.

^{۱۲۰} بقره، آیه: ۱۳۰.

^{۱۲۱} قصص/۱۴-۴۸.

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا؛ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا^{۱۲۲}

آسیه و مریم نیز الگوی حماسی زنان قرآنی است.^{۱۲۳}

پس از انبیا(ع)، نمونه کامل روحیه حماسی و جهادی به طور تام را در نبی خاتم اسلام(ص) و اهل بیت مکرّم ایشان(ع) است. و در این دوره نیز عاشورا تبلور کامل حماسه و جهاد است جوانانی چون حضرت ابوالفضل و علی اکبر، قاسم و زانی چون زینب و سکینه و همسر زهیر نمونه عالی در روحیه حماسی و جهادی مردان و زنان مسلمان هستند.

استاد مطهری می گوید:

«امام حسین علیه السلام یک سوژه بی نظیری است در اسلام از نظر تجدید حیات اخلاقی و اجتماعی اسلام، و از نظر برانگیختن احساسات انقلابی و حماسی، و از نظر ایجاد و تکوین شخصیت. امام حسین حماسه اسلامی را زنده کرد و به این جهت به اسلام حیات بخشید. امام حسین اسلام را زنده کرد، تجدید حیات کرد، با خون خود نیرو داد و آبیاری کرد. شخصیت حسین(ع) و تاریخچه حسین(ع) حماسی بود یعنی در روحها غیرت، مردانگی، آزادگی بخشید و بردگی و ترس را از میان برد و خونها را به جوش آورد. به این نحو که حماسه اسلام را احیا کرد، به روحها شخصیت، حریت، غیرت، آزادگی، ایده آل داد و خونها را به جوش آورد، رخوت را از بدنها گرفت و روحها را به حرکت آورد، حماسه مبارزه با کفر، ظلم، ستم را احیا و تجدید کرد. امام حسین(ع) در ملت اسلام حماسه و غیرت ایجاد کرد، حمیت و شجاعت و سلحشوری به وجود آورد، خونها را به جوش آورد.»^{۱۲۴}

و در عصر ما مجاهدانی چون شیخ فضل الله نوری، رئیس علی دلواری، میرزا کوچک خان جنگلی، نواب صفوی و بخصوص امام خمینی (ره) و شاگردان حماسی و جهادی مکتب ایشان همچون مطهری، بهشتی، باهنر، مفتاح، رجایی، چمران، آوینی، همت، کاظمی، و... هستند. به طور خلاصه شهدا نمونه اعلاّی روحیه حماسی هستند:

«آنهایی که مثل شعله هائی در یک ظلمتهائی درخشیدند و جان خودشان را فدا کردند، از آنهایی که سراسر وجودشان حماسه الهی بود، سراسر وجودشان حق خواهی و حق پرستی بود، آنهایی که پرچم توحید را در دنیا به اهتزاز درآوردند و مستقر کردند، آنهایی که منادی عدالت بودند، منادی حریت و آزادی بودند. ما و شما که اینجا نشسته ایم مدیون قطرات خون آنها هستیم، مدیون حماسه های آنها هستیم.»^{۱۲۵}

^{۱۲۲} کهف/۹-۱۰.

^{۱۲۳} تحریم/۱۱۱.

^{۱۲۴} مطهری حماسی حسینی، ص ۶۳۰.

^{۱۲۵} همان، ص ۴۱ - ۴۳.

۴. روحیه حماسی و فرهنگ بسیجی

یکی از مهمترین کلید واژه های روحیه حماسی در کلام امام و رهبری فرهنگ و تفکر بسیجی است. امام خمینی(ره) در پیام عارفانه خود بسیج را این گونه توصیف می کند:

«تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروه های فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت طلبی، کشور و انقلاب را بیمه کردند. ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوات یقین حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده اند. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام.»^{۱۲۶}

در این نگرش بسیج دیگر صرفاً سازمانی نظامی نیست که فقط در زمان جنگ و برای دفاع در مقابل دشمن شکل گرفته باشد، بلکه نهادی است وسیع و پاسخگوی نیازهای اساسی و حیاتی جامعه و با اجزای دیگر نظام، از این رو بسیج مستضعفین یک جریان و تفکر دینی و فرهنگی است که دارای مؤلفه ها و شاخصه هایی است که اگر در جامعه ای منتشر شود نوید پیروزی و موفقیت های مختلف را آن جامعه می دهد. امام راحل رحمه الله در این باره چنین می فرمود:

«اگر به کشوری، نوای دل نشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان خواران از آن دور خواهد شد؛ و الا، هر لحظه باید منتظر حادثه ماند.»

مقام معظم رهبری نیز می فرماید:

«بسیج یعنی حضور در میدانهایی که نظام اسلامی، وظیفه انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور او را در آن میدانها، لازم می داند و او را به آنها فرا می خواند.»^{۱۲۷}

مقام معظم رهبری در تبیین فرهنگ و تفکر بسیجی فرمودند:

^{۱۲۶} پیام امام خمینی ۶۷/۹/۲
^{۱۲۷} بیانات مقام معظم رهبری در ۸۰/۸/۲۱

«فرهنگ بسیجی، فرهنگ معنویت است، فرهنگ شجاعت است، فرهنگ غیرت است، فرهنگ استقلال و آزادی است. فرهنگ اسیر خواست های حقیر نشدن است، خواسته های زندگی برای همه مهم است، اما آنچه مهمتر است آرمانها است، ارزشها، هدف است، آنها را باید مقدم داشت.»^{۱۲۸}

۵. نسبت حماسه و جوان

با توجه به مؤلفه های تربیت حماسی و روحیه جهادی، این روحیه بیشترین تناسب و قرابت را با روحیه جوان دارد چون جوان:^{۱۲۹}

۴/۱. به دنبال اظهار وجود و اثبات شخصیت خود است؛

۴/۲. دارای شور، حرارت و انرژی زاید الوصفیند؛

۴/۳. آرمان طلبند و آرزوهای بزرگی را در سر می پروراند؛

۴/۴. میل به خلاقیت و نوآوری دارند؛

۴/۵. به دنبال آزادی از تعلقات مختلفند؛^{۱۳۰}

۴/۶. از توان جسمی بسیاری بر خورند.

با توجه به این خصیصه های مذکور، روشن می شود که روحیه حماسی و جهادی نسبت بسیار زیادی با جوانی دارد به طوری که جوان می تواند تجلی کامل این روحیه باشد و در مقابل، روحیه حماسی و جهادی می تواند این استعداد های جوان را شکوفا سازد و هدایت کند.

۶. حماسه و جنسیت

بی شک یکی از مقوله های بسیار مهم که توجه جنسیتی بدان بسیار مهم است مقوله روحیه حماسی است زیرا براساس هویت مستقل زن و مرد، تفاوت نقش ها و تفاوت وظایف آنها، روحیات نیز متمایز می شود. یکی از این تمایزها، تمایز در مؤلفه های روحیه حماسی و جهادی آنان است. اگر چه اصل وجود این روحیه بسیار مهم و همگانی است و زن و مرد

^{۱۲۸} فرهنگ بسیجی در کلام رهبری / ص ۱۱۴

^{۱۲۹} فلسفی، محمد تقی، جوان، تهران، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۳۰؛ خامنه ای، سید علی، کودک، نوجوان، جوان از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.

^{۱۳۰} فلسفی، همان، ص ۲۱۵.

نمی شناسد و همگان در هر شرایطی می بایست با این روحیه وارد عمل سیاسی و اجتماعی شوند اما به علت تفاوت نقش ها و مسئولیت ها، رفتار حماسی و جهادی زنان متفاوت می شود.^{۱۳۱}

۷. روحیه های مقابل روحیه حماسی و جهادی

قرآن کریم در مقابل مجاهدین از قاعدین نام می برد:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ
الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى
الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^{۱۳۲}

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطُّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ
رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ لَكِنَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^{۱۳۳}

همچنین در عرصه های غیر نظامی نیز می گوید:

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ^{۱۳۴}

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَى مَكَاتَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ وَاتَّقُوا إِنَّا مَتَّعِرُونَ^{۱۳۵}

بنابراین این عوامل را می توان در سکوت و بی غیرتی برخی از افراد جامعه دانست: بی شکل(منافق)، مغرور، معاند، لجوج
بی اعتنا، متنفر بدبین و شکاک، مایوس و رنج دیده، پوچ و خسته و دلزده، لیز و دنیا زده، سرد و سر در لاک، خونسرد و
بی رگ و بی تفاوت، سست عنصر و ترسو.^{۱۳۶}

۸. آثار روحیه حماسی:

۸/۱. هدایت الهی

^{۱۳۱} در جزوه رفتار حماسی بدان پرداخته خواهد شد.

^{۱۳۲} نسا/۹۵.

^{۱۳۳} توبه/۸۶-۸۸.

^{۱۳۴} نسا/۱۴۲.

^{۱۳۵} هود/۱۲۱-۱۲۲.

^{۱۳۶} صفایی، علی، مسئولیت و سازندگی، ۲۲۱-۳۲۷.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ^{۱۳۷}

۸/۲. ایجاد شخصیت

«یکی از خواص حماسه روحی اجتماعی داشتن اینست که مانع جذب شدن فرد یا اجتماع در فرد و اجتماع دیگر است، چون احساس شخصیت و منش و استقلال است. از ملتی هر چیز منهدم شود قابل جبران و اصلاح است مگر حماسه ملی و روح ملی که ملت را به دنبال خود می برد.»^{۱۳۸}

۸/۳. استقلال فکری

«استقلال فکری و حماسه داشتن، با اقتباس خوبیهای علمی، فنی، هنری و غیره از دیگران منافات ندارد. چیزی که هست باید در هاضمه خود هضم برد نه اینکه در هاضمه آنها هضم شد. ما ایرانیها این عیب را داریم که بیش از هر ملیت دیگر تسلیم شعارهای پوچ بیگانگان می شویم. در عین اینکه نسبت به حقایق تعصب نداریم، نسبت به شعارهای پوچ بیگانه هم زود تسلیم می شویم.»^{۱۳۹}

۸/۴. احترام به داشته های خود

«احترام به سنن و نظامات سالم یکی از علائم حماسه داشتن است. تغییر خط، تغییر لباس، تبعیت در اسم گذاری از قبیل ژیل و روژی و غیره، در مد لباس، در لباس پوشیدن، در به کار بردن الفاظ آنها، تابلوها را به نام آنها کردن، عید ژانویه بیگانه را بر عیدهای ملی و مذهبی مقدم داشتن و گفتن «بای بای»، «گودبای»، بالاخره پذیرفتن شعارهای بیگانه دلیل بر عدم استقلال روحی و عدم حماسه است. به قول اقبال باید گل کوزه ما به دست خودمان تهیه شود نه به دست دیگران. و باز به قول او باید آهن باشیم تا نان داشته باشیم، نه به قول موسولینی: باید آهن داشته باشیم تا نان داشته باشیم. اقبال می گوید: باید صلابت و حماسه داشته باشیم، موسولینی می گوید: باید زور داشته باشیم.»^{۱۴۰}

۸/۵. آمادگی و کسب قدرت

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ»^{۱۴۱}

^{۱۳۷} عنکبوت/۶۹

^{۱۳۸} مطهری، حماسه حسینی، ص ۶۳۰.

^{۱۳۹} همان، ص ۶۳۲.

^{۱۴۰} همان، ص ۶۳۲.

^{۱۴۱} انفال/۶۰

«ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.»^{۱۴۲}

۸/۶. همت مضاعف و کار مضاعف با استفاده از تمام فرصت ها و استعدادها

«روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها.»^{۱۴۳}

۸/۷. اعتماد به جوانها^{۱۴۴}

۸/۸. سرعت در کنش و رفتار^{۱۴۵}

۹. مؤلفه های روحیه حماسی

۹/۱. حق محوری، حق طلبی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی

حساسیت نسبت به اوضاع و احوال جهان از دیگر مختصات تفکر بسیج است خواسته بسیجی، نجات همه آحاد بشر و رفع فساد و فقر و تبعیض و بی عدالتی و سلطه دشمن است. او از این که زیر پرچم امریکا یا دیگر قدرتهای بیگانه زندگی بکند و مثل حیوانات گدازان عمر کند، بیزار است. برای او فرق می کند و مهم است که چه کسی بر کشور او فرمان براند: یک انسان فاسد و فاسق و فاجر و مزدور بیگانه، یا بنده صالح خدا. لذا مشارکت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنگاه مشارکتی سازنده و اثر بخش خواهد بود که روحیه حق طلبی و عدالت خواهی در جامعه وجود داشته باشد تا افراد جامعه به طور زنده و پویا حضور فعال داشته باشند و بواسطه این روحیه است که ارزشها در جامعه ایجاد و مستحکم می شوند.

قرآن کریم می فرماید:

«ولا تتركوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار و مالکم من دون الله من اولياء ثم لا تتصرون»^{۱۴۶}

^{۱۴۲} صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴.

^{۱۴۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کشاورزان، ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.

^{۱۴۴} همان.

^{۱۴۵} حاجی علی اکبری، محمد جواد، پیشین، ص ۱۹۳.

^{۱۴۶} هود، آیه: ۱۱۳.

در دیدگاه اسلام معیار تمامی رفتارها حق است و قرآن کریم از مردم در خواست می کند تا در زندگی خود بر مدار حق حرکت نمایند و آنها را از رفتار به باطل و غیر حق، بر حذر داشته است.^{۱۴۷}

«یا ایها الذین ءامنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجر منکم شنئان قوم علی الا تعدلوا، اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون؛^{۱۴۸}»

«یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانۀ من دونکم لا یالونکم خیالاً ودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر؛^{۱۴۹}»

امام خمینی(ره) در این باره می فرماید:

«ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود، و نه زیر بار ظلم می رفت و ما هم می خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم نه زیر بار ظلم برویم.»^{۱۵۰}

«من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسؤولان عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگ ترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصاً امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند؛ لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - موج می زند... بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد...»^{۱۵۱}

۹/۲. مروت و فتوت

جوانمردی و فتوت یکی از وجوه تجلی ملی ایرانیان و ثمره اخلاق و عرفان اسلامی است که در طی تاریخ، موجبات استحکام فکری و معنوی جمعی از جوانان را فراهم ساخته و همواره سدی در برابر دشمنان این مرز و بوم آفریده است. فتوت واژه‌ی عربی و مشتق از لغت «فتی» که جمع آن فتیان است، بر مفهوم جوانی - از پانزده تا سی سالگی - دلالت می‌کند. معادل فارسی این واژه، «جوان» است. این واژه به صورت های مختلف هشت بار در قرآن مجید به کار رفته است.^{۱۵۲} «جوانمردی» که معادل فارسی فتوت است، همان جوانی است.

^{۱۴۷} توبه، آیات: ۳۳-۳۴.

^{۱۴۸} مائده، آیه: ۸.

^{۱۴۹} آل عمران: آیه ۱۱۸.

^{۱۵۰} صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۶۸.

^{۱۵۱} صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۴.

^{۱۵۲} نسا / ۲۵، یوسف / ۳۰ و ۳۶ و ۶۲؛ کهف / ۱۰ و ۱۳ و ۶۳؛ انبیاء / ۶۰.

در فتوت نامه ی عبدالرزاق کاشانی می خوانیم:

«جوامرد انسان آزاده ای است که برای رسیدن به مرتبه ی او بایستی مراحل را سپری کرد. مرحله ی نخست مرحله ی مروت است، اما مراد از آن مروت، خصوصیتی است که انسانیت انسان را تشکیل می دهد ... وقتی می توان سخن از فتوت (جوامردی) به میان آورد که همه ی عوامل شررها شده و نیروهای ناشی از خیر بر شر چیرگی یافته و فضیلت و عدالت و نجابت مصداق پیدا کرده باشد.»^۲

عنصری نیز می سراید:

جوامردی از کارها بهتر است جوامردی از خوی پیغمبر است

دو گیتی شود بر جوامرد راست جوامرد باش و دو گیتی تراست.^{۱۵۳}

ابراهیم خلیل الرحمن (علیه السلام) را ابوالفتیان نامیده اند. و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را سید جوامردان دانسته اند و علی (علیه السلام) بهترین مثال یک جوامرد حقیقی و کامل است که همه سلسله های فتوت اسلامی خود را به او پیوند می زنند. جوامردان علی (علیه السلام) را «منبع عین فتوت و معدن جود و مروت»^{۱۵۴} و «قطب مدار فتوت» لقب داده اند و به موجب آواز هاتف غیبی در جنگ احد که ندا داد: «لافتی إلا علی لاسیف إلا ذوالفقار» او را «شاه مردان» خواندند.

۹/۳. ولایت مداری، تولی و تبری^{۱۵۵}

در فرهنگ شیعه «تولی» و «تبری» شرط اساسی پذیرش اعمال صالحه است و بدون داشتن این دو هیچ عملی پذیرفته نیست مثل آن می ماند که شخص هیچ گونه عمل خیری انجام نداده باشد.

اتجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشیرتهم أولئك کتب فی قلوبهم الايمان و ایدبهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه أولئك حزب الله ألا ان حزب الله هم المفلحون؛^{۱۵۶} هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه ی دلهایشان نوشته، و با روحی از ناحیه ی خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می کند که

^۲ هانری کربن، ص ۱۴.

^{۱۵۳} محمد ریاض، فتوت نامه، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶.

^{۱۵۴} میر سید علی همدانی، رساله فتوتیه، به تصحیح محمد ریاض، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، مقدمه.

^{۱۵۵} ممتحنه/۴-۶ ر.ک: جزوه ولایت مداری.

^{۱۵۶} سوره ی مجادله، آیه ی ۲۲.

نهرها از زیر(درختانش) جاری است، جاودانه در آن می مانند؛ خدا از آنها خشنود است و آنان (نیز) از خدا خشنودند، آنها «حزب الله» اند، بدانید «حزب الله» پیروز و رستگارند.

۹/۴. استقامت و پایداری

خداوند در سوره فصلت از استقامت مردان الهی ستایش کرده و می فرماید:

«ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الاتخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنة التي كنتم توعدون؛^{۱۵۷} کسانی که می گویند: پروردگار ما خداست و براین عقیده و ایمان پایداری می مانند و ایستادگی می کنند فرشتگان بر آنان فرود می آیند و می گویند: بیم مدارید و غمگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.»

در تفکر حماسی، انسان مؤمن همچون سنگ زیرین آسیاب است که باید با فداکاری و ایثار در راه تعالی و پیشرفت جامعه با جان و دل بکوشد. لذا باید توانایی تحمل فشارها و استقامت روحی در برابر مشکلات را داشته باشد. و یکی از شرایط مدیریت حماسی و بسیجی استقامت، پیشگامی و پیش قدمی است.^{۱۵۸} پایداری و استقامت در این راه، جز عمل به تکلیف و نهراسیدن از توفان‌ها و تسلیم نشدن و خروشدن نیست. امام خمینی می گوید:

«خداوند انشاءالله به شما سلامت و سعادت عنایت کند، و استقامت که بالاترین نعمت است. قیام برای خدا و استقامت در آن قیام. تا اینجا قیام کردید و پیروز شدید؛ اگر استقامت کنید پیروزی شوید. اگر استقامت کنید این افرادی که در صدد توطئه هستند ریشه کن خواهند شد.»^{۱۵۹}

۹/۵. رفق، مدارا، عفو، بخشش، عیب پوشی

یکی دیگر از صفات جوانمردان و حماسیون، گذشت است چنانچه یوسف نسبت به برادران خود چنین نمود.^{۱۶۰}

۹/۶. اخوت، برادری، همگرایی^{۱۶۱}

قرآن کریم، انسانها را به توجه به جمع و جامعه نیز سفارش نموده و در صدد است که انسان را از حیطة فرد گرایی صرف به جامعه بکشاند و فرد و جامعه را در یک تعامل دو سویه در مسیر تعالی و پیشرفت یکدیگر تبیین کند. قرآن کریم به

^{۱۵۷} فصلت، آیه: ۳۰.

^{۱۵۸} صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۶۳-۴۶۴.

^{۱۵۹} صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۴.

^{۱۶۰} یوسف/۹۲.

^{۱۶۱} سبا/۲۶، آل عمران/۲۰۰؛ صفایی حائری، وارثان عاشورا، ص ۲۲۲.

مسئله مسؤولیت اجتماعی^{۱۶۲} و توجه به امور همنوعان توجه ویژه ای نموده و از انسانها خواسته است که با یکدیگر در ارتباط باشند و در امور مختلف پشتیبان و متوجه هم باشند.^{۱۶۳} پیامبر اکرم فرمود:

«مثل مؤمنان در ترحم و دوست داشتن یکدیگر، مانند پیکر واحدی است که اگر عضوی را ناراحتی برسد باعث تب و بیداری از خواب دیگر اعضای او گردد.»^{۱۶۴}

۹/۷. شجاعت، قدرت مواجهه با بحران، نترسیدن از مشکلات، اهل خطر کردن

قرآن کریم شجاعت و صلابت در راه احیای حق را یکی از مهمترین ویژگی های مومنین می شمارد و با اشاره به اراده فولادین آنان در راه حق می فرماید:

«بجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم؛^{۱۶۵} آنان در راه خدا جهاد و تلاش می کنند و از ملامت و نکوهش ملامتگران ذره ای باک ندارند.»

انسان حماسی اهل شجاعت و خطر است. گرچه شجاعت یک صفت اخلاقی است ولی مهمترین نماد اخلاقی و رفتاری یک فرد در زندگی اجتماعی است. فرد شجاع کسی است که دارای هویت دفاعی است و در راه حفظ ارزشها جرأت برخورد با عوامل دشمن را دارد. اگر شجاعت به عنوان یک فرهنگ عمومی در جامعه ما وجود داشته باشد و همه آحاد مردم صلابت و شهامت در راه دفاع از اسلام و ارزشهای دینی را داشته باشند، بدون شک کیان اسلامی از هر خطری مصون خواهد بود. حضور مقتدرانه در دفاع مقدس و خلق حماسه های پرشور بسیجیان در صحنه های نبرد نشانه های عینی از شجاعت بسیجیان در صحنه های دفاع می باشد که از مهمترین شاخصه های حماسه نیز می باشد. امام خمینی یادآور می شوند:

«بحمدالله مردم ما همه آگاه و مهیا هستند و شما می بینید این ارتشی ها و پاسدارها و بسیج و سایر نیروها در جبهه چه می کنند. آنها وقتی می خواهند به خط مقدم بروند، انگار که به حجله عروسی می روند و حتی صدر اسلام هم این چنین وضعی را کمتر به خود دیده است.»^{۱۶۶}

۹/۸. عشق، ایثار، فداکاری و شهادت طلبی^{۱۶۷}

^{۱۶۲} آل عمران، آیه ۱۰۴.
^{۱۶۳} آل عمران، آیه: ۲۰۰.
^{۱۶۴} مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۰، روایت ۲۹، باب ۴۳.
^{۱۶۵} مائده، آیه: ۵۴.
^{۱۶۶} صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۴.
^{۱۶۷} انعام/۹۰؛ یونس/۷۲؛ هود/۲۹ و ۵۱؛ قلم/۴۶

امام علی(ع) در خطبه ای از نهج البلاغه با عباراتی حسرت بار از یاران حماسه ساز شهیدش چنین یاد می کند:

«... بندگان نیک خداوند آهنگ رفتن کردند، و ارزش های ناچیز و ناپایدار دنیا را بر ارزش های فراوان و فناپذیر آخرت، ترجیح ندادند. آری، برادران هم‌مرمی که خونشان در صفین فرو ریخت، از این که امروز زنده نیستند تا خوراکشان غم و نوشابه شان خوناب دل باشد هیچ زیانی نکرده اند. با جرأت بر این حقیقت تأکید می کند که آنان به دیدار خداوند شتافتند؛ پس پاداششان را به کمال پرداختند و در پی سال های نگرانی و ترس، در سرای امنیت مقام یافتند. کجایند آن برادران من که در راه روشن حرکت کردند و بر مبنای حق پیش رفتند؟ عمار کجا است؟ ابن تیهان کجا است؟ ذو شهاتین کجا است؟ و کجایند آن یاران عزیز و برادران هم‌مرمشان که با مرگ پیمان بستند و سرهایشان چونان پیامی به سوی بدن روانه شد؟»

چون سخن به اینجا رسید، حضرت دست خویش را به سیما و محاسن مبارکش کوفت و پس از آن گریه ای طولانی فرمود:

«آری، آنان به جهاد دعوت شدند؛ پس با دل و جان پذیرایش گشتند و با اعتمادی که به رهبر خود داشتند، حرکتش را پی گرفتند.»^{۱۶۸}

چنان که مولا فرموده است روحیات حماسی و جهادی شهادت را در آغوش می گیرد:

«مجاهدان شهادت طلب چنان به سوی خدا پر می کشیدند که تشنگان به جانب آب. بهشت در پرتو آذرخش نیزه ها است. امروز خبرها در بوته آزمون ارزیابی می شوند و به خدا سوگند که اشتیاق من به صحنه نبرد و رویارو شدن با دشمن، بیش از شوقی است که آنان به خانمان خود دارند.»^{۱۶۹}

۹/۹. غیرت دینی

غیرت به معنای رشک و حسد مردانه و سرشار از صفات آن است و در تداول فارسی زبانان به معنای حمیت و محافظت عصمت و آبرو و ناموس و نگهداری عزت و شرف آمده است.^{۱۷۰} علمای اخلاق نیز غیرت را چنین تعریف کرده اند، غیرت و حمیت، یعنی تلاش در نگهداری آنچه که حفظش ضروری است، این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می گیرد و یکی از ملکه های نفسانی انسان و سبب مردانگی است و مرد بی غیرت از زمره مردان خارج است.^{۱۷۱}

^{۱۶۸} نهج البلاغه: خطبه: ۱۸۱.

^{۱۶۹} نهج البلاغه: خطبه: ۱۲۴.

^{۱۷۰} لغت نامه دهخدا، واژه غیرت.

^{۱۷۱} نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۶.

منظور از غیرت دینی، این است که انسان مسلمان نسبت به کیان اسلام و آنچه بدان مربوط می شود حسّاس باشد، با تمام توان در اثبات و اجرای آن بکوشد و از کوچکترین خدشه و تعرّضی نسبت به آن جلوگیری کند. بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلّم و... می تواند در راستای غیرت دینی قرار گیرد، چرا که هر یک از موارد یاد شده از یک سو، در تحکیم احکام اسلام مؤثر است و از سوی دیگر، با ضدّ آن سرستیز دارد.

۹/۱۰. احساس مسئولیت، اهل حرکت و اقدام، و نه اهل شعار صرف

خصیصه احساس سئولیت به عنوان اساسی ترین عامل پیشرفت در کارها، نقش بسیار مهمی را در فعالیت‌های تشکیلاتی دارد. انسان مسلمان بر طبق آموزه های دینی نسبت به مسائل اجتماعی در جامعه خود و همکاران کاملاً مسئول شناخته می شود. بر اساس این آموزه، در روحیه حماسی، میل به اقدام و عمل نهفته است و از شعاری رفتار کردن پرهیز دارد.

از این رو آنان که تفکر حماسی و جهادی را طالبند، بایستی در میدان حراست از استقلال و عزت و اراده ملت خود، فداکار و با انگیزه و مسئولیت پذیر باشند. هر جا که ضرورت و نیاز باشد در آن جا حاضر است و مسئولیت حرکت، اصلاح، حراست و مقاومت و پیشرفت را به عهده می گیرد. لذا اینان تماشایی نیستند و نمیتواند در گوشه ای بنشینند و برای دیگران هورا بکشند بلکه بر اساس تکلیف دینی و انقلابی خود در مسائل اجتماعی حضور پیدا می کند و نقش می آفرینند.

۹/۱۱. عزت، اعتماد به نفس، کرامت

قرآن کریم عزت و سربلندی را نزد خداوند و رسول او و مؤمنین معرفی می کند.^{۱۷۲} از این رو اسلام جامعه‌ای عزیز و مستقل و متکی به خود می‌خواهد، و نمی‌پسندد که یک ملت مسلمان، زبردست و تو سری خور یک ملت غیر مسلمان بوده باشد:^{۱۷۳}

«لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً؛^{۱۷۴} خداوند نمی‌پسندد که کافران بر مسلمانان سیطره و تسلط داشته باشند».

بر اساس اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی باید مسدود گردد^{۱۷۵} از این رو روحیه حماسی مبتنی بر عزت نفس، اعتماد به خود و حفظ کرامت ذاتی خویشان است و سر تعظیم در مقابل باطل فرو نیاورد.

^{۱۷۲} منافقون، آیه: ۸.

^{۱۷۳} مرتضی مطهری، ده گفتار،

^{۱۷۴} سوره نساء، آیه. ۱۴۱.

^{۱۷۵} برای مطالعه بیشتر در مورد مستندات فقهی این اصل ر. ک: بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۵۷ - ۱۶۱.

۹/۱۲. آزادی از تعلقات مادی ۱۷۶

امام خمینی می فرماید:

«قال الله تعالى: قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی و فرادا؛ ... خدا خواه! ای خدا خواهان حق پرست! ای حق پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطنخواه! ای وطنخواهان با ناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفع های شخصی کرده تا به همه سعادت های دو جهان نائل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید: ان لله فی ایام دهرکم نجات الا فتعرضوا لها.»

۹/۱۳. تعهد، امانت و وفاداری

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ^{۱۷۷}

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا^{۱۷۸}

۹/۱۴. تحول خواهی، اصلاح طلبی^{۱۷۹}

تحول گرایی در مقابل تحجر و جمود یکی از اصول مهم حضور حماسی است. تحجر گرایی به معنای در جازدن و تثبیت همه روش ها، سنت ها و آداب در جامعه با تحول گرایی در تعارض است از این رو قرآن کریم به ذم و نکوهش مردمانی می پردازد که از هر گونه نوخواهی و تحول می هراسند و به تمامی سنت های پدران خود وابسته اند و هرگز حاضر به جدا شدن از آنها نیستند. تعصب و تقلید دو نتیجه تحجر گرایی و جمود است که راه را بر اصلاح و پیشرفت جامعه می بندد.^{۱۸۰}

۹/۱۵. خود باور، آرمان خواهی، بلندنگری

«طبیعت دانشجو آرمان گرایی است؛ باید هم آرمان گرا باشد، اگر آرمان گرا نباشد این حرکت متوقف خواهد شد. در زمینه علم هم باید آرمان گرا باشد، در زمینه جامعه و مسائل جاری خودش هم باید آرمان گرا باشد. اصلا آرمان گرایی جوان مایه پیشرفت است»^{۱۸۱}

^{۱۷۶} ابراهیم/۳۷؛ ص/۸۶

^{۱۷۷} مؤمنون/۸

^{۱۷۸} نساء/۵۸

^{۱۷۹} اعراف/۱۵۷

^{۱۸۰} بقره، آیه: ۱۷۰؛ احزاب، آیه: ۶۷.

^{۱۸۱} سخنرانی رهبر انقلاب در دیدار با رئیسان دانشگاههای سراسر کشور، ۱۳۷۶/۱۲/۶.

موانع و عوامل و زمینه‌های تحقق

۱. موانع و آسیب‌ها:

۱/۱. یکی از آفات روحیه حماسی، نداشتن این امور است: توکل بر خدای متعال^{۱۸۲} تقوا و اخلاص، صبر^{۱۸۳} و سعه صدر^{۱۸۴}، تواضع و فروتنی (خاکی بودن)، عفت و نجابت.^{۱۸۵} زیرا در نبود این اصول می‌تواند تبدیل به ضد ارزش شود.

۱/۲. بد فهمی از واژه‌هایی چون حماسه و جهاد موجب آن می‌شود که رنگ القاعده و بنیادگرایی به نهضت‌ها و حرکت‌ها بخورد.

۱/۳. بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی در خانه و مدرسه از دیگر آسیب‌های و موانع روحیه حماسی است

۱/۴. غفلت از تربیت عقلانی و دانش موجب تعصب و تهور کورکورانه می‌شود.

۱/۵. ظاهر گرایی از دیگر آفات و موانعی است که آن روح حماسی را از بین می‌برد.

۱/۶. غلبه احساسات به جای عواطف

۱/۷. سازمان زدگی، یعنی اینکه بخواهیم این روحیه را تحت سازمان و بروکراسی در آوریم.

۱/۸. علم زدگی مفرط در خانواده و کشور (علم برای علم و علم برای شغل)

۱/۹. عوامل تضعیف اراده (موسیقی، مواد مخدر...)

۲. عوامل:

۲/۱. تبیین صحیح از روحیه حماسی مطابق با فطرت و سرشت جوانی

۲/۲. احیا و تبلیغ تربیت حماسی

۲/۳. دشمن شناسی (دانش آموز باید دشمن را درک کند و بشناسد تا روحیه حماسی پیدا کند)

^{۱۸۲} آل عمران/۱۴۸؛ ممتحنه/۵-۶

^{۱۸۳} آل عمران، ۲۰۰

^{۱۸۴} طه، آیه: ۲۵ و ۲۶

^{۱۸۵} یوسف/۲۴

۲/۴. سخنان پرشور و روش انقلابی روح حماسی جوان را بیدار می کند^{۱۸۶}

۲/۵. تربیت صحیح در خانواده و سپردن مدیریت فردی کارها به خود فرد، لوس و از خود راضی بار نیاوردن آن؛ کمی سختی کشیدن^{۱۸۷}

۲/۶. تحریک و استفاده از شور و حال روحیه جوانی برای نهادینه کردن تربیت حماسی^{۱۸۸}

۲/۷. استفاده از تبشیر و انذار، چنانچه خداوند در قرآن انجام داده است.^{۱۸۹}

۲/۸. معرفی امدادهای الهی^{۱۹۰}

^{۱۸۶} فلسفی، پیشین، ص ۱۳۹.

^{۱۸۷} همان، ص ۱۵۵.

^{۱۸۸} همان، ص ۱۵۵.

^{۱۸۹} مصباح یزدی، پیشین، ص ۱۵۵.

^{۱۹۰} همان، ۲۰۱.

راهکارها و ایده‌های پیشنهادی

۱. احیا و پیگیری طرح تربیت حماسی

۱/۱. درسنامه تربیت حماسی برای آموزش در مدارس و دانشگاهها

۱/۲. همایش تربیت حماسی در سطح ملی و جهانی

۱/۳. مصاحبه با کارشناسان دینی و تعلیم و تربیت برای جریان سازی این طرح

۱/۴. نمایشگاه تربیت حماسی

۱/۵. تلخیص و سازماندهی مباحث تربیت حماسی نشریه خیمه معرفت با حذف تکراری ها و زواید آن در قالب یک کتاب

۲. استفاده از ظرفیت دفاع مقدس

۲/۱. بازخوانی دفاع مقدس با نگاه تبیین الگوی تربیت حماسی بخصوص در طرح همکلاسی آسمانی

۲/۲. دیدار با جانبازان و ایثارگران

۲/۳. دیدار از آسایشگاه مجروحان جنگ

۲/۴. معرفی چهره های موفق در روحیه حماسی؛ چمران(علم و جهاد)، آوینی(هنر و جهاد)؛ فهمیده(نوجوان - حماسه و استشهاد)، علم الهدی(دانشجو- جهاد) کاظمی آشتیانی(علم و روحیه بسیجی)

۲/۵. طرح خاطره گویی

۲/۶. اردوهای راهیان نور و روایت گری عارفانه(مثل حاج آق ضابط)

۲/۷. ترویج فرهنگ شهادت طلبی

۳/۸. هر منطقه ای شهدای خود را که بتا شاخصه های هدف سازگار است پر رنگ کند.(همایش، عکس و تصاویر، زندگی نامه)

۳. استفاده از ظرفیت تاریخ اسلام

۳/۱. انس با وقایع عاشورا و شخصیت های جوان و حماسی آن

۳/۲. الگوی حضرت علی(ع) و شجاعت ایشان،

۳/۴. احیای کتابهای حماسی چون حمله حیدری

۳/۴. الگوی حماسی از حضرت زهرا در دفاع از ولایت

۳/۵. حضرت زینب در دفاع از ولایت و تبلیغ در سخت ترین شرایط

۳/۶. یاران و اصحاب اهل بیت(ع)، مالک، عمار، دعبل، ابوذر، میثم، سلمان، حسین بن روح نوبختی، اصحاب

عاشورا، مؤمن طاق، ابن یقطین، هشام ابن حکم،

۳/۷. اصحابی که از روحیه حماسی بریده اند، طلحه، زبیر، عبیدالله بن عباس،

۴. مطالعه تاریخ ایران با نگاه نقش روحیه حماسی در دفاع از ایران و اسلام؛

۴/۱. همانند: سریداران، مرعشیان، امیرکبیر، رئیس علی دلواری، شیخ فضل الله نوری، سید حسن مدرس،

شیخ عبدالحسین لاری، کوچک خان جنگلی، خیابانی، نواب صفوی، ستارخان و باقرخان(به خصوص با

توجه به اقلیم ها و قومیت ها)

۴/۲. زندگی نامه حماسی دوران کودکی تا جوانی امام خمینی(ره)

۵. شناخت چهره های حماسی جهانی و نقش آنها در خدمت به بشریت

۵/۱. سقراط در راه دانش

۵/۲. میرزای دوم شیرازی، چگورا، کاسترو، سید جمال الدین اسدآبادی، ماندلا، گاندی، حزب الله لبنان(سید

عباس موسوی، راغب حرب، عماد مغنیه، سید حسن نصرالله)، حماس و جهاد اسلامی فلسطین(فتحی

شقاقتش، احمد یاسین)

۶. معرفی پژوهشکده های جهادی و علمی مانند پژوهشکده رویان به عنوان یک کار علمی - حماسی و دیدار از آنجا

۷. استفاده از تصاویر حماسه سازان علم و فرهنگ و سیاست در فضای مراکز اتحادیه با اندکی توضیح اجمالی در ذیل

عکس ها

۸. سرایش و اجرای سرود حماسی اتحادیه که در همه برنامه ها خوانده شود(سرود سراسری اتحادیه) و شعر همخوانی سراسری برای هیت انصارالمهدی

۹. استفاده از ورزش

۹/۱. تبیین نظریه اسلام

۹/۲. تبیین نظریات رهبری

۹/۳. احیای ورزش باستانی و پهلوانی

۹/۴. اهمیت به کوه نوردی و احیای همه جانبه آن در بعد شناختی، انگیزشی و رفتاری(خودسازی، ورزش جمعی، خلوت و تفکر)

۱۰. استفاده از هنر

۱۰/۱. استفاده از خیال و تمثیل در بازسازی صحنه های جهادی و حماسی

۱۰/۲. مسابقات آثار هنری با موضوع حماسه

۱۰/۳. نمایشگاه آثار هنری

۱۰/۴. معرفی، مطالعه و تلخیص رمان های حماسی جهان(بینوایان

۱۰/۵. مشاعره اشعار حماسی

۱۰/۶. کتب حماسی ایرانی

۱۰/۷. بازنویسی داستانهای شاهنامه و بقیه کتب حماسی

۱۱. اردوهای جهادی داخلی و خارجی(مثل کمک به سیل زدگان پاکستان)

۱۲. مهندسی نظام تربیت و تعلیم براساس روحیه حماسی و تربیت جهادی

۱۳. دیدار از حزب الله لبنان به عنوان خط مقدم مبارزه با استعمار خصوصا به روحیات حماسی آنها برای نخبگان دانش

آموزی

۱۴. اعتماد به توانایی و لیاقت دانش آموزان و کمک به مدیریت حماسی و جهادی در جنبش دانش آموزی، اتحادیه و مدارس با هدف نقش آفرینی مستقیم خود دانش آموز

۱۵. تهیه فلش کارت از آثار، اشعار، آثار هنری حماسی در بسته های مختلف برای بازی کودکان، زبان آموزی کودکان.

۱۶. استفاده از ظرفیت اندیشه و تفکر مهدوی و حکومت جهانی صالحان.

۱۷. تشکیل جبهه جهانی دانش آموزان

ایجاد حلقه ارتباطی میان دانش آموزان کشورهای جوان، گام اول: نوجوانان لبنان، حماس و مجلس اعلی عراق باهدف معرفی اسلام و انقلاب به جوانان سایر کشورها

۱۸. تشکیلات اتحادیه در مدارس ایرانی خارج کشور

۱۹. معرفی شخصیت های مطابق با هدف در یک مجموعه داخلی و جهانی در قالب کتاب

۲۰. آیت الله شاه آبادی به عنوان نمونه حماسه و عرفان.

شناخت اندیشه امامت، حکومت و ولایت فقیه

اهمیت بحث

- از دیدگاه اسلام تا زمانیکه معارف و قوانین الهی به شکل ساختار مند و سازمان یافته در جامعه اجرا نشود و حاکمیت اسلام در عرصه اجتماع برقرار نگردد هدف الهی تحقق نگردیده است.

- اگر کاربرد سیاست را در منابع دینی در نظر بگیریم در می یابیم که بر خلاف تلقی بسیاری از مردم، سیاست امری مقدس در اسلام است و برای اعمال آن در مرتبه اول نیاز به انسانهایی پاک و معصوم داریم.^{۱۹۱} بر همین اساس یکی از شئون سه گانه ائمه (علیهم السلام) سیاست و رهبری اجتماعی بر شمرده شده است.^{۱۹۲}

برپایی حکومت اسلامی یکی از آرزوهای دیرین بوده است که خیلی ها حتی تصور آن را هم نمی کردند؛ حتی فقها بدلیل دور از ذهن بودن این بحث و عدم ابتلای به آن معمولاً از آن بحث علمی تفصیلی هم نمی کردند؛^{۱۹۳} ما امروز در چنین برهه ای هستیم و برخوردار از نعمت بزرگی چون حکومت اسلامی و ولایت فقیه بر همین اساس لازمه حفظ و بقای آن تصور درست و علمی از این موضوع است.

- تا این تاریخ هیچ حکومتی مثل حکومت فعلی در سرزمین ایران، نبوده است.^{۱۹۴} امروز خط مقدم مبارزه با استکبار، نظام جمهوری اسلامی است.^{۱۹۵} بنابراین شناخت صحیح از حاکمیت جمهوری اسلامی ما را با جبهه بندی کنونی جریان حق و باطل و وظیفه مان آشنا می کند.

جایگاه بحث در منظومه

- «امروز نظام اسلامی تبدیل شده است به هویت جمعی و ملی مردم ایران که هم کاربرد ملی دارد و هم اسلامی و هم جهانی»^{۱۹۶}

این تعبیر مقام معظم رهبری نشان می دهد که اگر یک دانش آموز نوجوان شناخت و بینش درستی نسبت به نظام اسلامی و حکومت اسلامی نداشته باشد در حقیقت هویت اجتماعی خود را بدرستی دریافته است.

حکومت اسلامی

^{۱۹۱} - مثلاً در زیارت جامعه در فضایل و مقامات اهل بیت (ع) می خوانیم: (و ساسه العباد) ساست مداران اجتماع؛ نظام سیاسی اسلام ص ۱۶

^{۱۹۲} - طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام ص ۱۷۵

^{۱۹۳} - مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام

^{۱۹۴} - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اصحاب فرهنگ و اندیشه ۸۰/۵/۱

^{۱۹۵} - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان اصفهان ۸۰/۸/۱۲

^{۱۹۶} - همان

۱- معنای حکومت

عده ای آن را به مثابه تشکیلات اداره کننده جامعه تعریف می کنند و برخی آن را به قدرت سازمان یافته.^{۱۹۷} در یک تعریف نسبتاً کامل می توان حکومت را ارگانی دانست که به شکل رسمی رفتارهای اجتماعی نظارت داشته و بدان ها جهت می بخشد.^{۱۹۸}

۲- ضرورت حکومت

دلایل متعددی برای لزوم و ضرورت حکومت اقامه شده است که در یک دسته بندی می توان اینچنین بیان کرد:

الف) عقل: انسان ها بر اساس خواسته ها و تمایلات طبیعی که در وجودشان نهادینه شده است ناگزیرند که با دیگران تعامل داشته و در یک زندگی اجتماعی زیست کنند. از سوی دیگر این امیال و غرائز باعث بهره گیری از دیگران و بعضاً تجاوز و تعدی به یکدیگر می شود. انسان ها برای مدیریت این ارتباطات و تعاملات راهی جز وضع قوانین و مقررات نخواهند داشت. اعمال و اجرای این قوانین و برقراری نظم اجتماعی، نهاد و دستگاهی را می طلبد که از آن به «حکومت» تعبیر می کنیم.^{۱۹۹}

ب) قرآن: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم^{۲۰۰}

در این آیه خدای متعال اطاعت از صاحب فرمان را علاوه بر خدا و رسول امری مفروض و واجب دانسته است.

ج) روایات: قال امیر المومنین (ع): لا بد للناس من امیر او فاجر^{۲۰۱}

لازم است که شemat حاکم و فرمانروایی داشته باشید نیکوکار باشد یا فاجر و بدکار (امیر فاجر بهتر است از اینکه اساساً حکومت نباشد).

۳- جایگاه آزادی در حکومت

- اصل در رفتار انسانی چه در مسایل فردی و چه اجتماعی، فراهم بودن زمینه انتخاب و گزینش است.^{۲۰۲} اساساً رویکرد تربیتی اسلام هم توجه به آزادی انسان در حوزه گرایش ها، تمایلات و رفتار هاست. اما آزادی مطلق باعث از بین رفتن آزادی دیگران می شود. بنابراین این نوع از آزادی باعث از بین رفتن خود آزادی می گردد.

^{۱۹۷} - جهان بزرگی، احمد، اصول سیاست و حکومت ص ۲۵

^{۱۹۸} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۹۷

^{۱۹۹} - مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام ص ۳۷

^{۲۰۰} - قرآن کریم سوره نسا آیه ۵۹

^{۲۰۱} - نهج البلاغه خطبه ۴۰

^{۲۰۲} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۵۴

- انواع آزادی های حقوقی که در حکومت بایستی مورد احترام قرار بگیرد:

الف) آزادی سیاسی: آزادی افراد در انتخاب و قانون گذاری: انتخابات حق مردم است و هیچ قدرتی نمی تواند این حق را از آنان سلب کند.

ب) آزادی بیان: بدین معنا که افراد گذشته از این بخاطر داشتن عقیده نباید تعقیب قرار بگیرند بایستی بتوانند عقیده خود را آزادانه بیان کنند. البته این تا بدان جاست که موجب تحریک جامعه برای انجام کاری که مخل به مصالح عمومی و مشروع دیگران است نشود.

ج) آزادی عقیده و فکر: کسی مجبور به پذیرش مکتب، نظر یا عقیده خاصی نیست. هیچ کس اجازه تفتیش عقیده را ندارد و پیروان ادیان الهی حق دارند در کشور به عنوان یک اقلیت مذهبی زندگی کنند.^{۲۰۳}

- امام خمینی (ره) در اهمیت آزادی و جایگاه آن در نظام حکومتی می فرمایند:

«کلمه این که اعطا کردیم آزادی را جرم است، آزادی مال مردم است قانون آزادی داده، خدا آزادی داده، قانون اساسی آزادی داده به مردم»^{۲۰۴} ایشان در جای دیگری می فرمایند: «در اسلام آزادی بطور مطلق است مگر آنچه بحال ملت و کشور ضرر داشته باشد و موجب مفسده ای باشد.»^{۲۰۵}

نسبت دین و حکومت اسلامی

- اگر بر اساس مبانی قرآنی و روایی به باز تعریف صحیح دین بپردازیم به این نتیجه خواهیم رسید که: «دین مجموعه عقاید، ارزشها و احکامی است که از سوی خداوند برای هدایت بشر و تامین سعادت دنیا و آخرت انسان بر پیامبر اسلام نازل گردیده است.»^{۲۰۶} بنابراین قلمرو دین اعم از امور معنوی و مادی، آخرتی و دنیوی، فردی و اجتماعی خواهد بود. بر همین اساس بایستی دین برنامه سعادت اجتماعی انسان را نیز شامل قوانین و قواعد حکومتی است تنظیم و ارائه دهد.

- با توجه به همین رویکرد است که حضرت امام حکومت را فلسفه علمی فقه در اراده انسان از گهواری تا گور بر می شمرد.^{۲۰۷}

^{۲۰۳} - همان ص ۵۶

^{۲۰۴} - دلشاد تهرانی، مصطفی، مقدمه ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ص ۳۵۷

^{۲۰۵} - همان ص ۳۵۸

^{۲۰۶} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۲۷

^{۲۰۷} - امام خمینی (ره) احیاگر اندیشه اسلامی، مقالات سیاسی پایگاه مجازی حوزه، نشریه حضور زمستان ۷۳ شماره ۹

- البته بایستی توجه نمود که دین اسلام در باب سیاست و حکومت تنها خطوط کلی را بیان کرده است و اجتهاد در جزئیات را به تعقل واگذاشته است برخلاف عبادات و احکام که صبغه تعبدی آن ها زیاد است و عقل متعارف از ادراک خصوصیات آن عاجز است.^{۲۰۸}

- نگاه اسلام به حکومت بعنوان هدف نیست. بلکه وسیله است. هدف نهایی دین نورانی شدن انسان و رسیدن به لقاء الله است. از این رو قیام مردم به قسط و عدل و حتی عبادات و مسایل عبادی سیاسی همگی راهنم ولی در عین حال سیاست در دین امری ضروری است بگونه ای که سیاست صحیح خارج از قوانین اسلامی نخواهد بود.^{۲۰۹}

حکومت اسلامی

۱- ساختار حکومت اسلامی

- با توجه به تغییرات زیادی که جامعه در گذر زمان می یابد طبیعتاً نیازها و اقتضائات مختلفی پیدا می کند. بنابراین تعیین مدل عینی و مشخص برای ساختار حکومت از سوی اسلام مردم هر زمان را دچار مشکل خواهد نمود. از این رو اسلام مدل خاص عینی برای اداره جامعه معرفی نکرده است.^{۲۱۰}

- نظام سیاسی اسلام در حقیقت بیان اصول کلی و سیاست های اصلی اسلام در اداره جامعه و تدابیر حکومتی است. ساختار عینی حکومت در زمره احکام متغیر و ثانویه اسلام است که تابع شرایط زمانی و مکانیت و تشخیص آن بر عهده ولی امر مسلمین است ولی چارچوب های کلی برای تعیین شکل حکومت از مجموعه معارف و دستورات اسلامی استفاده می شود.^{۲۱۱}

- در مدل جمهوری اسلامی همه مردم بر همه مردم پیش بینی شده است. نه گروه و عده ای از مردم. یعنی حکومت طبقاتی کاگزاران یا کشاورزان و یا حتی مستضعفین و یا مرفهین بر دیگران نیست. و نیز چنانچه در قانون اساسی آمده است «در این نوع از حکومت سرنوشت مردم به دست خود آنهاست»^{۲۱۲} و این البته منافات ندارد که خدا هم بر سرنوشت آنها حکومت نماید چرا که مردم در چارچوب قوانین الهی و دینی حق انتخاب و قانونگذاری و دخالت در امور سیاسی را دارند.^{۲۱۳}

۲- اهداف حکومت اسلامی

^{۲۰۸} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۱۱۳

^{۲۰۹} - جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه

^{۲۱۰} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۱۱۲

^{۲۱۱} - همان ص ۱۱۳

^{۲۱۲} - همان ص ۱۱۴

^{۲۱۳} - همان ص ۱۱۵

- مهم ترین هدف نهایی حکومت اسلامی رساندن انسان به مقام قرب خدا و مقام خلیفه الهی و در نتیجه نورانی نمودن جامعه و پیرایش آن از تیرگی هوا و هوس هاست.^{۲۱۴} قرآن کریم این هدف را اینچنین تعیین می کند: «کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم و یهدیهم الی صراط مستقیم»^{۲۱۵}

اهداف دیگر حکومت اسلامی عبارتند از:

الف) ایجاد نظم و امنیت در جامعه

ب) هدایت و ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی معنوی

ج) ضمانت اجرای قوانین

د) تامین نیازهای عمومی جامعه^{۲۱۶}

هـ) برقراری عدالت اجتماعی

و) ایجاد رفاه عمومی^{۲۱۷}

۳- مقایسه حکومت اسلامی با دیگر حکومت ها

اولاً نسبت به همه مدل های حکومتی دیگر از این مزیت برخوردار است که به مصالح حقیقی انسان می اندیشد چرا که ما حکومت را ذاتاً از آن خداوند و حق مسلم او می دانیم و هم اوست که با علم بی نهایت خویش مصالح و مفسد حقیقی انسان را تشخیص می دهد. بنابراین حکومت اسلامی و الهی بدنبال تامین مصالح حقیقی و واقعی انسان است نه فقط آنهایی که اکثریت مردم تشخیص می دهند.

ثانیاً به مدل های سلطنتی، اشرافی و سرمایه داری از این مزیت بهره مند است که مشارکت سیاسی در آن وجود دارد و مردم نسبتاً آزادند.^{۲۱۸}

ثالثاً نسبت به نظام های دموکراتیک:

الف) انسجام درونی و دستگاه حاکمه بیشتر است (چون مقام رهبری در هماهنگی قوای سه گانه نقش موثری دارد).

ب) ضمانت اجرایی روانی چون مهم ترین عامل محرک در جامعه اسلامی خداآوری است.

^{۲۱۴} - جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ص ۱۰۱

^{۲۱۵} - قرآن کریم، سوره ابراهیم آیه ۱

^{۲۱۶} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۱۰۳

^{۲۱۷} - دلشاد تهرانی، مصطفی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه ص ۱۲۴ و ص ۱۲۷

^{۲۱۸} - جهان بزرگی، احمد، اصول سیاست و حکومت ص ۱۷۱

ج) رهبری نظام از عالی ترین مراتب تقوا و شایستگی برخوردار است.

د) مصالح معنوی انسانها و جامعه بیشتر تامین می گردد.^{۲۱۹}

۴- نقش مردم در حکومت اسلامی

- در مدل اسلامی ملاک مشروعیت و قانونی بودن حکومت رای مردم نیست. اما عدم دخالت رای مردم در مشروعیت حکومت به معنای بی اعتنایی به رای و مشارکت فردی هم نیست چرا که اسلام حاکم باید مورد پذیرش مردم قرار گیرد و بدون مشارکت و همکاری مردم حکومت اسلامی فاقد قدرت اجرایی خواهد بود. بنابراین مشروعیت حکومت از ناحیه دستورات الهی است ولی در تحقق و عینیت بخشیدن به آن نقش اساسی از آن مردم است.^{۲۲۰}

- حکومت اسلامی هیچ گاه بدون خواست و اراده مردم متحقق نمی شود. بلکه بر اساس عشق و علاقه مردم به دین و حاکم اسلامی شکل می گیرد و هر چه مردم از اخلاق و معارف دینی بهره مند باشند و اتحاد و همبستگی بیشتری داشته باشند حکومت استوار تر و نصرت الهی و یاری خداوند هم بیشتر است ولو تعداد آن ها هم اندک باشد^{۲۲۱} «کم من فئه قلیقه غلبت فئه کثیره باذن الله»^{۲۲۲}

- امام خمینی (ره) در مصاحبه ای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی چنین می فرماید:

«ماخواهان استقرار جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد.»^{۲۲۳}

حاکم اسلامی

۱- مدل ایده آل (حکومت امام معصوم)

- در نظام ارزشی اسلام، ارزشها دارای ساختاری تشکیلاتی و دارای مراتب گوناگون است که در این رویکرد، مطلوب نهایی و ایده آل، بالاترین مرتبه ارزش را دارد و پس از آن مراتب دیگر نیز به نوبه خود ارزشمند هستند. در اسلام حکومت ایده آل وقتی عینیت می یابد که پیامبر یا امام معصوم در راس حکومت قرار گیرد.^{۲۲۴} آیات زیر بیانگر این حقیقت است:

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم^{۲۲۵}

^{۲۱۹} - مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، ص ۱۷۹

^{۲۲۰} - نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام ص ۱۵۰

^{۲۲۱} - جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ص ۸۳

^{۲۲۲} - قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۴۹

^{۲۲۳} - دلشاد تهرانی، مصطفی، مقدمه ای بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) ص ۳۰۴

^{۲۲۴} - مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام ص ۱۰۰

^{۲۲۵} - قرآن کریم سوره نسا آیه ۵۹

و ما اتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا^{۲۲۶}

- تاسیس نظام حکومتی جامعه بر پایه قانون الهی از دستاوردهای ضروری برای اداره جامعه است. بنابراین هر پیامبری با برنامه حکومت دینی ارسال شده است.^{۲۲۷}

- ائمه هدی (علیهم السلام) دارای سه شان و جایگاه هستند:

الف) مرجعیت علمی

ب) ولایت معنوی

ج) امامت اجتماعی^{۲۲۸}

اگر چه امامان معصوم (علیهم السلام) همیشه در تلاش بوده اند تا این شان امامت و رهبری اجتماعی و سیاسی را بدست آورند اما بدلیل حاکمیت ظالمان و مخالفان غاصب عملاً این اتفاق تنها درباره امیرالمومنین (ع) و تا حد کمی امام مجتبی (ع) افتاد.

۲- شرایط زمامداران حکومت اسلامی

الف) اتصاف به علم و اخلاق عملی. امیرالمومنین (علیه السلام) در کلمات قصار این را از جمله شرایط لازم حکمرانان اسلامی برشمرده اند.^{۲۲۹}

ب) برخورداری از تخصص و قدرت اجرا. مرحوم علامه طباطبایی (ره) از آیه زیر این برداشت را نموده اند:^{۲۳۰}

و زاده بسطه فی العلم و الجسم^{۲۳۱}

ج) مردمی بودن پاسخگویی به مردم، منت نگذاشتن سر مردم، ناظر دانستن مردم، محبت به مردم و دوری نکردن از مردم و ... همه توصیه هایی است که امیر المومنین (علیه السلام) برای زمامداری در نامه به مالک اشتر می فرمایند.^{۲۳۲}

۲۲۶ - همان سوره حشر آیه ۷

۲۲۷ - طباطبایی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام ص ۱۷۵

۲۲۸ - جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ص ۳۳۲

۲۲۹ - کلمات قصار، نهج البلاغه، کلمه ۷۳ ص ۳۷۱

۲۳۰ - طباطبایی سید محمد حسین، المیزان، ج ۲ ص ۴۳۵

۲۳۱ - قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۴۷

۲۳۲ - نهج البلاغه نامه ۵۳

۳- رابطه متقابل امام و امت

- در قرآن کریم، روایات اهل بیت (ع) و بیانات فقها معمولاً بجای کلمه حکومت کلمه ولایت بکار می رود چنانچه مقام معظم رهبری هم فرمودند که بار معنایی کلمه ولایت بیشتر است و در آن آمیزه ای از محبت و عاطفه دوسویه وجود دارد بر عکس کلمه حکومت که در آن ایهام نوعی تحکم و زور گویی وجود دارد. پس در کلمه ولایت اشاره ای به نزدیکی و ارتباط عاطفی وجود دارد. ۲۳۴

- این ارتباط عاطفی در نظام ولایت بخاطر نزدیکی و قرب ولی و رهبر به خداست. رهبر اسلامی کاملترین و مقرب ترین انسانها به درگاه الهی در عصر خویش است چرا که دست عنایت الهی او را از انواع ابتلاها و آزمایشها پیروز و سرافراز بیرون آورده است. ۲۳۵

«وإذ ابتلی إبراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلک للناس اماما» ۲۳۶ بر اساس گفتمان قرآنی کسی که دارای ایمان و عمل صالح باشد نزد دیگران محبوب خواهد بود. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا» ۲۳۷

شهید مطهری در ضمن بیان خاطره ای جالب از ملاقات خود با امام (ره) به این ارتباط معنوی و الهی امام امت اشاره می نمایند و از قول امام می فرمایند: این من نیستم که کارها را انجام می دهم، من دست را احساس می کنم. ۲۳۸

البته رابطه والایی رابطه دو طرفه است و این محبت و عاطفه از سوی امام نیز نسبت امت ولایی وجود دارد. خدای متعال به پیامبرش دستور تواضع، مهربانی و عطوفت می دهد و می فرماید: «واخفض وجنحک ظن المؤمنین» ۲۳۹ نمود عینی و برآیند عملی این ارتباط در اطاعت و تبعیت امت از امام خود نمودار و روشن می گردد همانکه قرآن کریم در دستور خود اینچنین از آن یاد می کند: «یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» ۲۴۰

- رابطه امام و امت، امام، امت، ولایت

- امام، امت

۲۳۳ - همان

۲۳۴ - مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام ص ۱۱۰

۲۳۵ - جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه

۲۳۶ - قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۲۴

۲۳۷ - همان سوره مریم آیه ۹۶

۲۳۸ - مجموعه آثار ج ۲۴ ص ۱۳۳

۲۳۹ - قرآن کریم سوره شعراء آیه ۲۱۵

۲۴۰ - قرآن کریم سوره نساء آیه ۵۹

ولایت فقیه

معنای ولایت فقیه

ولایت در لغت معنای متعددی دارد اما آنچه متناسب این بحث است معنای « سرپرستی » است. ولایت با این معنا نه به نحو وکالت است که شخص وکیل منتخب مردم برای اداره جامعه باشد نه به شکل نظارت و مراقبت است بلکه بمعنای تصدی اداره و اجرای قوانین الهی بر جامعه است.^{۲۴۱}

ادله ولایت فقیه

الف (دلیل عقلی

وقتی که ثابت شد اجرای قوانین با تشکیل حکومت اسلامی ضروری است مدل رهبری ایده آل آن هم قاعدتا امام معصوم خواهد بود. حال در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم باید نزدیکترین مرتبه به حد مطلوب از رهبری را تأمین کرد. این بیان مراتب طولی و تشکیل حکومت اسلامی را به تصویر می کشد.^{۲۴۲}

ب (دلیل نقلی ۲۴۳

ب - ۱) توقیع امام زمان علیه السلام در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب که در آن فرموده اند: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا»^{۲۴۴} مراد از حوادث واقعه مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه اسلامی است.
ب - ۲) مقبوله عمر بن خطاب: «من کان قدروی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فلیرضوا به حکما فانی قد جعلته حاکما علیکم»^{۲۴۵} مقصود از این روایت احکام تفقه و شناخت عالمانه دین است.
ب - ۳) از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: «اللهم ارحم خلفائی قیل یا رسول الله و من خلفاؤک؟ قال الذین یأتون من بعدی یروون حدیثی و سنتی»^{۲۴۶} مفهوم خلافت در این جا بمعنای عهده داری همه مسؤولیت های سیاسی و حکومتی آن حضرت است.

۳ - تطبیق عینی بحث ولایت فقیه

الف (امام خمینی ره:

الف - ۱) جوانی و نوجوانی امام بررسی دوران جوانی و نوجوانی امام .
الف - ۲) امام و انقلاب میزان تأثیر پذیری امام در پیروزی و رهبری انقلاب (نقش بی بدیل)
الف - ۳) اندیشه ناب امام بازخوانی اندیشه های اصیل امام در حوزه های پرکاربرد مثل نفاق، عدالت، مستضعفین ، آزادی و...
الف - ۴) گفتمان جهانی امام بررسی تأثیر گفتمان امام خمینی بر اندیشه ملت های جهان.
الف - ۵) امام و مردم تحلیل ارتباط عاطفی و ولایی امام با مردم بخصوص رزمندگان و شهدای جنگ تحمیلی.

ب (مقام معظم رهبری:

^{۲۴۱} - واعظی احمد حکومت اسلامی ص ۱۲۳

^{۲۴۲} - نوروزی محمد جواد نظام سیاسی اسلام ص ۲۰۰

^{۲۴۳} - ادله نقلی زیادی بر بحث ولایت فقیه اقامه شده است و بعضی آن را تا ۲۰ دلیل نقلی بر شمرده اند . ر. ک جواد آملی عبدالله ولایت فقیه ص ۱۷۸

^{۲۴۴} - بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۸۳ ح ۱۰

^{۲۴۵} - کافی ج ۱ ص ۶۷ ح ۱۰

^{۲۴۶} - بحار الانوار ج ۲ ص ۱۴۵ ح ۷

- ب - ۱) جوانی و نوجوانی بررسی دوران جوانی و نوجوانی مقام معظم رهبری با رویکرد الگو پذیری.
- ب - ۲) فرزندی تحلیل ابعاد فرزندی شخصیت مقام معظم رهبری جنبه ادبی، هنری، نظامی و...
- ب - ۳) بیوگرافی شخصی
- ب - ۴) مقاطع حساس دوران رهبری بررسی مقاطع حساس و تدابیر ویژه مقام معظم رهبری (مثلاً ۱۰ مقطع و برهه حساس)
- ب - ۵) سبک شناسی مدیریت شناخت سبک مدیریت و روش رهبری حضرت آقا (مثلاً دفع حداقلی و جذب حداکثری و...)

جمع بندی تحلیل هدف

انسان ها برای اداره زندگی اجتماعی خود نیاز به حکومتی دارند تا اجرای نظم و قانون را به عهده گرفته و جلوی زیاده خواهی و تعدی ها را بگیرد. این البته به معنای نادیده گرفتن آزادی های مشروع و حقوق طبیعی مردم نیست. بر اساس همین نیاز دین اسلام هم که برنامه سعادت انسان را در عرصه های مختلف از جمله حوزه اجتماع ترسیم کرده است به تبیین سیاست های کلی و خطوط اصلی نظم سیاسی و حکومت داری پرداخته است.

از جمله مهمترین اهداف حکومت در نگاه اسلام، رشد و تعالی معنوی جامعه و برقراری عدالت و قانون در اجتماع است. مدل ایده آل و مطلوب حکومت اسلامی آنست که در رأس آن امام معصوم زمام امور را در دست بگیرد ولی در عصر غیبت و عدم دسترسی به امام (علیه السلام) فقیه واجد شرایط عهده دار امور خواهد بود.

عوامل و موانع تحقق هدف

بخش اول: عوامل

شناخت اندیشه سیاسی و سیره حکومتی انبیاء و اهل بیت (علیهم السلام) بویژه با توجه القای شبهه تقدس زدایی از عرصه سیاست و حکومت.

اطلاع از زندگی شخصی و حیات فردی حضرت امام و مقام معظم رهبری.

معرفی نابسامانیهای سیاسی و ساختاری و کاستی های مدیریتی کشورهای دیگر جهت مقایسه حکومت اسلامی با بقیه حکومت ها.

مطالعه تاریخ صد ساله اخیر و تطبیق آن بر شرایط امروز (بویژه ظلم ها و ستم هایی که سلطنت پهلوی بر ملت روا داشته است)

بخش دوم: موانع

جدا نگاشتن مردم از حکومت؛ پندار غلطی است که از دیرباز در بنیانهای فکری و فرهنگی جامعه ایرانی نفوذ پیدا کرده و محصول سالهای استبداد پادشاهان و سلاطین ظالم است.

عدم اطلاع درست از ساختار نا کارآمد سیاسی بسیاری از کشورهای بزرگ.

عدم شفافیت در اطلاع رسانی و نقد روشن در فضای رسانه ای و در نتیجه عدم اعتماد و مشارکت مردم تعارف و خجالت در بیان فضائل رهبری و مسئولین خدمتگذار.

ایده ها و راهکارهای پیشنهادی

«همایش دانش آموزی دکترین نسل چهارم»

هدف: بستر سازی برای ایجاد جریان اجتماعی و مطالبه گری دانش آموز در فضای انقلاب اسلامی.

این همایش ملی و سراسری خاستگاه جریان عظیمی خواهد بود که هر دو سال یکبار با یک موضوع جدید حماسی و فعال در فضای دانش آموزی اعلام موجودیت خواهد کرد. در این همایش چند روزه که از مدت ها قبل مقدمات آن فراهم می شود نخبگان علمی دانش آموزی از سراسر کشور و حتی کشورهای اسلامی دیگر حضور پیدا می کنند و به ارائه اندیشه ها، تشکیل کمیسیون ها و اتاق گفت و گو و غیره خواهند پرداخت.

۲ - «ارتقاء کیفیت دیدار با رهبری»

هدف: تقویت ارتباط بهتر دانش آموزی با امام مسلمین

اولاً از مدت ها قبل در تمامی مدارس کار تبلیغاتی و موج عمومی برای این دیدار ایجاد خواهد شد که برکت آن شامل بدنه عمومی دانش آموزی خواهد شد.

ثانیاً انتخاب دانش آموزان شرکت کننده بایستی تبدیل یک فرآیند حماسی و آرمانی گردد.

ثالثاً در خود دیدار بخشی از برنامه به اجرای دانش آموزی اختصاص می یابد که از جمله آن سخنرانی دانش آموزان نخبه در عرصه های مختلف است.

۳ - «طرح مشاور دانش آموزی مسئولین»

هدف: مشارکت دانش آموزان در عرصه های اجرایی و مدیریتی

در این طرح مسئولین رده بالای کشوری از جمله وزراء مشاور دانش آموزی در نظر خواهند گرفت و به تبع سایر مسئولین استانی و شهرستانی نیز چنین ابتکاری را پیگیری خواهند کرد.

۴ - «برگزاری جشن تولد مقام معظم رهبری و جشنواره هنری درباره شخصیت ایشان»

هدف: تقویت ارتباط دانش آموزان با رهبری از رهگذر علائق هنری آنها.

جشن تولد و جشنواره بصورت سراسری و هماهنگ برگزار خواهد شد و جشنواره عرصه های مختلف هنر را در بر خواهد گرفت.

۵ - «برگزاری جشن رأی اولی ها» یکسال قبل از هر انتخاب

هدف:

ایجاد بینش صحیح نسبت به مشارکت سیاسی دانش آموزان و جهت دهی به حضور حداکثری رأی اولی ها.

ولایت مداری

اهمیت و جایگاه هدف

کافیست به این نکته توجه کنیم که همه انسان ها به نوعی ولایتمدارند با این بیان که ساختار خلقت انسان به گونه ایست که او را به پذیرش ولایتی سوق می دهد حال این ولایت یا ولایت و سرپرستی خدایم تعال و نظام ولایتی او یعنی اولیای الهی است و یا ولایت و سرپرستی شیطان و نظام طاغوتی او. در این صورت است که با موضوع ولایتمداری ارتباط نزدیک تری برقرار می کنیم چرا که آن را خصومت و ویژگی خارج از وجود انسان که بایستی به دنبال آن باشد نمی پنداریم. بلکه او را خصوصیتی کاملاً عینی و موجود که باید جهت دهی و به سمت صلاح سوق داده شود به حساب می آوریم.

در معارف اسلامی ما با توجه به همین مهم برای ولایت مداری ارزش ویژه ای قایل شده اند بگونه ای اولاً اساس و بنیاد اصول و معارف دین ولایت شمرده شده است و ثانیاً ولایتمداری شرط لازم و غیر قابل انفکاک پذیرش اعمال فرد و جامعه شمرده شده است.

در برخی از روایات شرط اساسی خوشبختی و سعادت انسان ها اطاعت از «ولی امر» دانسته شده و این امر لازمه ورود فرد به بهشت الهی شمرده می شود. پیامبر اسلام می فرماید: «اطیعوا و لاه امرکم تدخلوا جنة ربکم»^{۲۴۷}

از سوی دیگر وقتی شکل و ساختار جامعه و امت اسلامی و اجزای و نهادهای آن تبیین شده و روشن شد که جامعه اسلامی تشکیلاتی است که بر اساس هدفی مشترک شکل گرفته است و در راس همه هرم آن امام جامعه مسئولیت رهبری افراد این امت را بر دوش خواهد داشت مهم ترین سوالی که پیش می آید نحوه ارتباط افراد امت با ولی خود خواهد بود.

این نوشتار به تسریح این رابطه که به نام «ولایتمداری» شناخته می شود پرداخته و سعی در پاسخ به این سوال اساسی دارد تا رهگذران نقش و مسئولیت هر یک از افراد جامعه در قبال نهاد رهبری جامعه اسلامی را روشن می سازد.

تبیین هدف

۱- مفهوم ولایت مداری

- چنانچه علامه طباطبایی (ره) می فرماید: با تبیین و توضیح مفهوم «ولایت» و پذیرش ولایت هم روشن خواهد شد. ایشان در بیان معنای همه ولایت می فرمایند: در همه آیات قرآن کریم ولایت به معنای مالکیت تدبیر و صاحب اختیار و تصرف قانونی در امور است که تصرف در آن ها مستلزم پیروی و تبعیت و وجوب اطاعت از ولی بر دیگران است.^{۲۴۸}

^{۲۴۷} - ولایت فقیه کانون غرب و اقتدار، ص ۲۷۸

^{۲۴۸} - طباطبایی سید محمد حسین، المیزان ج ۱۴ ص ۲۷۹

- ایشان در جای دیگر و در واکاوی مفهوم ولایت می فرمایند: «ولایت نحوه قربی است که مجوز و سبب نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می شود.»^{۲۴۹}

- با توجه به دو نکته پیش گفته می توان ولایتمداری را به اختصار این گونه تعریف نمود: «تبعیت از کس که صاحب اختیار و تدبیر است»

- نکته ای که باید در این جا بدان اشاره نمود آن است که این «تبعیت و پیروی از ولی» به نحوی در همه انسان ها دیده می شود با این تفاوت که در دسته ای از انسان ها به شکل پذیرش ولایت الهی خود را نشان می دهد و در دسته ای به گونه پذیرش ولایت شیطان بنابراین انسان اساساً ولایت مدار است و تنها اولیای اوست که می تواند متفاوت باشد.

این معنا را می توان از مقایسه ای قرآن کریم بین مومنین و کفار و نحوه ولایت پذیری آن ها انجام می دهد فهمید: الله ولی الذین آمنوا یخرجوهم من الظلمات الی النور والذین کفروا اولیاء هم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات^{۲۵۰}

همچنین در فرازی از زیارت جامعه کبیره دوری از ولایت اهل بیت (ع) مساوی با ورود به ولایت طاغوت و شیاطین دانسته شده است: برئت الی الله عزوجل من اعدائکم و من الجبت و الطاغوت و الشیاطین و حزبهم الظالمین لکم الجاهدین لحقکم و المارقین من ولایتکم.^{۲۵۱}

۲- جایگاه ولایتمداری در نظام معارف اسلامی

۱- ولایتمداری از پایه های بنیادین دین مبین اسلام است: عن ابی جعفر (ع): بنی الاسلام علی خمسہ اشیاء علی الصلاه و الزکاه و الصوم و الحج و والولایه.^{۲۵۲}

۲- ولایتمداری شرط پذیرش تمام اعمال است: عن ابی جعفر علیه السلام قال: ...اما لوان رجلا قام لبله و صیام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حج جمیع دهره و لم یعرف ولایه ولی الله فیو الله و یکون جمیع اعماله بدلاله الیه ما کان له علی الله حق فی ثوابه و لا کان من اهل ایمان.^{۲۵۳}

۳- باب ورود به ولایت الهی ولایتمداری نسبت به ولی خداست، در زیارت جامعه چنین می خوانیم: من والاکم فقد و الی الله.^{۲۵۴}

^{۲۴۹} - همان ج ۶ ص ۱۵

^{۲۵۰} - قرآن کریم سوره بقره، آیه ۲۵۷

^{۲۵۱} - مفاتیح الجنان، ص ۱۰۶۷

^{۲۵۲} - قمی، شیخ عباس، سفینه البحار ج ۸ ص ۶۰۰

^{۲۵۳} - همان

^{۲۵۴} - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۱۰۶۴

امام صادق (ع) در بیانی شبیه به فراز زیارت جامعه می فرمایند: ولایتنا ولایه الله التي لم یبعث نبیا قط الا بها.^{۲۵۵}

۴ - ولایتمداری عامل و ضامن تحقق سایر معارف دینی است: عن ابی جعفر (علیه السلام): نبی الاسلام علی خمسة اشياء... قال: الولایه افضل لانهم مفتهن وو الوالی هو الدلیل علیهن.^{۲۵۶}

۵ - ولایتمداری باعث اتحاد و تألیف قلوب می شود: و فی خطبه فاطمه الزهراء (علیه السلام): و طاعتتنا نظاما للمله و امامتنا امنا للفرقه.^{۲۵۷}

۶ - ولایت پذیری سبب اصلاح نظام زندگی دنیوی می گردد: در بخشی از زیارت جامعه چنین آمده است: علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیانا.^{۲۵۸}

۷ - عدم پذیرش ولایت باعث خروج از دین و در نتیجه کفر می شود: والذین کفروا اولیاءوهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات.^{۲۵۹}

^{۲۵۵} - اصول کافی، جلد ۱، ص ۴۹۵، ح ۱۱۷۶

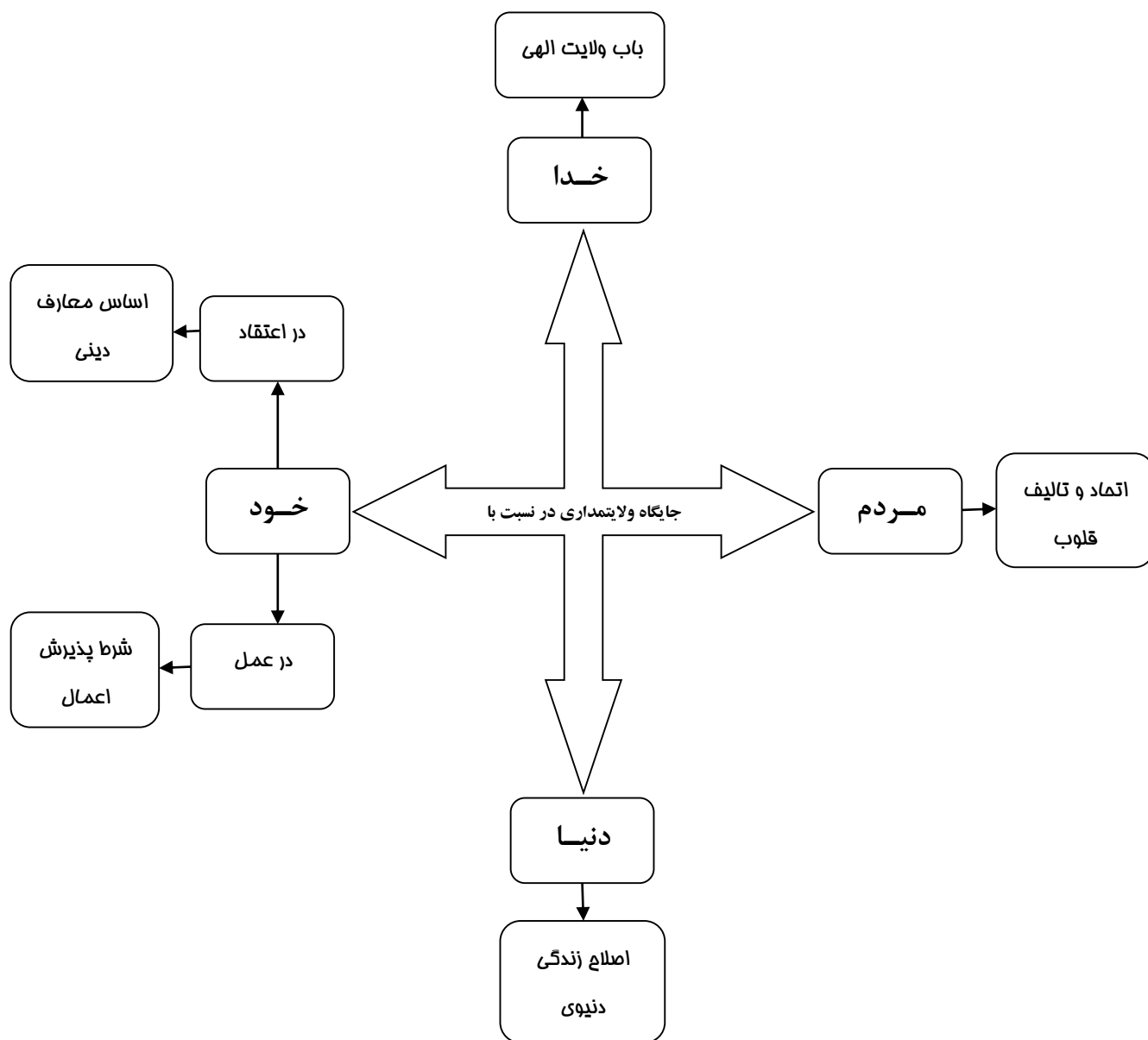
^{۲۵۶} - همان کتاب الایمان، ح ۱۴۸۶

^{۲۵۷} - طبرسی الاحتجاج، ص ۹۹

^{۲۵۸} - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، ص ۱۰۷۰

^{۲۵۹} - قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۵۷

– هندسه جایگاه ولایتمداری در نظام معارف اسلامی



۳- انواع ولایت مداری

۱ - پذیرش ولایت پروردگار:

- و الله ولی المؤمنین^{۲۶۰}

- الله ولی الذین آمنوا^{۲۶۱}

۲ - پذیرش ولایت ائمه و انبیاء:

- انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و مما رزقناهم ینفقون^{۲۶۲}

- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): ... لو ان عبدا جاء يوم القيامة بعمل سبعين نبيا ما قبل الله ذلك منه حتى يلقاه بولائتي و ولایت اهل بيتي^{۲۶۳}

۳ - پذیرش ولایت ولی امر:

- و صل الله طاعه ولی امره بطاعه رسوله بطاعه؛ فمن ترک طاعه و لاه الامر لم یطلع الله و لا رسوله^{۲۶۴}

۴ - ولایتمداری مؤمنان نسبت به یکدیگر:

- والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض^{۲۶۵}

۵ - پذیرش ولایت شیطان:

- انما ذالکم الشیطان یخوف اولیاءه^{۲۶۶}

- انا جعلنا الشیاطین للذین لا یؤمنون^{۲۶۷}

۶ - ولایتمداری کافران نسبت به یکدیگر:

^{۲۶۰} - قرآن کریم سورة آل عمران آیه ۶۸

^{۲۶۱} - قرآن کریم سورة بقره آیه ۲۵۷

^{۲۶۲} - قرآن کریم سورة مائده آیه ۵۵

^{۲۶۳} - قمی شیخ عباس ، سفینه البحار ، ج ۸ ، ص ۶۰۰

^{۲۶۴} - همان

^{۲۶۵} - قرآن کریم سورة توبه آیه ۷۱

^{۲۶۶} - قرآن کریم سورة آل عمران آیه ۱۷۵

^{۲۶۷} - قرآن کریم سورة اعراف آیه ۲۷

- لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين^{۲۶۸}

- و الذين كفروا بعضهم اولياء بعض^{۲۶۹}

۷- پذیرش ولایت ظالمان و ستمگران:

- و كذلك نولى بعض الظالمين بعضاً بما كانوا يكسبون^{۲۷۰}

۸- پذیرش ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام):

در روایات ما ولایت و امامت امیر المؤمنین (علیه السلام) بصورت خاص تأکید و سفارش شده است بدین صورت که ولایت ایشان بعنوان میزان و معیار سنجش و ارزیابی ایمان افراد در نظر گرفته شده است.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): اذا كان يوم القيامة و نصب الصراط على شفير جهنم لم يجز الا من معه كتاب و لايه على بن ابي طالب^{۲۷۱}

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): و لايه على بن ابي طالب و لايه الله عز و جل و حبه عباده الله و اتباعه فريضة^{۲۷۲}

- نکته حائز اهمیت در این بخش نسبت انواع مختلف ولایتمداری با یکدیگر است. باید توجه داشت گونه های مختلف ولایت مداری از رابطه طولی و مرتبه ای نسبت به یکدیگر برخوردارند. یعنی با یکدیگر قابل جمع بوده و نسبت طولی و نردبانی دارند. این نسبت طولی در ولایت الهی و شیطانی هر دو قابل اجرا است. یعنی شخص در عین حال که ولایت ائمه و انبیاء و ولی امر را پذیرفته است ولایت خدای متعال را هم پذیرفته است و آن ها از یکدیگر قابل تفکیک نیستند.

۲۶۸ - قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۲۸

۲۶۹ - قرآن کریم سوره انفال آیه ۷۳

۲۷۰ - قرآن کریم سوره انعام آیه ۱۲۹

۲۷۱ - العمده ، ص ۳۶۹ ، ح ۷۲۶

۲۷۲ - بحار الانوار ، ج ۳۸ ، ص ۳۱

شکل تصویر نظام ولایت الهی شکل تصویر نظام ولایت طاغوت (شیطان)



– عرصه های ولایت مداری:

بایستی از دو زاویه به این موضوع نگاه کنیم: نخست وظایف و تکالیفی است که یک فرد بویژه نوجوان نسبت به « افق و آرمانی مد نظر» ولی دارد و دیگر حوزه ها و ساحت ها این است که این تکالیف ولایت مداری آن ها را در بر می گیرد. با تبیین این دو زاویه نگاه و آمیختگی این دو با یکدیگر عرصه های مختلف ولایتمداری به صورت کامل و با ابعاد گوناگون شناخته خواهد شد.

الف) وظایف ولایتمداری (تکالیفی که فرد نسبت به افق آرمانی « ولی امر» خود دارد)

۱ – فهم عمیق: در مرحله اول فرد بایستی فهم عمیقی نسبت به منویات و مطلوبات ولی امر پیدا نماید.

۲ – سهم خواهی: در مرحله دوم باید سهم خود را نسبت به این آرمان ها در نظر بگیرد. یعنی وی با مختصات سنی و شرایط پیرامونی ویژه ای که دارد چه جایگاهی از این آرمان را به خود اختصاص خواهد داد.

۳ – زمینه ها: برای تحقق آرمان های ولی امر نیز به فراهم کردن امکانات و زمینه های لازم داریم. این هم بر عهده یک عنصر ولایتمداری است. چرا که نباید منتظر تحقق زمینه ها و شرایط مطلوب بنشیند بلکه خود او با فراهم کردن زمینه ها تحقق آرمان ها را پیگیری نماید.

۴ – عمل کامل: مرحله آخر اقدام و عمل کامل برای رسیدن به این آرمان هاست. « قید کامل» بیانگر این نکته است که ملاک عمل کردن به تمام منویات است نه فقط بخشی از آن که گاهی از اوقات در بعضی مدعیان ولایتمداری دیده می شود.

ب) ساحت های ولایتمداری

۱- جریان فرهنگی

۲- جریان سیاسی

۳- جریان علمی

۴- جریان استکبار

آنچه که در این حوزه اهمیت دارد شناخت جریانات تحول گرا و موج های اجتماعی از آینه دیدگاه « ولی امر » است نه شناخت اشخاص و اتفاقات و حوادث خرد. چرا که این شناخت جریان هاست که به انسان بینشی مستمر و فرا روی آینده می دهد نه افراد و اتفاقات. ذکر این چهار عنوان به عنوان نمونه مهم این جریانات کنونی است که کشور ما با آن ها درگیر است.

جدول شناسایی عرصه های ولایتمداری

تکلیف ها ساحت ها	فهم عمیق	سهم خواهی	ایجاد زمینه	عمل کامل
جریان سیاسی				
جریان فرهنگی				
جریان علمی				
جریان استکبار				

۵- آثار ولایتمداری

- چنانچه در مباحث پیشین بیان شد ولایتمداری جریانی است که با در نظر گرفتن همه مراتب آن در حوزه های مختلف به شکل تشکیکی قابل پیاده شدن است بنابراین آثار یک مرتبه به شکلی دیگر در مرتبه دیگر هم وجود دارد. با این یادآوری به بیان آثار ولایتمداری می پردازیم:

۱ - نبود اندوه و ترس:

قرآن کریم می فرماید «الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^{۲۷۳}؛ یعنی کسی که خود را در پرتو ولایت جای داده است هیچ ترس و غم و ناراحتی به همراه نخواهد داشت و با بهره گیری از نعمت ولایت محکم قدم در مسیر بر خواهد داشت.

۲ - شوق لقای الهی (استقبال از مرگ):

«ان زعمتم انکم اولیاء الله من دون الناس من فتمنوا الموت ان کنتم صادقین»^{۲۷۴}

اولیای الهی چون مرگ را نه پایان زندگی می دانند و نه اعمال ناشایستی مرتکب شده اند که از مرگ واهمه ای داشته باشند.

۳ - شناخت دنیا و رهایی از گزند آن:

امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «ان اولیاء الله هم الذین نظروا و الی الباطن الدنیا اذا انظر الناس الی ظاهرها»^{۲۷۵} اولیای الهی کسانی اند که با پی بردن به حقیقت دنیا از فریفته شدن نسبت به آن در امان می مانند.

۴ - پیروزی جبهه حق:

پیروزی جبهه حق وابسته به نصرت و یاری ولی خداست و در صورتیکه در این معنا کوتاهی شود پیروزی با دشمن اسلام خواهد بود. امیر المؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «من نام عن نصره ولیه انتبه بوطاه عدوه»^{۲۷۶}؛ هر کس از نصرت ولی خود کوتاهی کند در زیر پای دشمنش به هوش می آید.

۵ - وحدت و انسجام:

از دیگر آثار ولایت پذیری اتحاد و انسجام بین افراد یک امت است. اساساً راه وصول به وحدت همان پذیرش ولایت است.

- و طاعتنا نظاماً للمله^{۲۷۷}

^{۲۷۳} - قرآن کریم سوره یونس آیه ۶۲

^{۲۷۴} - قرآن کریم سوره جمعه آیه ۶

^{۲۷۵} - نهج البلاغه ، حکمت ۴۳۲

^{۲۷۶} - غررالحکم ، ص ۴۲۱

^{۲۷۷} - طبرسی ، الاحتجاج ، خطبه حضرت زهراء (س) ، ص ۹۹

جمع‌بندی نهایی هدف

ولایت‌مداری خصیصه‌ای است که خداوند در نهاد همه انسان‌ها گذاشته و انسان‌ها ناگزیرند تا ولایت‌پذیر باشند با این تفاوت که با این ولایت‌مداری نسبت به خدا و اولیاء او خواهد بود و یا نسبت به شیطان و اولیائش بر همین اساس ولایت‌مداری از جایگاه عظیمی در جغرافیای معارف اسلامی برخوردار است بگونه‌ای که اساسی‌ترین بنیاد اصول و شرط قبولی اعمال شمرده شده است.

نظام ولایت چون دارای مراتب گوناگون و به شکل تشکیکی است پذیرش آن نیز مراتب مختلفی را در بر می‌گیرد. در نظام ولایت الهی و ولایت انبیاء و ائمه (علیهم السلام)، ولی امر و مؤمنان هم وجود دارد و نیز در نظام ولایت شیطان، کافران و ظالمان نیز در مراتبی پایین‌تر دیده می‌شوند.

ولایت‌مداری عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که از نسبت سنجی فهم عمیق، شناخت سهم خود، فراهم کردن زمینه‌ها و عمل صحیح به منویات ولی امر با جریان‌های سیاسی، فرهنگی، عملی و استکباری بدست می‌آید.

آثار مادی و معنوی ولایت‌مداری نیز بسیار است که از جمله آن‌ها می‌توان شناخت دنیا، اشتیاق به مرگ، پیروزی جبهه حق و وحدت و انسجام امت اسلامی اشاره نمود. مهم‌ترین عواملی که ولایت‌مداری را در انسان تقویت می‌کند معرفت، محبت و عبادت و بندگی خدا است و مهم‌ترین عوامل عدم پذیرش ولایت الهی گناه، دنیا‌طبی، هم‌نشینی با کفار و ظالمان و تکبر و حسادت به ولی خداست.

عوامل و موانع ولایت‌مداری

۱- عوامل:

الف) معرفت

به‌میزانی که شناخت و معرفت فرد و جامعه نسبت به «ولی» بیشتر می‌شود ولایت‌مداری از او هم افزایش می‌یابد.

این معرفت در دو حوزه بایستی تقویت گردد:

۱- معرفت نسبت به جایگاه ولایت

۲- معرفت نسبت به مصداق ولایت

ب) محبت

محبت اگر چه ریشه‌ی روانشناختی در معرفت و شناخت انسان دارد ولی به‌عنوان مؤلفه‌ای گرایشی و روحی به خودی خود قابل تقویت است. هر مقدار محبت به ولی خدا افزایش پیدا کند مقدار تبعیت و اطاعت از او هم طبیعتاً افزایش پیدا خواهد

کرد. اساساً در نظام ولایی الهی پذیرش ولایت ولی به صورت خشک و بی روح معنا ندارد بلکه این اطاعت ریشه در محبت به ولی خدا دارد.

در این میان رفتارها و فضاهاى عاطفی تأثیر بسزایی در بروز احساسات شخص دارد.

ج) عبادت

از آنجا که نظام ولایی دین دارای مراتب گوناگون است توجه به مراتب بالا بهره‌آ انسان را از مراتب پایین بیشتر خواهد کرد. یعنی اگر شخص با عبادت به خدای متعال نزدیک شود در حقیقت در تمام نظام ولایی رشد کرده و طبیعتاً به ولی خدا نیز نزدیکتر خواهد شد. در برخی از روایات اثر عبادات، نوافل و مستحبات آن چنان است که فرد را به مقامی معنوی می‌رساند که خداوند تمام جسم و روح او را سرپرستی خواهد کرد و قوای ادراکی و حسی او در اختیار خداوند قرار خواهد گرفت.^{۲۷۸}

د) اخلاص در بندگی

عامل دیگری که در کنار مناسک و اعمال عبادت باید مد نظر داشت اخلاص در بندگی و عبادت است. انسان عامل معنوی باعث نورانی شدن قلب و جدا شدن از هوا و هوس ها و در نتیجه پذیرش و انقیاد بهتر نسبت به ولی خداست.

۲- موانع:

الف) گناه: به نظر می‌رسد مهم ترین عامل جدایی شخص از ولی خود که مانع بزرگ بر سر راه ولایتمداری گناه و نافرمانی الهی است. نمی‌توان از کسی که مرتکب معصیت الهی می‌شود و از نور الهی به سمت ظلمت طاغوت حرکت می‌کند انتظار و التزام به ولایت ولی خدا را داشت.

ب) دنیا طلبی: بسیاری از افراد تا زمانی دست یاری و بیعت به سوی ولی خدا دراز می‌کنند که دنیا و آمال خود را در خطر نبینند. اما به محض آن که این پذیرش ولایت با اهداف دنیا طلبانه آنان ناسازگار بود از دایره ولایتمداری خارج خواهند شد. نمونه های عینی تاریخی این مقوله از صدر اسلام تا زمان انقلاب اسلامی و حتی تا کنون بسیار بوده است.

ج) هم نشینی با کفار ظالمین: چنانچه قرآن کریم هم اشاره می‌فرماید دوستی و نزدیکی با کفار و ستمگران به تدریج در انسان تمایل به نظام طاغوت ایجاد می‌کند و کم کم علاقه ها و محبت های انسان را تغییر می‌دهد.^{۲۷۹}

چنین انسانی که پایه های روحی و معرفتی خویش را از دست می‌دهد دیگر نمی‌تواند به راحتی تن به پیروی از «ولی» بدهد.

^{۲۷۸} - ر، ک، جوادى آملی عبدالله، شمیم ولایت ص ۷۱

^{۲۷۹} - ر، ک، قرآن کریم سورة آل عمران آیه ۱۱۸

د) تکبر: همان طوریکه در تاریخ هم مشاهده می کنیم بسیاری از افراد امت های پیامبران گذشته در مقابل ولایت ایشان تکبر ورزیده و از اطاعت و پیروی ایشان سرباز زدند.

ه) حسادت از عوامل مهم خروج شیطان از ولایت الهی حسادت به آدم و برتری او دارد. بسیاری از انسان ها نیز با حسادت ورزی نسبت به ولی خدا حاضر به پذیرش ولایت وی نمی شوند.